

مجموعه مقالات برگزیده ششمین اجلاس سراسری نماز - زنجان ۱۳۷۵

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۷۶

چاپ: مهر-قم

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

اقامه نماز در دوران کودکی

جناب آقای حیدری

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله یی که بخشهایی از آن را تقدیم می‌کنم؛ اقامه نماز در دوران کودکی هست «یا ایهاالذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا» ای ایمان آورندگان خود و خانواده تان را از آتش دور نگه دارید.

برخیز که راه صبح را باز کنیم

تا شهر قشنگ نور پرواز کنیم

تا خون نشسته بر بلندای شفق

برخیز که تا نماز آغاز کنیم

نماز خروج دریا درون است، در گوش دنیای برون. نماز جوشش چشمه شوق است و پویش طریق. عشق نماز فریاد رهایی وجود است، از وضع موجود. رهایی از زمین است و تنهایی در زمان. نماز ناله زندانی خاک است، بر فراق شادمانی افلاک. نماز شعر بلند رهائیست از محبس و قفس تنهایی. نماز شکوفایی شوق پرواز است به سوی ملکوت راز، نماز راز گفتن است و زلال شکوفتن. نماز پلیست از رنگین کمان تابناک، افراشته از خاک تا افلاک. نماز پرواز است از شاخه شور بر بلندای شعور. نماز شعله شوق جنان است از آشفشان جان. نماز پیوستن قطره هاست به دریا و اتصال زره ها به بی‌انتهای نماز

[صفحه ۱۰]

پنجره‌یی ست از برهوت تنهایی به ملکوت خدایی. نماز دریچه‌ایست به تماشا و پنجره ایست به سوی خدا. نماز کلید بهشت است و امید به سرنوشت. نماز ستون دین است و استوانه آئین. نماز گسستن طوق علایق است و پیوستن به شوق شقایق. نماز پریدن است از شاخه قریب به آسمان الفت. نماز شکوفتن اندیشه است و سبز شدن از ریشه، نماز

مایه آرامش قلوب است و سرمایه وصال محبوب. اهمیت و ارزش دوران کودکی پویایی اندیشه در حین روئیدن از ریشه است. خویی که از نخست کسی را به سر نشست او را همواره تا دم مرگ در سر است. انسان از پگاه حیات تا شامگاه ممات در حال آموختن است و تجربه اندوختن. ما نقشی را که در سنین کودکی بر صحیفه سینه و صفحه پاک این آئینه می‌نگارند تا واپسین دم حیات قرین جان و همنشین روان است. حکیمان دانش آموختن در سنین کودکی را چون نقش آفرینی بر سنگ دانسته‌اند. دست کویر باور کودک تشنه است. هم زلال آب را می‌نوشد و هم زلال سراب را. بعضی بر این گمانند که سرآغاز سن تربیت همان آغاز سن تعلیم و تحصیلات رسمی است. در حالی که در اسلام تربیت کودک نه تنها از اولین روز تولد بلکه قبل از تولد و حتی قبل از ازدواج آغاز می‌گردد. روایات اسلامی تربیت نسلی سالم و سعادتمند را از گزینش همسر آغاز می‌کند. امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمودند: قلب کودک مانند زمین بی‌گیاه است. هر چه بر او عرضه شود می‌پذیرد. به همین جهت من پیش از این که قلب تو سبز شود و دلت مشغول گردد به تعبیر تو اقدام نمودم. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: فرزندان را با مسائل دین آشنا کنید، پیش از آنکه عوامل گمراه کننده بر آنان چیره شوند. هر که در خردیش ادب نکند در بزرگی فلاح از او

[صفحه ۱۱]

برخاست. چوب‌تر را چنانکه خواهی پیچ نشود، خشک جزو آتش زاست. تربیتی که با شیر اندرون شود با جان درآمیزد. اندیشمندان و مربیان بزرگ مسلمان درباره اهمیت و ارزش تربیت در خردسالی و کودکی چه نکته‌ها که نگفته‌اند و چه گهرهای سخن شکفته‌اند. گذشته از احادیث گران در پیشوایان معصوم علیه السلام و نظریات متفکران مسلمان، درباره اهمیت تربیت انسان در سنین کودکی توجه به کودک و عالم کودکی آنچنان در قرن معاصر فزونی یافته که برخی از مربیان بزرگ چون مونتسلی پیشگویی کرده‌اند که این قرن، قرن کودک خواهد بود. ماریا مونتسلی می‌گوید: مهمترین شاخص تربیت نوین احترام به شخصیت کودک می‌باشد در آن حد که تا پیش از آن سابقه نداشته است. گزل در این باره می‌گوید: کودک در پنج سالگی نسخه کوچک شخص جوانی است که بعداً خواهد شد. جالب اینجاست که غرب، قرن‌ها پس از ما به اهمیت تربیت در دوران کودکی پی برده. لذا برای جبران این غفلت فعالیت خود را در این زمینه شدت بخشید. ولی مشرق زمین علی‌رغم در همه زمین‌ها از جمله در زمینه تربیت

کودک دچار رکود و ایستایش شد. مثلاً در انگستان در سال ۱۹۵۳ میلادی یعنی ۴۳ سال پیش ۱۹۶۰ عنوان کتاب تازه برای بچه ها نوشتند.

در سال بعد این رقم از ۲۳۰۰ عنوان تجاوز کرد. از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۵ ظرف ۲۰ سال در روسیه ۴۵۰۰ نویسنده برای بچه ها کتاب نوشتند. و یک میلیارد نسخه آنها به فروش رفته است. فقط در سال ۱۹۵۴ در روسیه ۱۱۶۵۲۰۰۰ کتاب کودک به فروش رفته و یکسال بعد این رقم به ۱۳ میلیون جلد رسیده در حالیکه در سال ۱۳۵۱ یعنی ۲۴ سال پیش از ۱۳ ناشر تهرانی فقط ۶۴۵ کتاب ویژه کودکان منتشر شده است. امید است که مسائل کلان کشور و جامعه به ما

[صفحه ۱۲]

اجازه بدهد که برای مسائل دنیای کودک و تربیت او بیشتر اهمیت قائل شویم و همت بگماریم. زیرا مسئله مهمتر از برنامه کلان و مهمتر از آن نداریم. در پایان با توجه به تمام بودن وقت از زبان حضرت ابراهیم قهرمان توحید از خدا می‌خواهیم که «رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذريتي ربنا و تقبل دعا»

در محضر دوست جز مطهر نرود

با قلب سیاه و دامن تر نرود

باید تن و جان شست وضو یعنی این

با یک دل و با عشق دو دلبر نرود

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[صفحه ۱۵]

نقش الگوها در تربیت دینی فرزندان

جناب آقای رضا پورحسین، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

در تحول تمدن و فرهنگ بشری، تعلیم و تربیت عامل مهمی برای انتقال اندوخته های فکری، ارزشهای والای انسانی و خصلتهای نیکو از نسلی به نسل دیگر می باشد. میراث تمدن و فرهنگ در سلسله تمدنها و فرهنگها توسط تعلیم و تربیت از پدران و مادران به فرزندان انتقال داده شده و این سلسله همچنان در حرکت و تطور است. به عبارت دیگر تعلیم و تربیت عامل اصلی سازندگی انسانها و اجتماع انسانی می باشد.

معنای تربیت

تربیت در لغت از «رب ولده و الصبی یربه ربه» گرفته شده است. [۸] در این معنا، تربیت، مراقبت و رسیدگی کردن طفل برای رساندن او به سن بلوغ است. مربی، کودک را به لحاظ جسمانی و روانی مورد مراقبت قرار می دهد تا کودک در

[صفحه ۱۵]

مسیر تحول، واجد ویژگیهای روانی - ذهنی و خصوصیات جسمانی مورد نظر بشود. در معنای روان شناختی، تربیت، شکوفا کردن و به ظهور رساندن استعدادها بالقوه فرد در مسیر تحول روانی - ذهنی او به شمار می رود. در این تبیین، فرد دارای یکسری توانشهای زیستی و روانی است که از وارث و محیط بدست آورده است. فرد در طی تحول، توسط پرورش و تربیت، این توانشها را به منصف ظهور می رساند. به عبارت دیگر تربیت عامل شکوفایی زیستی و روان در فرد محسوب می شود.

[۸] تاج العروس فی شرح القاموس، ج اول، به نقل از نظام تربیتی اسلام، باقر شریف قریشی، صفحه ۲۴.

تربیت دینی

دین بازدارنده و نگاهدارنده از بدیها و انحرافات اخلاقی و نفسانی در زمینه های فردی و اجتماعی است. اگر تربیت صُغّه دینی بخود بگیرد می تواند توانشها و استعدادهای بالقوه آدمی را در جهت «فلاح» به ظهور برساند. تربیت دینی، غرایز و نیازهای آدمی را در جهت هدایت الهی منطبق با فطرت، ارضا می کند.

به یک تعبیر، تربیت دینی استواری دین و تعالیم الهی در نفس انسانی و اجتماع آنان است. اگر این در نفس انسان پایگاه استواری بیابد، انسان را به حد «اعتدال» و «اعتلا» می‌رساند.

«و لما بلغ اشدّه و استوی آتیناه حکما و علما» سوره قصص آیه ۱۴

«و (یوسف) چون به اوج بلوغ رسید و به استقرار و اعتدال (استوا) دست یافت، حکم و علمی به او عنایت کردیم.»

فردی که به حد استوا و اعتدال می‌رسد می‌تواند نوسانات حالات عاطفی،

[صفحه ۱۷]

فکری و اجتماعی را کنترل نماید و همواره احساس «وحدت» و ثبات در شخصیت داشته باشد.

هرگاه فرد به اعتدال برسد و بتواند در نیازها و خواسته های درونی خود و امکانات، توازن برقرار نماید به تدریج اوج می‌گیرد و عقل او مجال می‌یابد که رتبه های بالاتری از حالات روحی و نفسانی را کسب نماید.

«تنازع و تسلط هوی‌ها و هوسها عقل را به تلاطم و تزلزل می‌افکند، اما هرگاه تلاطم فرو بنشیند، عقل مجال می‌یابد و اعتلا در گرو مجال عقل است.» [۱].

در نگاه دیگر، تربیت دینی با ایجاد زمینه برای رشد فکری و عاطفی و انفعالی انسان، او را برای دنیا و آخرت، هر دو، آماده می‌کند. به همین دلیل است که بیان می‌شود تربیت دینی با تمدن همگامی دارد. این رویکرد، عقل را تعالی می‌بخشد و فرهنگ را غنی می‌سازد. اگر نگاهی به تاریخ سیر تمدن و فرهنگ بیندازیم، وهله هایی که تمدنها و فرهنگها از سرچشمه دین سیراب شده اند، توانسته اند مسیر رشد و کمال را طی کنند و آنگاه که تمدن و فرهنگ، خود را از وحی دور نگه داشته است، انسانها در سراشیبی سقوط و انحطاط به نابودی و هلاکت رسیده اند.

«هیچ مربی و هیچ مورخی نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند که اساس استوا و ثابت تمدن اسلامی، همان تربیت اسلامی بوده است و اگر امروز به این مطلب دقت شود نمونه های برجسته ای در اثر تربیت به شیوه اسلامی ارائه خواهند

[صفحه ۱۸]

شد... ما با تمام افتخار می‌گوییم که مبادی تربیت جدید که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته و هیچ دولتی تا کنون نتوانسته این مسایل را رعایت کند، اسلام در دوره طلایی حکومت خود بطور کامل به کار بسته است و حال آنکه چند صد سال از قرن بیستم پیشتر بوده است.» [۲] .

در معنای اصطلاحی، تربیت دینی، شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است. [۳] .

[۱] نگاهی دوباره به تربیت انسانی، دکتر خسرو باقری، ص ۳۶.

[۲] التربیه اسلامیة، ص ۴ به نقل از نظام تربیت اسلامی، باقر شریف قریشی.

[۳] نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، ص ۵۳.

تربیت دینی و الگوها

برای ایجاد تربیت دینی در کودک، عوامل زیادی دخالت دارند که اسوه سازی و همانند سازی فرد با الگو و اسوه یکی از عوامل مهم تربیت دینی محسوب می‌شود. «اسوه و اسوه عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود، پیدا می‌کند و برحسب این که پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه ای نیک و یا بد برای انسان فراهم آید.» [۱] .

در الگو سازی، مربی کوشش می‌کند که نمونه هایی از رفتار مطلوب خود را در معرض دید مربی قرار دهد و مربی نیز با همانند سازی [۲] نمونه هایی از رفتار مطلوب مربی (الگو) را در درون خود درون فکنی می‌کند.

[صفحه ۱۹]

[۱] همان منبع، ص ۱۰۷.

[۲] Identification.

همانند سازی، الگوپذیری

بیان شد که در روش الگوسازی، فرد خصوصیات برجسته ی الگو را درونی می‌کند. این حالت که معمولاً ناخودآگاه به ثمر می‌رسد، همانند سازی یا همسان سازی نامیده می‌شود.

طبق تعریف، همانند سازی فرآیند روانی است که فرد یک جنبه یا یک خصوصیت دیگری را بخود می‌گیرد و خود را کلاً یا جزئاً براساس الگوی مأخوذ تغییر می‌دهد. شخصیت به وسیله یک ردیف همسان سازی تشکیل می‌گردد و متمایز می‌شود. [۸].

فرد در طی تحول روانی و ذهنی خود بطور ناهشیار با یک یا چند «الگو» همانند سازی می‌کند. در این فرآیند، شخص خصوصیات الگو را در شخصیت خود می‌پذیرد و نهایتاً رفتار خود را مطابق رفتار الگو سازمان می‌دهد. به این ترتیب، فردی که همسان سازی می‌کند، با خصوصیات ظاهری و باطنی الگو «همانند» می‌شود.

[۸] لغتنامه روان شناسی، دکتر محمود مصور و همکاران، صفحه ۳۵۴.

پیوند عاطفی با الگو

نکته مهم این است که فرد با کسی همانند سازی می‌کند که با او «پیوند عاطفی» برقرار نماید. هر چقدر پیوند عاطفی بین فرد و الگو، مربی و متربی بیشتر باشد، خصوصیات و صفات بیشتری از الگو را درونی می‌کند.

[صفحه ۲۰]

بایستی در تربیت دینی این نکته مطمح نظر مربیان باشد که کودک و نوجوانان بطور مستمر در حال همسان سازی با الگوست. اگر فرد با شخصیت آسیب پذیر و ضعیف همسان سازی کند، دچار نوعی رشد نایافتگی شخصیتی خواهد شد که طبعاً ضعف شخصیتی، رفتارهای ناپخته و نامناسبی را بروز می‌دهد که موجب عدم سازگاری فرد با محیط می‌شود. متقابلاً همسان سازی فرد با شخصیت سالم و بهنجار موجب اکتساب صفات مطلوب شخصیتی و رفتاری در او خواهد شد. به عبارت دیگر، همانند سازی والگو پذیری، مسیر «بهنجاری» و «نابهنجاری» شخصیت کودک و نوجوان را تعیین می‌کند. به همین دلیل است که «الگو گزینی» در روند تربیت بویژه تربیت دینی بسیار مهم و حیاتی است.

الگو گزینی سالم

در تربیت دینی، انتخاب الگوها برای ایجاد نگرش و رفتار مطلوب و سالم بسیار مهم و با اهمیت قلمداد شده است. یکی از ویژگیهای تربیت اسلامی وجود الگوهای مطلوب و الهی برای متربیان است. در این مورد قرآن و عترت برای اعتلای روحی انسان و رساندن آدمی به مرحله فلاح و عقل ناب، الگوهای مطلوبی را معرفی می‌کند که آدمی

در سایه همانند سازی با آنان و گوش فرا دادن به تعالیم الگوهای الهی می‌تواند به اوج قدرت روحی و نفسانی و فکری برسد.

در تربیت دینی و اسلامی، وجود مقدس نبی اکرم صلوات الله علیه و آله بهترین الگو معرفی شده است. «ان لکم فی رسول الله اسوة حسنه» سوره احزاب آیه ۲۱ در وجود رسول خدا برای شما اسوه نیکی وجود دارد. پس از نبی اکرم، امامان هادی علیهم السلام، وجود مبارک ام ابیها فاطمه زهرا سلام الله علیها و به تبع آنان، صاحبان خرد الهی و نفوس زکیه عالمان و

[صفحه ۲۱]

دانشمندان روحانی و آنان که سعی در تبعیت الگوهای معصوم و قدیس را دارند، بهترین الگوهای متریان امت به شمار می‌روند.

بیان شد که ایجاد پیوند عاطفی بین مربی و متربی، بین الگو و الگوپذیر، سرمشق‌گیر و سرمشق، عامل اصلی در همانند سازی و الگوپذیری است. اگر بخواهیم فرزندان خود را با الگوهای بزرگ همانند کنیم، قدم اول شناساندن الگوها و قدم دوم ایجاد پیوند عاطفی در کودک و نوجوان نسبت به الگو و سرمشق می‌باشد. در الگوگزینی و معرفی الگوهای سالم می‌توان از الگوهای بزرگ و زندگی و صفات آنان برای کودک و نوجوان صحبت نمود. به عنوان مثال، بیان داستان کودکی «ابن سینا» و بیان صفات برجسته آن حکیم الهی در قالب «داستان» و قصه بطور مستقیم و غیر مستقیم باعث می‌شود کودک به تدریج با الگو پیوند عاطفی برقرار نماید و صفات او را در درون خود بپذیرد.

قهرمانان فیلم، قهرمان یک داستان یا یک رمان، قهرمانان یک واقعه‌ی تاریخی از صدر اسلام می‌توانند به عنوان الگو مطرح باشند تا فرد با او پیوند عاطفی برقرار نماید. در این صورت شاهد بروز رفتارها و رگه‌های شخصیتی قهرمانان در رفتار و شخصیت کودک و نوجوان خواهیم بود.

در مقابل، قرآن کسانی را که بطور کور الگوهای ناسالم را پیروی می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنان را به بصیرت فرا می‌خواند.

«انا وجدنا آباءنا علی امه و انا علی آثارهم مقتدون قال اولو جئکم باهدی مما وجدتم علیه آباؤکم...» سوره زخرف

«گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها پیروی خواهیم کرد. رسول ما به آنان گفت اگر من شما را به آیینی بهتر از دین باطل پدرانتان هدایت کنم باز هم، آنان را تقلید می‌کنید؟...»

[صفحه ۲۲]

الگو پذیری در نماز

اگر خواندن نماز را یک رفتار مطلوب بدانیم، بیان حالاتی از نماز بزرگان، بیان لحظاتی از نماز الگوهای بزرگ موجب همانندسازی تدریجی متربی با الگوها خواهد شد. در این مورد، معرفی حالات ویژه ای از بزرگان و الگوها که شنیدن آن موجب آرامش می‌گردد، کاری پرثمر و صواب است که متأسفانه در این زمینه فعالیت کمی صورت پذیرفته است. البته نبایستی فراموش شود ضمن آنکه حالت‌های ویژه بزرگان و الگوها در خواندن نماز و نیایش آنان را نقل می‌کنیم، بایستی برای ایجاد پیوند عاطفی نیز سعی نماییم. چرا که پیوند عاطفی بین سرمشق گیرنده و سرمش، شرط اصلی و لازم برای همانند سازی می‌باشد.

در مجموع باید گفت، اسوه اصل است برای «شدن» [۱] با بکارگیری این اصل می‌توان صفات برجسته ی نمازگزاران واقعی (الگوها) را به تدریج در فرزندان درونی کرد. هرگاه کودک از مربی خود حالات و صفاتی را بشنود که موجب خرسندی و رضامندی خاطر او را فراهم می‌کنند، به تدریج با الگو پیوند قلبی برقرار می‌کند و در نتیجه بطور ناخودآگاه خود را همانند الگو سازمان می‌دهد. هر چقدر این الگوها والاتر و ارزشمندتر باشند، الگوپذیر به افق‌های بالاتری از رشد روحی و روانی دست می‌یابد. در مقابل، ارائه الگوهای نازل و کم ارزش، فرد را با الگوهایی همانند می‌سازد که ارزش او را بجای تعالی، کاهش می‌دهند و به تدریج آدمی را به سراشیبی سقوط می‌برند. برای ساختن روح بزرگ باید کودک و نوجوان را با صاحبان روح های بزرگ آشنا نمود و آنان را با بزرگان پیوند داد تا به تدریج همانند آنان شوند.

[صفحه ۲۵]

[۱] تربیت مکتبی، دکتر رجبعلی مظلومی، صفحه ۱۷.

نماز عامل عروج و تقرب

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای رضا الهی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و اله الطاهرين سيما مولانا بقیة الله فی الارضین حجة ابن الحسن ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء اما بعد فقال الله الحکیم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم:
رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء - ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب

نماز عامل عروج و تقرب و معیار ارزشها

انسان در کمون ذات و سرشت خود حرکت به سوی عالم تجرد و اطلاق و فنای در فعل و اسم و صفت و ذات مقدس مبدء المبادی و غایة الغایات را که کعبه مقصود قبله ی مطلوب است می یابد.
انسان با نیروی غریزی و فطری الهی بار سفر می بندد و با تمام وجود بدین صوب رهسپار می شود، بطوری که تمام اعضاء و جوارح او در این سفر به کار می افتد بلکه وجود انسان که در بستری از زمان و مکان و شرایط جنبی است باید به حرکت افتد. آری عالم جسم و ماده او که طبع اوست، عالم ذهن و مثال او

[صفحه ۲۶]

که برزخ اوست و عالم عقل و نفس او که حقیقت اوست، همه باید در این سفر و سیروسلوک به محضر رب الارباب وارد گردند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند.

بدن باید وجه خود را رو به کعبه نموده، در حال نماز به قیام و رکوع و سجود درآید، ذهن باید از خاطرات، خود را مصون داشته و با تکبیرة الاحرام بحقیقت رو به سورة المنتهی کند و روح باید غرق انوار حریم حرم الهی گردد و درون حرم امن حضرت احدیت محو و مدهوش شود.

فقط او را ببیند، عظمت او را بنگرد، در برابر او تمامی ذرات وجودیش با وجودی سراسر عشق و ارادت ابراز کند:

ایاک نعبد و ایاک نستعین

چقدر خفت است که عده ای به ظاهر پرداخته و از عبادات و اعمال حسنه فقط به فعل قالبی اکتفاء کنند و از قیام و قعود جز ورزش بدنی بهره ای نجسته و از مغز و جوهره به پوست قانع گردند و بدین سان از کعبه مقصود دور و از جمال یار و لقای محبوب مهجور باشند.

همچنین عده ای که فقط به معنای محض گرویده و از اتیان اعمال حسنه و عبادات شرعیه شانه خالی کنند و بدین سان از متن واقع، کنار بوده و از حقیقت به مجاز و از واقع به تخیل و توهم قناعت کرده اند. انسان عاقل و مدبر واقعی در این نظام هستی هرگز این افراط و تفریط را زیبنده خویش نمی بیند و به گرداگرد چنین تفکر و سیره نمی چرخد، زیرا برای خود سؤالی طرح می کند:

مگر نه آنست که نور خداوند علی اعلی در تمام مظاهر عالم امکان ساری و

[صفحه ۲۷]

جاری است؟ پس چرا بدن را از عبادت معاف داریم و این عالم جزئی را که هر چند به ظاهر جرمی صغیر است از تجلی انوار الهیه تعطیل نمائیم؟ و به الفاظ وصول و لب و مغز و عبادت قلبی اکتفاء کنیم.

ولی در این عالم اکبر و دنیای فانی دسته ای هستند که جمع بین ظاهر و باطن نموده و تمام درجات و مراتب وجودی خود را به عبادت و اتقیاد حضرت محبوب واداشته و در این سفر ملکوتی تجهیز می کنند.

بگونه ای که برای تکمیل نفس و طی مدارج و معارج کمال انسانیت اکتفاء به علوم الهی و ذهنی مانند تعلیم و تعلم فلسفه به هیچ وجه کافی ندانسته و قلب و روح را بدین وسیله اشباع نکرده و روان را از تشنگی و عطش وصول به حقایق و شهود دقایق سیرآب ننموده، بلکه با عنایت به این مباحث در وادی عمل چنان به بندگی حضرت حق می پردازند که این بندگی را در ضمن تفکر صحیح الهی خویش موجب فخر ابد و حیات سرور می دانند:

الهی کفی بی عزا ان اکون لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا انت کما احب فاجعلنی کما تحب

اینان ظاهر را عنوان باطن و باطن را جان و حقیقت ظاهر نموده و هر دو را با یکدیگر چنان در هم آمیخته اند که از ظاهر، مرادشان وصول به باطن و باطن را بدون ظاهر هبائا منشورا می شمارند.

آری چنان با معبود خویش و مؤثر فی الوجود سخن می گویند که خود را اینگونه فنای در حضرت حق می بینند.

چنانچه مولی الموحدین، وصی بلافضل پیامبر رحمۃ للعالمین، امیرالمومنین علیه افضل صلوات المصلین عرض می کند:

اللهم نور ظاهری بطاعتک و باطنی بمحبتک و قلبی بمعرفتک و روحی بمشاهدتک و سری باستقلال اتصال حضرتک یا ذاالجلال و الاکرام

شکی نیست راه رسیدن به چشمه زلال مبدء فیاض، بدون اتصال به باطن و ربط با خداوند منان و اشراب دل از سرچشمه ی فیوضات ربانی، اطمینان خاطر و آرامش میسر نسبت به ذات اقدس او، میسر نیست.

انسان با بیداری شبهای تار و گریه و مناجات در خلوت سحرگاهان و توغل در ذکر و فکر و ممارست دروس قرآنی و بیان رحمانی و دوری گزیدن از اهل دنیا و هواپرستان و پیوستن به اولیاء خداوند سبحان و اقامه زیباترین فریضه الهی و موجب تقرب هر تقی یعنی نماز، چون شمعی که دائماً می سوزد و آب می شود یا پروانه ای که خود را به آتش می زند و همانند مؤمن متعهدی که شوریده وار دلباخته می گردد، می تواند به عالی ترین مدارج کمال نائل گردد و دریای بی کرانه ذات و صفات و اسماء حضرت معبود، فانی گردد و وجود شریف خویش را که به بها و تمنی جز بهشت برایش لحاظ نگردیده به سعه ی وجود خداوند علیم و قدیر متسع سازد.

اگر نبود این راز و نیاز و بندگی و فروتنی در پیشگاه ذات بی نیاز. اگر نبود این انابه و الحاح و اگر نبود این توفیق اقامه حدود الهی، نماز، انسان هیچ بود و هیچ.

ارزش انسان به ارتباط معنوی و رابطه با مبدء وجود و بر پا داشتن حدود الهی است. آنچه که می تواند موجب قرب او در محضر لایزال حضرت حق و باعث عروج به قلل مرتفع کمال و سبب تشخیص او در ساحت ذات سروری گردد، بندگی او است، بهاء دادن به حدود الهی و تلاش مستمر در تحقق صحیح

فقط برای رضای او است.

فعلی که حائز شطریات و شرطیات است. اگر تمام جوانب آن به بهترین صورت متصور محقق گردد می تواند عامل اتصال موجود به وجود حضرت حق شود.

در این اتصال هم باید انسان متوجه باشد که غفلت در مسیر سلوک متوجه جوارح و جوانح او نگردد و عبادت و قیام و قعودش بی توجه به مؤثر فی الوجود نشود و در هر لحظه بداند: لا مؤثر فی الوجود الا الله تبارک و تعالی و هر آن، باور داشته باشد و سر زبان جاری سازد که:

بحول الله و قوته اقوم و اقعد

باور کند که اگر او به او توفیق تفضل نمی نمود و یاد خویش را به یاد او نمی آورد، هرگز موفق به یاد او که نماز ذکر او است نمی شد: یا خیر ذاکر و مذکور.

او قبل از اینکه ما بیاد او باشیم و ذاکر او گردیم، مذکور علم او بودیم و او ذاکر ما بود، پس شایسته ادب و مطابق با عقل سلیم است که بر اساس رعایت ادب و وجوب شکر منعم در محضر مقدسش بندگی نمائیم و چه نعمتی از این بالاتر که ما مذکور بودیم و او ذاکر ما.

خلاف ادب و انسانیت است که انسان در این عالم ناسوتی، چنان به ظواهر ممکنات متوجه گردد و تعلق به امکانات پیدا کند که از واجب الوجود و مبدء هستی غافل شود و در محضر حضرتش به جای فروتنی و اطاعت، تکبر و عصیان نماید.

آه از این همه غفلت. فاین تذهبون

انسان از شدت غفلت و بی توجهی از درک وقایع و ادراک حقایق باز

[صفحه ۳۰]

می ماند.

چقدر ناپسند است که انسان بر اساس مستی و غرور و ظواهر فریبنده امور اعتباری دنیای فانی چنان سرگرم دنیا و متعلقات آن می شود که گوئی در زاویه دید خود بندگی حق را نمی بیند.

ولی اولیاء حق هرگز نه چنینند، آنها در تمامی لحظات، در حال قیام و قعود به یاد او سخن می گویند:

ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار لایات لا ولی الالباب الذین یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار

در گرماگرم داد و ستد، هرگز از یاد خداوند سبحان که نماز ذکر اوست:

اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر غفلت نمی کنند.

رجال لاتلهيهم تجارء و لا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوء و ايتاء الزكوء يخافون يوما تتقلب فيه القلوب و الابصار
چهره ظاهري تجارت و رويت سيمای ماديّات در معرض فنا، هيچگاه آنان را در نماز متوجه خود نمی سازد. به
خلاف عده‌ای که یاد ممکن الوجود را بر واجب الوجود مقدم می دارند.

و اذا راوا تجارء اولهوا انفضوا اليها و تركوك قائما

ولی بزرگترین عبد صالح حضرت حق در نهایت عظمت روح و طی طریق امکان که به مقام ثم دنا فتدلی - فکان
قاب قوسين او ادنی - فاوحى الى عبده ما اوحى نیز مشرف گشته، می فرماید:

[صفحه ۳۱]

خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرارداده و آن را همچون غذا برای گرسنه و آب برای تشنه، محبوب من ساخته
است، همانا گرسنه چون غذا بخورد سیر و تشنه چون آب بیاشامد سیراب می شود ولی من از نماز سیر نمی شوم.
شاگرد شریف مکتب وحی و دست پرورده پیامبر رحمت، حضرت امیرالمومنین صلوات الله و سلامه علیها چنان با
این وسیله ی تقرب عجین شده که متوجه بیرون آمدن پیکان از پای مبارک نمی گردد. این چه راز و نیازی است؟
این چه پیوند و علقه ای است؟

این چه توجه و ارادتی است که تنها او را می بیند، آری تنها او را می نگرد و اگر نمی دید هرگز عبادتش نمی نمود.
چنانچه وقتی ذعلب یمانی از آن بزرگوار سؤال می کند: هل رایت ربک یا امیرالمومنین؟ آن فطر جمال و جلال
خداوند سبحان می فرماید: افا عبد ما لا اری؟
فقال: و کیف تراه؟ قال علیه السلام:

لا تدركه العيون بمشاهدة العيان و لكن تدركه القلوب بحقائق الايمان.

او چنان محو جمال یار گشته که حضرتش را می نگرد، نه او می نگرد بلکه باید همه بنگرند، اگر آن بزرگوار و
شیفتگان حریم قدس حضرتش می نگرند جای تعجب نیست، شگفت در این است که چرا ما نوع بنی آدم که ملبس
به خلقت:

و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا

و محلی به زیور: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم هستیم، توفیق حضور

در محضر ربوبی او که حضرتش را مشاهده کنم نیستیم.

عمیت عین لاتراک و لا تزال علیها رقیبا

آری نماز وسیله عروج به محضر اوست.

نماز عامل تقرب به ساحت مقدس اوست.

نماز پیوند انسان با مبدء ذات احدیت است.

نماز منشاء همه خوبی ها و ناهی عن الفحشاء و المنکر است.

بفرموده مقام عظمای ولایت ایده الله تعالی:

در نماز برترین چیزی است که می تواند همه افراد جامعه ی مسلمان را به تهذیب اخلاق و تعالی روحی و معنوی برساند.

آری نماز درس زندگی است، نماز به انسان می آموزد که چگونه از این نعمت بزرگ خداوندی، جاذبه و دافعه استفاده کرد.

انسان در نماز طالب صراط مستقیم است، تا انسان احساس و بلکه ادراک نیاز نکند در مقام طلب بر نمی آید و تا طالب کمال نباشد هرگز وجودش منشاء خیر و مایه برکات نمی گردد.

اگر انسان بخواهد وجودش با برکت و واسطه فیض گردد و انسانها در زیرمجموعه ی او به سعادت ابد و حیات جاوید نائل شوند خود باید طالب باشد و با وجودی سراسر عشق ابراز کند.

اهدنا الصراط المستقیم

هر چند به اقامه نماز پرداخته و خود را در هدایت می بیند ولی باز باور دارد که لحظه ای غفلت چه بسا ثبات قدم را در هم شکند بدین سان از او می خواهد که وجودش را در مسیر او و صراط مستقیم ثابت بدارد و تا لحظه ای که روح

شریفش از کالبد او عروج نکرده در مسیر انبیاء الهی و صدیقین و شهدا و صالحین که حسن اولئک رفیقا هستند، باشد.

انسان در نماز می‌آموزد: اگر بخواهد به عالی‌ترین مدارج انسانی که برای انسان متصور و میسر است و خالق هستی برای او در ظرف فنا در نظر گرفته، نائل گردد، جز با بندگی و قرار گرفتن در وادی عبودیت میسر نیست.

در نماز به این رمز و راز شهادت می‌دهد و در مقام تشهد عرضه می‌دارد:

الحمد لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد تا عبد نشود، مقام رسالت تفویض نمی‌گردد.

تا در محضر او زانوی ادب بر زمین ننهد به مقام دنا فتدلی نمی‌رسد.

او چون بندگی ذات اقدس کرد و عبدالله بمعنای واقعی کلمه بجائی رسید که:

سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر

تا مراحل سیر و سلوک و عبودیت تحقق نیابد و به شایستگی از منازل متعدد عبور نماید و به مقام فاطمه نرسد بیان: انی جاعلک للناس اماما صادر نمی‌گردد.

اگر می‌بینیم ابراهیم، مظهر جمال و جلال خداوندی می‌شود و به مقام امامت نائل می‌گردد. اگر می‌نگریم عبد صالح الهی، به مقام خلقت می‌رسد و ملقب به ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه الصلوٰه و السلام می‌شود.

اگر می‌بینیم یک تنه در برابر کفر و الحاد می‌ایستد و تنها تکیه گاهش ذات اقدس پروردگار عالم است و با همت بلند و اراده آهنین به سوی در هم شکستن

[صفحه ۳۴]

خط بطلان و بتها حرکت می‌کند و می‌فرماید:

و تالله لاکیدن اصنامکم بعد ان تولوا مدبرین

چون اهل نماز و سجده های طولانی است چون بر پا دارنده حدود الهی است.

او نه تنها خود را سعادتمند می‌بیند بلکه سعادت را در همه لحظات، برای خود و ذریه خویش می‌خواهد و از خداوند منان می‌طلبد (که او و ذریه اش را از اقامه کنندگان نماز قرار دهد):

رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذريتى ربنا و تقبل دعاء

اگر امروز در نظام بشری مناصب اعتباری لشگری و کشوری را بصورت مقام و جایگاهی رفیع به اشخاص واگذار می‌کنند باید بر مبنای شایستگی ها صورت پذیرد.

چنانچه عصاره هستی حضرت امام صادق سلام الله تعالى و صلواته علیه به ما هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ایاک ان تنصب رجلا دون الحجة

اگر انسانها را ارزیابی و ارزشیابی می‌کنند باید بر اساس ضوابط دینی و بر محور تفکر ثقلین، این دو ودیعه الهی و امانت رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم - قرآن کریم ثقل اکبر و عترت علیهم السلام ثقل اصغر باشد. اگر چنین شده در برابر تمامی تهاجمات سیاسی، اقتصادی، نظامی و شبیخون فرهنگی مستکبران عالم به شایستگی می‌توان ایستاد و ذره ای انحراف در اهداف مقدس انقلاب اسلامی و مسیر الهی خویش مشاهده نخواهد شد و به یقین زمینه ظهور بزرگ منجی بشر، امام ثانی عشر ولی الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشریف فراهم می‌گردد.

[صفحه ۳۵]

رمز و راز این تحقق و ظهور و عدم انحراف و ضلالت در تمسک به قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت، عترت علیهم السلام است.

انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی ابدکتاب الله و عترتی اهل بیته باید شایستگی ها، صلاحیتها، عوامل سعادت را شناخت.

آنجا که سخن از مؤمنین است، سخن از نماز بعنوان یک شاخص و صفت آشکار مطرح است.

انما المومنون الذین اذا ذکرالله و جلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون - الذین یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون - اولئک هم المومنون حقا لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق کریم. آنگاه که سخن از متقین است، سخن از نماز است.

الم - ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین - الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوة... (الی قوله تبارک و تعالی). اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون.

هنگامیکه سخن از مدیر شایسته و رهبر نظام اسلامی است، سخن از نماز و اقامه صلوة است.

انما وليکم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکوة و هم راکعون
بل، آنجا که انسان شایسته و عباد رحمان سخن به میان می‌آید نه تنها از اقامه نماز یومیه است. بلکه از تهجد و شب
زنده داری و نماز در دل شب و سحرگاهان مطرح است.

[صفحه ۳۶]

و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما - و الذين يبيتون لربهم سجدا و
قیاما
آنجا که سخن از نیکوکاران و محسنین است، سخن از نماز است.
الم - تلك ايات الكتاب الحكيم - هدی و رحمة للمحسنين - الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم
یوقنون - اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون.
آنگاه که سخن از اجر عظیم در پیشگاه مقدس ذات اقدس پروردگار و کلام در عدم خوف و حزن نسبت به گذشته و
آینده نظام هستی است، سخن از نماز است.
ان الذين امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم
یحزنون.

آنجا که سخن در مقام مصلحین و سازندگان حقیقی نظام بشری است، سخن از نماز است.
والذين یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لانضیع اجر المصلحین.
آنگاه که از برادری سخن به میان می‌آید، نماز به عنوان معیار اخوت مطرح است.
فان تابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فاخوانکم فی الدین و نفصل الایات لقوم یعلمون.
هنگامی که سخن از حیات ابدی و زندگی در اوج عزت و شرافت و وعده لهم عقبی الدار و جنات عدن و سلام و
ملائکه الهی است، نماز بعنوان یک ارزش والا و معیار نیل به این بشارات مطرح است.

[صفحه ۳۷]

...انما يتذكر اولوالالباب... (الی قوله تعالى) والذين صبروا ابتغاء وجه ربهم و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانية و يدرون بالحسنة السيئة اولئك لهم عقبى الدار - جنات عدن يدخلونها و من صلح من ابائهم و ازواجهم و ذرياتهم و الملائكة يدخلون عليهم من كل باب - سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار.

آنجا که سخن از وظیفه صاحبان نعمت و قدرت است و مصادیق شکر نعمت حکومت و ولایت مطرح می‌شود، نماز و اقامه آن به عنوان مصداق اتم شکر بیان می‌گردد.

الذين ان مكناهم فى الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزكوة و امروا بالمعروف و نهو عن المنكر و الله عاقبة الامور.

آنگاه که سخن از پذیرفتن دعوت الهی و انزار نبوی صلی‌الله علیه و آله و سلم است سخن از نماز است.

انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب و اقاموا الصلوة و من تزكى فانما يتزكى لنفسه و الى الله المصير.

و آن هنگام که سخن از تجارت حقیقی است و هرگز به آن ضرری متوجه نخواهد بود سخن از نماز است، نماز.

ان الذين يتلون كتاب الله و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانية يرجون تجارة لن تبور - ليوفيهم اجرهم و يزيدهم من فضله انه غفور شكور.

به هر حال نماز معیار ارزشی در تمامی ارزیابی و ارزشیابی هاست.

- بدا، به حال نظامی که بزرگترین فریضه الهی، در آن جایگاه نداشته و به این امر بسیار مهم و حیاتی که:

[صفحه ۳۸]

تنهى عن الفحشاء و المنكر و لذكر الله اكبر (است)، بهاء خاص ندهند. وای بر مجموعه ای که وجود جلسات و ادامه آن را بر وقت فضیلت نماز ترجیح می‌دهند و به ندای حضرت حق و واسطه خیر، مؤذن، که حق بر عهده شنوندگان می‌آورد نمی‌دهند و شاکر این نوای عشق نیستند.

به یقین کسانی که صدای دلنشین مؤذن را که در فضای ملکوتی فریاد می‌زند:

حی على الصلوة، حی على الفلاح، حی على خير العمل

آنها مکرر می‌گویند بی توجهی می‌کنند، لیاقت رفاقت و دوستی و برادری با مسلمین را ندارند. هرچند به عنوان مدیر در مجموعه نظام مطرح باشند.

چنانچه حضرت امام صادق علیه الصلوة والسلام می‌فرماید:

اختبروا اخوانکم بخصلتین فان کانتا فیهم و الا فاعزب ثم اعزب ثم اعزب المحافظة علی الصلوات فی مواقیتها والبر بالاخوان فی العسر و الیسر.

شخصی که به عنوان استاد در حین تدریس، صدای مؤذن را می‌شنود و با بی‌توجهی به نوای عشق، به آموزش خود ادامه می‌دهد، به یقین کرسی تدریس را غصب نموده و لیاقت تدریس در مراکز علمی و شایستگی تعلیم در فضای نظام اسلامی را ندارد.

کارمندی که در نظام اسلامی از نفوس قدسیه و انوار ملکوتی انسان کامل امام عصر ارواحنا له الفداء بهره مند است و روزی می‌خورد بیمنه رزق الوری ولی به اقامه نماز بی‌توجهی می‌کند به یقین نمی‌تواند کارگزار خوب و نیروی فعال و مولد باشد.

اگر دانشجویی که در دانشگاه‌های نظام مقدس اسلامی به تحصیل و کسب معارف اشتغال دارد ولی به نماز، این فریضه بزرگ الهی و عامل رشد و تعالی

[صفحه ۳۹]

انسانها و موجب سعادت ابدی و حیات سرمدی بی‌توجهی می‌کند، به یقین نمی‌تواند آینده ساز نظام اسلامی و معلم و مربی صالح و وفادار به آرمانهای مقدس شهداء و حافظان حریم قدس الهی و پاسدار حرم امن ذات باری، قرآن کریم و عترت علیهم الصلوٰة و السلام باشد.

افسوس که نماز و روح بلند آن در نظام سبزی مهجور است.

افسوس که پیروان فرهنگ وحی و شیفتگان مکتب امامت و ولایت آنگونه که باید، به وقت فضیلت نماز و اقامه آن در اول وقت آن هم به صورت جماعت بهاء نمی‌دهند.

نکند خدای ناخواسته مصداقی از مصادیق و فردی از افراد یهود امت اسلام شویم که دیگر نه تنها سلام بر آنها جایز نیست بلکه جواب سلام آنها نیز واجب نخواهد بود.

آه چه درد بزرگی است برای پیامبر رحمت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله و سلم که می‌فرماید:

سلموا علی اليهود و النصارى و لا تسلموا علی یهود امتی فقال یا رسول الله من یهود امتک؟ قال: الذین یسمعون الاذان و الاقامة و لم یحضرُوا الجماعة.

جای بسی درد و دل با شیفتگان حریم مکتب وحی است:
نماز که وصیت انبیاء الهی علیهم السلام است.
قال انی عبدالله اتانی الکتاب و جعلنی نبیا - و جعلنی مبارکا این ماکنت و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیا.
نماز که وصیت اولیاء حق تعالی است.

[صفحه ۴۰]

کما قال مولانا امیرالمومنین علیه افضل صلوات المصلین:
و الله الله فی الصلاة فانها عمود دینکم.
نماز که معیار ارزشی و کلید و رمز ورود به آرمان مومنین و متقین. مصلحین و محسنین است.
نماز که ملاک قبولی سایر اعمال است.
اول ما یحاسب العبد الصلوة فان قبلت قبل ماسواها وان ردت رد ماسواها.
نماز که استخفاف آن محرومیت از شفاعت اولیاء الهی علیهم السلام است.
ان شفاعتنا لا تنال مستخفا بصلاته.
و...

چرا باید نیروهای مسلمان و امت اسلام با دید عظمت به آن ننگرند.
یا بعضاً برخی از مسئولین جامعه اسلامی با بهانه جلسات، موجبات استخفاف را فراهم کنند.
چه کاری بالاتر از نماز و چه فریادی بلندتر از نماز.
چه زیبا فرموده است، فرزند پاک انقلاب اسلامی، شهید بزرگوار، رجائی، اعلی الله تعالی مقامه الشریف:
به نماز نگوئید کار دارم، به کار بگوئید وقت نماز است.
و به فرموده مقام معظم رهبری:
در گردهمائی های علمی، فرهنگی، آموزشی و تبلیغی، نماز را در وقت خود، همچون الهام بخش صداقت و هدایت
به جای آورند.
چرا در خانواده ها بعضی از پدران و مادران بی توجهی می کنند.
مگر نه این است که خداوند علی اعلی می فرماید:

و امر اهلک بالصلوة و اصطبر علیها.

پدران و مادران با گفتار و کردار خود، فرزندان را به نماز تشویق و راهنمایی کنند. همه ما خصوصاً مدیران جامعه، مسئولین و کارگزاران نظام مقدس اسلامی بالاخص مسئولین رده بالا، وزراء معظم، وکلاء محترم، نیروهای فرماندهی لشگری و کشوری، ستادی و اجرائی باید در صفوف اول جماعات و به عنوان عوامل مؤثر در تنظیم این شعار الهی، فریضه ی بزرگ حق تعالی، نماز باشند. به فرمایش مقام معظم رهبری:

بزرگان جامعه و کسانی که چشمها به آنها دوخته شده و انگشتها، آنها را نشانه کرده است در مراکز همگانی نماز، دیده شوند.

بیائیم همه با خدای خویش، ذات اقدس اله جلت عظمته، پیمان بندیم که در اقامه نماز در سطح جامعه اسلامی و نظام سبزی جدیت نمائیم تا در راه تحقق ارزشهای الهی مفید و مؤثر بوده و بدین وسیله با تحقق و اقامه حدود ذات باری، زمینه ظهور انسان کامل. مقیم الصلوة، بزرگ منجی بشر، امام ثانی عشر حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم سازیم و در جوار رحمت پر فیض آن امام همام در انتشار احکام خداوند سبحان خدمت نمائیم.

با این امید که تمامی نیروهای مسلمان در اکناف عالم خصوصاً کشور امام عصر ارواحناله الفدا ایران اسلامی، بالاخص نیروهای مسلح و مراکز علمی و دانشگاهها با فرهنگ انسان ساز نماز و معارف عالی آن آشنا شوند و انس بیشتر گیرند تا با قدرت و توان بیش از پیش از حدود الهی و انقلاب اسلامی، این تحفه ذات باری پاسداری نمایند.

السلام علیک یا ابا عبدالله بابی انت و امی اشهد انک قد اقمت الصلوة و اتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر.

الهي و الحقنى بنور عزك الا بهج فاكون لك عارفا و عن سواك منحرفا و منك خائفا مراقبا يا ذاالجلال و الاكرام و
صلى الله على محمد رسوله و آله الطاهرين و سلم تسليما كثيرا.
و ما توفيقى الا بالله عليه توكلت
و اليه انيب
والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

[صفحه ٤٥]

نقش مساجد (به عنوان یک نهاد) در اداره امور عمومی

جناب آقای مجید اسماعیل انصاری

مقدمه

مساجد در طول تاریخ همواره پایگاه وحدت و عبودیت، بعضاً نیز سنگر مبارزه علیه ظلم و فساد و در موقعیتهایی کانون اخذ تصمیم برای امور عمومی مسلمانان بوده است. در تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، اداره امور سیاسی و اجتماعی بر عهده پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بود که در مسجدالنبی به عنوان یک مقر حکومتی و فرمانهای الهی نیز از این مسجد در موارد صلح و جهاد، غزوات و مشاوره صادر می‌گردید. مسجد در تشکیل اجتماعات، تنظیم قیامها و نیز محل رفع نیازها و معضلات مسلمانان از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. اگر یکی از مفاهیم اداره امور عمومی را عبارت از اتخاذ تصمیم برای پیشبرد امور عمومی بدانیم، مسجد کانون هماهنگی روابط انسانی و بوجود آورنده زمینه لازم برای امور پیش بینی شده از سوی آن سازمان (نهاد) می‌باشد. تاکید و عنایت خاص اسلام به تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، پرداختن به مسائل و مصالح اجتماعی و عمومی مسلمانان باعث مصون نگه داشتن جامعه از گزند و عوامل فساد خواهد گردید. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نقش مسجد مجدداً احیاء شده و به عنوان یک کانون چند نقشی از قبیل؛ آموزشی و تربیتی، قضاوتی، ارتباطی، سیاسی رزمی و تعاون

[صفحه ۴۶]

اجتماعی درآمده است.

در این مقاله ابتدا اشاره مختصر به مسجد و در قرآن و حدیث شده، سپس تاریخچه مسجد، جایگاه و اهمیت آن، روند گسترش مسجد، جایگاه مسجد در حکومت، و در حاشیه کارکرد دو مسجد در اصفهان و تهران آورده شده است.

مسجد

واژه مسجد در لغت به معنای جایگاه سجده و محل عبادت است و بعضی گفته اند از آنجا که سجود، شریفترین و مهمترین ارکان نماز است و در آن بیش از دیگر افعال نماز انسان به خداوند نزدیک می‌شود.

مسجد بیانگر مکانی است که کمال خضوع را در انسان ایجاد می‌کند و مسجد ظهور عملی خضوع و تسلیم است و جایگاه تحقق آن تنها مسجد است [۸].

[۸] حجة الاسلام هاشمی نجف آبادی، سیدرضا «جایگاه مسجد در فرهنگ ارتباطات» اسفند ۱۳۷۳.

مسجد در قرآن

واژه مسجد جمعاً ۲۸ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده که ۲۲ مورد آن به صورت مفرد و ۶ مورد آن به صورت جمع آمده است. در این آیات به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره ای از احکام مسجد، مسجد الحرام و احکام خاص آن، مسجدالاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است. [۸].

[صفحه ۴۷]

[۸] فراهتی، عباسعلی. «مسجد در قرآن و حدیث» مجله مسجد شماره هفدهم سال ۱۳۷۳ ص ۶۴.

مسجد در احادیث و روایات

پیرامون اهمیت مساجد و جایگاه رفیع آن، احترام نهادن به مساجد، آباد نگاهداشتن مساجد حضور یافتن در آنها برای ادای نماز و فراگیری دانش اشاره هایی شده است.

«انما نصبت المساجد للقرآن» همانا مساجد برای قرآن بنیان گردیده است.

در متون حدیث اهل سنت است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: اگر شخصی بامدادان یا شبانگاه راه مسجد را در پیش گیرد و صرفاً هدف او فراگیری خیر و نیکبختی باشد یا بخواهد آن را به دیگران تعلیم دهد، همسان مجاهدی است که در راه خدا به جهاد پرداخته و با غنیمت باز گردد.

در حدیثی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «ان المساجد بیوت المتقین»

مسجدها، خانه های پارسایان و پروا پیشگان است.

در حدیث دیگر می‌فرمایند: «ریاض الجنه المساجد» مسجدها، باغها و بستانهای بهشتی‌اند.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

آن گاه که در مشکلات زندگی، اندوه یکی از شما را فراگیرد چه چیز مانع از آن است که وضو گرفته شود و در مسجد دو رکعت نماز بجای آورد و در آن خداوند را بخواند؟ آیا سخن خداوند را شنیده اید که می‌فرماید: و از صبر و نماز یاری جویید؟

امام محمد باقر(ع) مسجد را به عنوان پناهگاهی برای اوقات بروز حوادث و وقایع هولناک طبیعی ذکر کرده است و می‌فرمایند:

[صفحه ۴۸]

هنگامیکه خسوف و کسوف رخ می‌دهد به سوی مساجد خویش بشتابید.[۸] .

[۸] همان ص ۲۹ - ۳۰.

تاریخچه مسجد

مسجد از همان آغاز علاوه بر اینکه به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مومنین برای ادای فرایض دینی مورد استفاده بود، کانون فعالیتهای اساسی نهضت جهانی اسلام نیز به شمار می‌رفت و در واقع پایه های حکومت اسلامی در این مکان بنیانگذاری شد.

مسجد قبا را می‌توان اولین مسجد جامع مسلمین نامید که در حقیقت کلیه مسلمانان مدینه (مهاجران و انصار) در ساختن آن شرکت داشتند. آنچه مورخین در تاریخ اسلام نوشته اند، این است که زمین مسجد قبا بوسیله حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) خریداری شد و در مدت بیست روز از بامداد تا شامگاه حضرت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) به اتفاق دیگران آن را به اتمام رساندند. اولین مرتبه که مسلمین در قباء نماز جماعت خواندند روز جمعه بود.[۸] .

[۸] نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، چاپخانه علامه طباطبائی، قم ۱۳۷۲.

جایگاه و اهمیت مسجد

اسلام به عنوان یک نظام الهی، همه فعالیتهای بشری را در برمی‌گیرد و اخلاق اسلامی و ارزش های آن برای همه ابعاد انسان دارای قانون است. بنابراین باید و می‌توان به عنوان یک راه حل برای رفع مشکلات بشریت امروز مورد استفاده

قرار گیرد.[۸].

از طریق مسجد می‌توان امور مسلمانان را مورد بررسی قرار داد، فعالیتهای بشری، اخلاق اسلامی و ارزشها را ترویج نمود.

در ایدئولوژی اسلام به عنوان یک دین کامل، مسجد به عنوان کانون مشترک، عبادی - سیاسی پایه گذاری شده، بیشتر امرا و فرمانروایان کشورهای اسلامی که خود را خلیفه‌الله هم می‌دانستند بر آن بودند که کاخهای سلطنتی و دارالاماره را نزدیک مسجد اصلی شهر بنا کنند تا با تظاهر به دین و اسلام به نحوی بر فعالیتهای مسجد نظارت داشته باشند. در شهرهای ایران از جمله اصفهان، تهران، قزوین و مشهد نیز مساجد جامع و مهم به گونه ای با ارگ (دارالاماره، یا دارالحکومه) ارتباط مستقیم و یا نزدیک داشته اند[۲].

[۸] دکتر جاسبی، عبدالله، مجله اقتصاد مدیریت شماره ۱۳ تابستان ۷۱، ص ۹.

[۲] سعیدی رضوانی، عباس «بیش اسلام و پدیده های جغرافیا» آستان قدس ۱۳۶۷، ص ۴۰.

روند گسترش مسجد بعد از صدر اسلام

اهمیت دادن به مسجد تابعی از کیفیت اعتقادی، سیاسی و اجتماعی جوامع مسلمانان در طول زمان به شمار می‌آمد. هرگاه وضع پیروان اسلام از نظر اعتقادی و اقتصادی به هنجار و دولت به صورت باطنی یا ظاهری با گسترش اسلام موافق بوده است، مساجد نیز از نظر کمی و کیفی در حال رشد بوده اند: به عکس زمانی که دولتها با اسلام سر ستیز داشته اند، در آغاز با ترفندهای مختلف، مانع از ایفای نقشهای مسجد شده و سپس به تخریب آن می‌پرداختند.

با حمله مغول به کشورهای اسلامی و از بین رفتن آثار اسلامی، به ویژه مسجد که بنا به گفته ویل دورانت «شهر زیبای ری با ۳۰۰ مسجد و کارگاههای سفال معروف ویران شد» پس از دوران فترت و سکوت، ساختن مساجد، با شکوه بیشتری توسط جانشینان چنگیز و تیمور از سر گرفته شد.[۱].

[۱] همان ص ۳۷، ۳۸، ۵۱.

نقش مساجد در آموزش و تعلیم و تربیت

وقتی از مدارس کهن کشورهای اسلامی سخن به میان می‌رود «مساجد» را مورد توجه قرار می‌دهند. باید در نظر داشت که پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز مانند گذشته جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کرد. در قرن هشتم یعنی دوره ای که سه چهارم قرن از ایجاد مدارس کامل با کتابخانه ها و حجرات و سازمان مخصوص می‌گذشت، ابن بطوطه جهانگرد مشهور وقتی به شیراز رسید در مسجد «جامع» این شهر در درس حدیث و پیش از آن نیز در بغداد در مسجد «جامع» آن در حلقه تدریس حضور یافت حال آنکه در آن ایام در بغداد چندین مدرسه بزرگ وجود داشت. از این رو مدرسه را گاه مسجد و یا بالعکس مسجد را گاه مدرسه نیز می‌نامیدند و این اشتراک اسامی و خلط آن با یکدیگر در تمام اعصار اسلامی معمول بود.

در کتب تاریخ و رجال که ایرانیان دوره اسلامی نوشته اند بارها به مساجدی اشاره می‌کند که محل تعلیم علوم دینی و ادبی بود، مثلاً در سیستان یکی از فرمانداران عرب به نام عبدالرحمن ابن سمره (قرن اول هجری) مسجد جمعه

[صفحه ۵۱]

(آدینه) ساخت که حسن بصری عالم معروف دینی قرن اول و دوم مدتی در آنجا سرگرم تدریس و تعلیم مسائل دینی بود و مردم سیستان سه سال نزد او در مسجد آدینه علم آموختند. [۸].

ابن فقیه در سیستان و بلخ و هرات مساجد زیادی را نام می‌برد که در آنها فقیهان برای تعلیم حاضر می‌شدند در فارس نیز حلقه هایی برای تعلیم در مسجد (جامع) عتیق تشکیل می‌یافت.

در بردسیر کرمان مسجد بزرگی به نام «جامع توران شاهی» وجود داشت و بر روی آن کتابخانه‌ای دارای ۵۰۰۰ جلد کتاب بنا شده بود و در یزد علاءالدوله کالنجار از امرای دور سلجوقی مسجدی ساخت که به جامع قدیم یا مسجد قدیم جمعه مشهور شد و تا دیرگاه یعنی تا حدود قرن نهم مورد استفاده اهل علم بود.

بنابراین در درجه نخست علم قرائت قرآن و تفسیر و حدیث و فقه در مساجد و همچنین تعلیم زبان و ادب عربی مورد توجه بود، برای تعلیم علوم شرعی هر گروه (فرقه) حلقه جداگانه ای ترتیب می‌دادند و گاه ممکن بود چند گروه در یک مسجد برای تعلیم و تعلم گرد آیند، معمولاً برگرد استادانی که در مساجد برای تعلیم حاضر می‌شدند گروه شاگردان حلقه می‌زدند و این جامع «حلقه» نام داشت.

نقل گردیده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام جواب سؤالات اصحاب در «مسجد مدینه» مردم بگرد او حلقه می‌زدند و سخنان او را شنیده و حفظ می‌کردند. حلقه درس گاه بزرگ و زمانی کوچک بود و گاه در یک مسجد چند

[صفحه ۵۲]

حلقه بر گرد چند استاد تشکیل می‌شد و هر حلقه منصوب به استادی بود که آن را ایجاد می‌کرد، و گاه بر این حلقه ها نام «مجلس» اطلاق می‌شد و در این صورت هم آن را به نام استاد می‌خواندند. اهمیت حلقه ها بسته به اهمیت استاد و اهمیت موضوع درس بود و شماره آنها هم بستگی به اهمیت و کثرت یا قلت مراجعه مردم به مسجدها داشت چنانکه در مساجد درجه دوم و سوم معمولاً بیش از یک حلقه تشکیل نمی‌شد در صورتیکه در بعضی از مسجدها عده حلقه ها به سی و چهل نیز می‌رسید و هر یک اختصاص به موضوعی معین مانند تفسیر و حدیث و ادب و امثال آنها داشت. از حلقه های معروفی که در مساجد ایران تشکیل می‌شد یکی آن است که شیخ ابومحمد عبدالله الجوینی پدر امام الحرمین جوینی متوفی به سال ۴۳۸ در نیشابور داشت. ضمناً گاه دانشمندان مشهوری که از شهرها می‌گذشتند از جانب سلاطین مامور تشکیل حلقه هایی در جوامع شدند، چنانکه امام عبدالله حلیمی فقیه معروف متوفی به سال ۴۰۳ چون به نیشابور رسید از جانب پادشاه غزنوی مامور تشکیل حلقه ای در نیشابور گردید و او در تمام مدت اقامت در آن شهر در حلقه خویش املاء حدیث می‌نمود (املاء به درسی گفته می‌شد که استادان در حلقه خود بیان می‌کردند و شاگردان مستمع از آن یادداشت بر می‌داشتند).

مساجد به تدریج که دارای نقش آموزشی شدند کم کم کتابخانه های عظیمی نیز ایجاد گردید. به قول مقدسی (قرن چهارم) تنها فهرست کتابخانه مسجد جامع اصفهان در ۱۰ جلد گردآوری شده بود. این مسجد را به عنوان یک مرکز بزرگ

[صفحه ۵۳]

فعالیت علمی در تمام زمینه ها یاد می‌کنند. [۲].

در روایات اسلامی نیز نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای انجام فرایض دینی وارد مسجدالنبی شدند، در گوشه ای از مسجد جمعی از مسلمانان در حال انجام مراسم مذهبی روزانه بودند و عده ای دیگر در حال بحث و مجادله علمی بودند، اما پیامبر خود را از مباحثه این دو گروه کنار نکشیدند و به جمع دوم پیوستند. وجود مدارس حوزوی و آموزش طلاب دینی در کنار مساجد بزرگ، نمایانگر این کاربری در نهاد مساجد اولیه بوده و هست [۳].

[۱] تاریخ سیستان، ملک الشعراء بهار، محمد رضانی ص ۸۹.

[۲] سعیدی رضوانی، عباس ص ۴۵.

[۳] ندای جمعه، شماره اول تیرماه ۷۳. ص ۷۳.

جایگاه ارتباطی مسجد

مسجد یکی از کارآمدترین وسایل ارتباطی است که در آن پیام خداوند با نمادها و نمادهای مختلف به مومنین مخاطب منتقل می شود و از انواع علائم و رموز و کدها بهره می گیرد. مسجد به عنوان وسیله انتقال پیام الهی از سه کیفیت قوی و غنی برخوردار است، پیام های کلامی، رسانه های نیمه کلامی، نمادهای غیرکلامی (شکل ساختمان). علیرغم تغییر و تحولات در ساخت مساجد، همه مساجد دارای وجوه مشترکی در ساختمان بوده که همان وجوه مشترک به عنوان نمادهای غیرکلامی، پیامهایی را به مومنین منتقل می کرده و می کند. محراب پایین تر از کف مسجد و مقدار فرو رفته در میانه دیوار در جهت قبله، با سقف هلالی گوشه دار و همچنین گنبد محیط بر محراب و منبر و صفوف نمازگزاران و در دو طرفش دو گلدسته بر

[صفحه ۵۴]

بالای دو مناره راست قامت، همانند دستان ملتمس محتاجی که در دو سوی سر، به درگاه قاضی الحاجات بلند است. که اینچنین ساختمانی منحصرأ مربوط به مساجد است و دیگر معابد متعلق به غیر مسلمانان دارای اینچنین ویژگی نیست. در گذشته و حال در گوشه و کنار جهان، گنبدهای بلند و گلدسته های رفیع مساجد به عنوان نمادهای غیرکلامی، پیام اسلام را بطور شکوهمندانه به هر بیننده ای القاء می کنند.

مسجد تنها یک وسیله ارتباط جمعی یک بعدی نیست که به انتقال پیام الهی اکتفا کند، بلکه مسجد همزمان با انتقال پیام خود مرکز تعیین پیام و نمود و آثار آن است و این ویژگی است که مسجد را از هر پایگاه و جایگاه دیگر متمایز می‌سازد. [۱].

[۱] حجة الاسلام هاشمی نجف آبادی، سیدرضا. روزنامه اطلاعات ۶ اسفند ۷۳.

جایگاه سیاسی مسجد

در ابتدای برپائی حکومت اسلامی در مدینه امور حکومت و بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی بر عهده پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بود. فرمانهای غزوات، مشاوره در مورد صلح و جهاد و سرانجام در مسائل حقوقی و فراخوان عمومی برای یادگیری فرمانهای الهی همه در مسجد صورت می‌گرفت و مسجد به عنوان یک مقر حکومتی ارزش پیدا کرد. در آن هنگام، امامت جماعت نیز بر عهده رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود. محوریّت مسجد در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی باعث شد در هر شهر و

[صفحه ۵۵]

برزن مسجد (جامع) شکل گیرد و مسئولان معتقد حکومتی از طریق آن به بررسی مسائل هر منطقه بپردازند. در الجزایر مراجع قدرت فرانسوی نگران ناآرامی‌هایی بودند که از طریق رهبران اسلامی در هر تماس که با توده مردم داشتند در مساجد مردم خاموش را بر می‌انگیختند، فرماندار الجزایر در سال ۱۹۳۳ میلادی طی بخشنامه‌ای از ورود رهبران مذهبی به مساجد ممانعت ایجاد کرد. در ایران نیز برانگیختن مردم بر ضد ناصرالدین شاه برای امتیاز تنباکو به انگلیسی‌ها از منبر صورت گرفت. در سال ۱۹۵۶ میلادی با هجوم فرانسه، انگلیس و اسرائیل به مصر، عبدالناصر رئیس جمهور وقت در روزنامه جمعه دوم و نهم نوامبر (جمادی الثانی) در مسجد الازهر قاهره نماز گذارد سپس به منبر رفت و خطابه‌ای مهم ایراد نمود. [۱].

در ایران نیز مساجد در شکل‌گیری قیام و نیز رهبری آن در سال ۵۷ بسیار فعال بوده و پیامها از طریق مساجد به گوش مردم رسانده می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (بهمن ۵۷) نیز مساجد، محل شکل‌گیری نیروهای جوان بود، مردم هسته‌های بسیج را تشکیل داده و نقش مهمی را در پاسداری از ارزشهای اسلامی بر عهده داشتند.

[۱] فتحی، اصغر، ترجمه هاشمی‌نژاد، قاسم «منبر یک رسانه عموم در اسلام» مجله مسجد شماره یازدهم ۱۳۷۲.

جایگاه مسجد در قضاوت

در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) مسجد نقش عمده ای در امور قضائی داشت و

[صفحه ۵۶]

بسیاری از مسائل حقوقی مردم توسط حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد رسیدگی می شد. در زمان حضرت علی (ع) نیز در گوشه ای از مسجد کوفه به نام «دکه القضاء» برای رسیدگی به کارهای حقوقی و قضائی مردم به محکمه قضاوت می نشست نظر به اینکه در سرزمینهای اسلامی داوری مبنائی دینی داشت. قضاوت مذهبی نیز عهده دار این مهم بودند و تشکیلات خاص و مکان ممتازی به جز مسجد برای قضاوت ضرورتی نداشت. نقل شده است که در بعضی زمانها قاضی القضاات شهر بغداد احکام قضایی اش را در مسجد صادر می کرد. [۸].

[۸] سعیدی، رضوانی، عباس ص ۴۱ - ۴۰.

جایگاه نظامی «رزمی» مسجد (نقش مسجد در جهاد)

زمان حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) مساجد کانون تجمع نیرو برای حضور میادین نبرد با طاغوتیان و ستمگران بود و از مهمترین نقشهای مسجد در آن زمان آن بود که مقدمات فکری بسیج عمومی مسلمانان را به منظور جهاد با کفار در مسجد تدارک می دیدند.

در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد و بوسیله آنتهایی که امام جمعه بودند حل و فصل می شد و نقشه های جنگ در آنجا کشیده می شد. [۹].

در نهضت تنباکو، نهضت مشروطیت، قیام پانزده خرداد به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۴۲ و همچنین در عصر جمهوری اسلامی ایران نیز مسجد به

[صفحه ۵۷]

عنوان پایگاه نیروهای بسیج و اعزام نیرو بود. [۲].

در طول هشت سال دفاع مقدس مساجد از مکانهای فعال در جهت پشتیبانی اعم از انسانی و مادی جبهه ها نقش بسیار مؤثر و سرنوشت سازی را ایفا می نمود. همچنین در جریان اوج گیری انقلاب در سالهای ۵۷ مساجد به رهبری روحانیت، کانونی مؤثر در جهت براندازی نظام شاهنشاهی بود. این نقش از زمان پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ایران احیاء شد و مساجد به عنوان پایگاههای بسیج نیرو، به ویژه در طول هشت سال دفاع مقدس و نیز محل تجمع نیروها بود.

مسجد یک سنگر اسلامی است، ومحراب محل جنگ است [۳].

امام خمینی (ره)

[۱] صحیفه نور ج ۱۷. ص ۳۹.

[۲] پیشین (سعیدی رضوانی) ص ۴۳.

[۳] کلمات قصار حضرت امام.

مسجد جایگاه اخوت اسلامی

مسلمانان با حضور در مسجد، به حذف تشریفات و الغای امتیازات طبقاتی، نژادی و قومی در صفوف به هم فشرده نماز جماعت در کنار یکدیگر می ایستند. پس از نماز جماعت همچون برادری صمیمی و مهربان دست یکدیگر را می فشارند، مصافحه می کنند، و به مرور این دیدار موجب ارتباط محکمی می شود که روح اخوت و برادری را در جمع نمازگزاران تقویت می کند و با این روحیه ی بوجود آمده کمبودها و گرفتاریها را بر طرف می کنند. [۸].

[صفحه ۵۸]

[۱] خندق آبادی، گرامیداشت مسجد، مجله مسجد شماره ۱۴ ص ۹۳.

مسجد جامع

بهترین مسجد شهرهای بزرگ، مستقر در مرکز شهر را مسجد جامع نامند.

معمولاً مساجد جامع را مهمترین و نامدارترین آثار معماری شهر به شمار می آید، به حدی که آوازه ی پاره ای از شهرهای اسلامی به مسجد جامع آن است نظیر: مسجد گوهرشاد، مسجد جمعه یا جامع اصفهان، مسجد کبود تبریز

یادگار قرن‌ها و نمودار ذوق هنری و علمی والای دوران خود است. مساجد جامع غالباً یادآورنده زمانی است که نقش‌های مسجد پویا و مسجد مرکز ثقل شهر و کانون فعالیت‌های علمی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی بوده است. در دورانه‌ای خاص مسجد جامعه مهمترین وجه تمایز شهر از ده و مشخص کننده «شهر» در میان انواع دیگر سکونت گاه‌های اسلامی به شمار می‌آمده است. در زمان هارون الرشید یکی از امرای عرب از وی خواست که چون اعراب در قم سکونت گزیدند و استقرار یافتند، قم را کوره و شهری گرداند به انفراد، و منبر را در آن بنهد تا در قم نماز جمعه و عیدین به استقلال بگذارند و احتیاج نباشد ایشان را برای جمعه و عیدین به کوره دیگر رفتن و نماز کردن. و چنین می‌نماید که در آن زمان شخصیت و استقلال شهر در گرو مسجد جامع نهفته بوده است. [۱].

دستورات و قوانین فراگیر اسلام، در شکل‌گیری اجتماعی سیاسی و اقتصادی جوامع مؤثر بوده است، چنانکه تا قرن‌ها بیشتر فعالیت‌های شهرهای

[صفحه ۵۹]

اسلامی بر مدار یک مسجد با موقعیت مرکزی انجام می‌گرفت و مساجد به ویژه مسجد جامع به شهرهای اسلامی چهره‌ای کاملاً مشخص می‌بخشید: این نقش کانونی (مسجد جامع و بازار با محله‌هایش) همواره منشاء تحرک‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده است. [۲].

[۱] تهرانی، سیدجلال‌الدین، تاریخ قم. ص ۲۸.

[۲] ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، مجله علوم اجتماعی دوره یک شماره ۴ تیر ۱۳۵۳.

مسجد مصلی

مسجد مصلی، مسجدی است با فضای بسیار وسیع در کنار شهر که معمولاً نمازهای عیدین و جمعه در آن برگزار می‌شده است.

مسجد ارگ

مسجد ارگ به کوشش امیران و دولتمردان به پیروی از اندیشه اسلامی «پیوند دین و حکومت» یا حداقل تظاهر بدان به منظور نظارت و مراقبت بر امور کشوری و زیر نظر داشتن فعالیتهای اجتماعی مردم به نام های گوناگون ساخته می شده است.

بعضی از مساجد مهم از نظر نقش آموزش نیز فعال بوده اند و به هر دو نام مشهور بوده اند، مثل مدرسه سپهسالار. مسجد به نام شهرهای بزرگ غیر اسلامی مانند مسجد واشنگتن، مسجد پاریس، مسجد هامبورگ، مسجد به نام فرق خاص اسلامی، مانند مسجد

[صفحه ۶۰]

شافعی، مسجد مالی، مسجد به نام تیره های نژادی و محلی مانند مسجد کردها، مسجد لرها، مسجد قشقائیه، مسجد ترکها، مسجد سیستانیها، مسجد مازندرانیه و... مسجد زیارتی مانند مسجد الاقصی، مسجد الحرام، مسجد مدینه، مسجد کوفه رشد و گسترش مساجد تابعی از کیفیت اعتقادی، سیاسی، و اجتماعی جوامع مسلمانان در ازای زمان هنجار و دولت بصورت باطنی یا ظاهری با گسترش اسلام موافق بوده است، مساجد از نظر کمی و کیفی در حال رشد بوده اند. [۸].

[۸] سعیدی رضوانی، عباس. همان ص ۴۹ - ۵۰.

مسجد جامع یکی از ارکان اصلی در اداره امور

به غیر از عنصر سیاسی که به نامهای مختلف دارالخلافه، دارالعماره و دارالحکومه و نهایتاً ارک نامیده می شوند. شهرهای دوره اسلامی دارای دو پایه اصلی بودند.

الف - مسجد جامع شهر ب - بازار

مسجد جامع مرکز مذهبی - سیاسی بود و به عنوان مرکز روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ آن در محل مناسبی بنا می گردید. مسجد جامع مرکز اجتماعات سیاسی و ابلاغ فرمانها و خواندن خطبه و مهمتر از همه مرکز علمی و فکری و آموزش عالی بود.

دستگاه مذهبی شامل علما، فقها، مراجع تقلید، قضات و سایر مقامات روحانی، شیخ الاسلام و امام جمعه، مهمترین عوامل پیوند و همبستگی جامعه

[صفحه ۶۱]

شهری و گروههای گوناگون وجوامع روستایی اطراف شهری بود. در فراز و نشیب های تاریخ اهمیت وموقعیت مسجد جامع، قدرت علما و روحانیون و سایر پدیده های مذهبی تغییر می یافت ولی با این همه مسجد نقش خود را در یک منطقه شهری حفظ کرد.[۱].

در ابتدا شهر، تنها می بایست یک مسجد جامع می داشت که نماز جماعت در آن برقرار می گردید، این ترتیب مدتی پایدار بود تا آنکه در بسیاری از شهرها مسجد جامع ظرفیت پذیرش نمازگزاران را نداشت و در عوض در بعضی شهرها آن یک مسجد جامع نیز رونقی نداشت. مدتها دستگاه خلافت با ایجاد مسجد جامع مخالفت می کرد و بالاخره تعداد مساجد جامع در شهرهای بزرگ افزایش یافت. بغداد با وجود بیست و هفت هزار مسجد و وجود اماکن متبرکه تنها دارای دو مسجد جامع بود که هر کدام در یک سوی دجله قرار داشتند تا اینکه در قرن دوازدهم میلادی یازده مسجد جامع در بغداد بود.[۲].

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و در دو یا چند سوی آن بازار امتداد می یافت و در پیرامون آن موسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا، مهمانخانه هائی برای مسافران، محلهائی برای فقرا و بینوایان، دارالشفاء خانقاه، آب انبار حمام و مدارس قرار داشتند و سپس فضای حسینی و تکایا که مربوط به دوره صفویه می شود به آن اضافه شدند.

افزایش جمعیت شهرها و تغییرات و ویژگیهای اجتماعی آن در طول تاریخ

[صفحه ۶۲]

به تدریج باعث افزایش تعداد مساجد در تمام شهرها شد بطوری که امروز اکثر شهرها دارای مساجد متعددی هستند.[۳].

[۱] نظریان، اصغر، ص ۲۵.

[۲] سلطان‌زاده حسین، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران ص ۱۲۳.

[۳] نظریان، اصغر، همان صفحه ۲۶.

مسجد جایگاه مرکز حکومت (اداره امور)

در ابتدای برپائی حکومت اسلامی در مدینه کلیه امور حکومت اعم از سیاسی، اجتماعی بر عهده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بود. فرمانهای غزوات، مشاور در مورد صلح و جهاد و سرانجام رایزنی در مسائل حقوقی و فراخوان عمومی برای یادگیری فرمانهای الهی همه و همه در «مسجد النبی» صورت می‌گرفت و به همین دلیل مسجد به عنوان یک مقر حکومتی ارزش پیدا کرد. در آن هنگام، امام جماعت بر عهده رسول خدا بود و بعد از ایشان نیز خلفای راشدین برای برقراری ارتباط نزدیک با مردم عهده دار این مسئولیت مذهبی شدند. و از این طریق به طور مستقیم و چهره به چهره توانستند مسائل و مشکلات جامعه را به گوش خلفا برسانند. به مرور که مسجد محوریت در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را کسب نمود، باعث شد در هر شهر و برزن نیز مسجد جامع شکل گیرد و مسئولان معتقد حکومت از آن طریق به بررسی مسائل هر منطقه بپردازند.[۱]

سرتوماس ارنولد درباره مسجد با امور سیاسی و اجتماعی دولت می‌گوید: مسجد فقط محل عبادت نبود بلکه مرکز زندگی سیاسی و اجتماعی نیز بود. پیغمبر فرستادگان را در مسجد می‌پذیرفت و در آنجا به کارها رسیدگی می‌کرد و برای مسلمانان درباره سیاست دین سخن می‌گفت. عمر در مسجد مدینه از منبر

[صفحه ۶۳]

به مسلمانان گفت که سپاهیان در عراق عقب نشینی کرده و برای حرکت بدان سرزمین ترغیبشان کرد، عثمان نیز وقتی کسان بر رفتار او اعتراض کردند از منبر خود دفاع کرد، وقتی خلیفه انتخاب می‌شد نخستین خطابه خود را که به منزله برنامه سیاسی او بود از منبر می‌خواند. باید گفت که مسجد از آغاز ظهور اسلام محل اجتماع دانشمندان بود و عالمان حدیث و تفسیر در آنجا گرد می‌آمدند.[۲]

[۱] ندای جمعه شماره ۸ - ۹ ص ۳۸.

[۲] ابراهیم حسن، حسن «تاریخ سیاسی اسلام» ترجمه ابوالقاسم پاینده ص ۴۵۰.

مسجد جلوگاه تاریخ و فرهنگ

مسجد به عنوان مظهر فرهنگ و هنر گوناگون اسلامی است و با مطالعه در ابعاد مختلف مساجد در کشورهای اسلامی می‌توان تصویر روشنی از تمدن تاریخ و فرهنگ اقوام مسلمان را به جهانیان ارائه داد. در طول تاریخ و اعصار و آفاق مختلف برای حفظ هنر اسلامی ملجائی پاک تر و نمایشگاهی امن تر از خانه خدا و مسجد یافت نمی‌شد.

اشتراک مساعی اقوام مختلف اسلامی با وجود حفظ خاصیت‌های ملی و محلی در تکمیل و تزئین مساجد که نوعی جهان وطنی را در معماری اسلامی به نمایش گذارده است. از مفاخر معنوی مسلمانان به شمار می‌آید. [۱].

[۱] سلطان زاده، حسین: تاثیر اسلام در ساخت شهر، مجله معماری و شهرسازی شماره ۲۵ و ۲۶.

جایگاه مسجد در تعاون اجتماعی

در زمان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نیازهای فردی و اجتماعی از قبیل بدست آوردن کسب و کار یا ازدواج و غیره در مسجد حل و فصل می‌شد. در طول قرن‌ها از این مکان به عنوان خزانة و صندوق اصلی بیت المال مسلمین استفاده می‌شد و

[صفحه ۶۴]

حتی زمانی که پایگاه اداری مسجد از مسجد منفک و به دارالاماره‌ها منتقل شد باز هم صندوق بیت المال در یکی از زوایای مسجد نگهداری می‌شد.

نقش تعاونی و اجتماعی مساجد در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار فعال بوده است. وجود صندوقهای قرض الحسنه، جمعیت‌های خدمت و رسیدگی به مستمندان و بیماران، جمعیت‌های حمایت معلولین، گروه‌های تهیه جهیزیه، صندوقهای کمک به امر ازدواج، درمانگاه‌های پزشکی. [۱].

در اینجا عملکرد دو مسجد، یکی در شهر اصفهان و دیگری در تهران به عنوان کارکردهای اجتماعی مساجد در امور عمومی بیان می‌شود.

۱- مسجد الغفور (واقع در خیابان سروش اصفهان)

این مسجد در سال ۱۳۵۱ تاسیس، امام جماعت حجة الاسلام و المسلمین مجتبی میردامادی می‌باشد، کارکردهای این مسجد شامل:

- کانون فرهنگی دانش آموزان

- مرکز بسیج

- صندوق قرض الحسنه حضرت محمدابن عبدالله

- صندوق خیریه حضرت مهدی حدود ۸۰ خانوار را تحت پوشش دارد

- تفسیر قرآن (در تمام شبها)

- برگزاری دعای کمیل شبهای جمعه

- برگزاری دعای ندبه صبحهای جمعه

لازم به ذکر است که صندوق قرض الحسنه از ۲۰ نفر هیأت موسس و ۹ نفر هیأت مدیره تشکیل شده است و در سال ۱۳۷۴ حدود یک میلیارد ریال (یکصد میلیون تومان) وام پرداخت کرده است.

ضمناً به دلیل حضور اقشار مختلف در این مسجد. طی دوران انتخابات

[صفحه ۶۵]

معمولاً بعضی کاندیداها جهت صحبت با مردم در این مسجد حضور پیدا می‌کردند.

۲- مسجد چهارده معصوم (تهران - خیابان مفیدی)

امام جماعت این مسجد حجة الاسلام محمدتقی نجفی اردبیلی (۱۳۶۰)

این مسجد دارای شورای ۷ نفره و مجمع عمومی با بیش از ۱۵۰۰ نفر است.

از کارکردهای این مسجد:

- تعاون اسلامی

- بانک قرض الحسنه با سرمایه سه میلیون ریال

- کتابخانه

- بسیج اقتصادی منطقه ۱۰

- واحد درمانی

- واحد فرهنگی

این مسجد در ارسال کمک های مالی و غیرتقدی به جبهه ها نقش مهمی را ایفاء نموده و با توجه به مدیریت این مسجد (امام جماعت و شورای ۷ نفره مسجد) در سال ۱۳۶۰ برای اجرای طرح «ستاد مبارزه با گرانفروشی و احتکار» این مسجد را به عنوان مسجد مادر انتخاب نموده و ۶۲ مسجد زیر پوشش این ستاد بوده که از حدود ۸۶۰ پرونده ۵۵۳ پرونده به دادگاه ارسال شده و بقیه را ستاد رسیدگی و با کمک امام جماعت حل و فصل می نماید. [۲].

[۱] سعیدی رضوانی، عباس. ص ۴۲.

[۲] مجله اطلاعات هفتگی شماره ۲۰۷۴ بهمن ۱۳۶۰.

نتیجه

عبادت در اسلام تنها به اعمال خاص تلقی نمی شود، هر عملی که با قصد و نیت خدائی انجام شود عبادت است. مسجد میدانی جهت بروز رفتارهای عبادی، سیاسی و اجتماعی است. در آغاز ظهور اسلام پژوهشها و بررسیهای

[صفحه ۶۶]

علمی در مسجد انجام می گرفت، بسیاری از امور عمومی مردم در مسجد حل و فصل می شد و یا مسجد در آن امور به نحو حاشیه ای موثر واقع می شده است.

در طول تاریخ مساجد زمینه ساز تحولات و دگرگونیهای اساسی، فکری و فرهنگی بوده است، هرگاه وضع پیرامون اسلام از نظر اعتقادی و اقتصادی به هنجار و دولتها به گونه باطنی یا ظاهری به گسترش اسلام موافق بودند مساجد نیز از نظر کمی و کیفی در حال رشد بوده اند و زمانی که دولتها با اسلام سرستیز داشته اند مانع از ایفای نقشهای مسجد می شدند.

در نظام جمهوری اسلامی نقش مسجد همچون صدر اسلام مجدداً احیاء شد و از جایگاه خاصی در نظام برخوردار شد و همواره سنگری جهت محافظت از ارزشهای انقلاب و هوشیاری درمقابل توطئه ها و نیز مرکزی جهت تجهیز منابع انسانی و مالی برای جبهه و جنگ، سیل، زلزله و همچنین اقدامات برون مرزی: کمک به مسلمانان بوسنی و هرزگوین، وجود صندوقهای قرض الحسنه، گروههای تهیه جهیزیه، صندوق کمک به ازدواج، رسیدگی به امور مستمندان و ایتم، ایجاد درمانگاههای پزشکی و کتابخانه در مساجد از دیگر اموری بوده است که در مساجد انجام می گیرد. گرچه در امر مدیریت مساجد و تشکیل «اداره امور مساجد» گامهای بزرگ و ارزنده ای برداشته شد اما

لازم است در امر تبلیغ و بویژه مطرح نمودن مساجد موفق و نیزالگو نمودن آن برای جاهائی که کمتر موفق بوده اند و نیز تلاش در زمینه فعالیتهایی که در نسل جوان و انقلابی پویائی بوجود آورده، برنامه‌های دینی را توأم با فعالیتهای هنری، ورزشی، مسابقات علمی نموده و نیز با تغییر در ساختارهای مدیریتی مساجد می‌توان بیش از پیش موفق بود.

نماز و بسیج

خواهر امیرخانی

دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم - قد افلح مومنون - الذين هم في صلواتهم خاشعون... و الذين هم على صلواتهم يحافظون - اولئك هم الوارثون - فاقيموا الصلوة و اتوا الزكوة و اعتصموا بالله هو مولاكم فنعم المولا و نعم النصير.

سلام بر آرامبخش دلها و قلبها نماز. سلام بر مرکب وصل. سلام بر پناهگاه هر بی پناه. سلام بر روشنکده هر ظلمتکده ای. سلام بر باران رحمت هر کویری. سلام بر آمرون بالمعروف و ناهان عن المنکر. سلام بر الحافظون حدود الله. سلام بر بسیج و بر سجاده خونین او. سلام بر تشعشع سیمای نورانی بسیج که:

در نماز متجلی می شود و نماز عاشقانه و عارفانه او بر گریه های شب حمله دعاهاى مخلصانه او.

سلام بر نماز عاشورایی او در ظهر کربلای ایران. سلام بر سجده هایی که به سجده رفت و برخواست. سلام بر نمازی که بر بال ملائکه به آسمان برده شد. سلام بر نمازهایی که لب تشنه اقامه گشت. سلام بر بدن های بی دست و پایی که به سجده می رود. سلام بر یاران علم دار کربلا که بی دست یقیمون

[صفحه ۷۰]

الصلوات هستند. سلام بر آب گلویی که تشنگان از آن وضو ساختند.

و تو ای احیاگر، ای بر پا کننده ای بسیج، تو را می شناسم تو را که بر سجاده خونینت سر تسلیم بر آستان دوست سائیده بودی.

تو را در نماز در عبودیت و تسلیم. در خاکساری و درویشی. در خضوع و خشوع. تو را با سجاده وصلت چپیه. تو را با مهتاب نیمه شب. تو را می شناسم. و در میعاد خونینی که با معبود بستی. تو را در محراب عشق که پر کشیدی. تو را در رکوع و تعظیم. تو را ای یار ابوتراب. تو را در شکستن بت نفس. تو را در گریه های سجاد گونه ات یافتم. تو را که بر در رضوان الهی منتظر بودی. سلام بر تو ای بنده مخلص خدا. سلام بر تو ای احیاگر. ای بر پا کننده. ای بسیج.

یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و الصلوٰۃ ان الله مع الصابرین

نماز قدیمترین نیایش به خدا و مذهب و نتیجه خداپرستی و گرایش به حق است. یک برنامه مؤثر برای تربیت نفوس و تزکیه و تهذیب نفس.

براستی جالب اینجاست که نخستین سخن خداوند با پیامبر اولوالعزم خود مانند حضرت موسی علیه السلام پس از توحید اقامه نماز است و این تعبیر از اوج ارزش نماز حکایت می‌کند اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوٰۃ لذكری.

امام علی علیه السلام نخستین شاگرد مکتب پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در جنگ صفین همراه یارانش با سپاه معاویه می‌جنگید. ابن عباس می‌گوید: در شدت درگیری جنگ ناگاه نگاه کردم. دیدم؛ امام علی علیه السلام به آسمان می‌نگرد عرض کردم ای امیر مؤمنان، چرا به آسمان می‌نگری؟ فرمود: می‌خواهم ببینم آیا ظهر شده تا نماز بخوانیم؟ گفتم: با این درگیری شدید آیا در جستجوی وقت

[صفحه ۷۱]

نماز هستید؟ فرمود:

الا ما نقاتلهم انما نقاتلهم علی الصلوٰۃ. ما برای چه می‌جنگیم؟ همانا ما با آنها برای به پا داری نماز می‌جنگیم. ابن عباس می‌گوید امام علی علیه السلام هرگز نماز شب را ترک نکرد. حتی در لیلۀ هلیل. حال یاران مولا علی علیه السلام یاران جبهه و شهادت، راه پر افتخار او را در پیش گرفته و بر این راه ثابت قدم و استوار ایستاده اند. ثابت قدم در اقامه نماز استوار بر امر به معروف و نهی از منکر. عاشقانی که به پیروی از مقتدایشان مولا علی علیه السلام در هنگام جنگ نیز نماز را به پا می‌داشتند. نمازی در اوج کمال و با خضوع و خشوع بی نظیر، که کمتر کسی وجود دارد که آنان را ندیده باشد.

نماز را به پا می‌داشتند. حال در هر کجا که می‌خواست باشد. در تونل، در سنگر، در کنار خاکریز، در برابر گلوله ها و خمپاره ها که هر آن بر سرشان می‌بارید. در گرمای طاقت فرسای جنوب بر روی شنهای تف دیده. در سرمای کردستان در قله ها و کوهها در میان نخلهای سوخته. یا در میان آب یخ زده. امام رضوان الله علیه در پیامی نسبت به این عزیزان می‌فرماید:

من از این چهره های نورانی بشاش و از این گریه های شوق شما حسرت می برم. من احساس حقارت می کنم. من وقتی با این چهره ها مواجه می شوم و این قلبهایی که به واسطه ی توجه به خدای تبارک و تعالی این طور در چهره ها اثر گذاشته؛ احساس حقارت می کنم.

براستی که هیچ کس چون امام بسیج را نشناخته و هیچ کس چون بسیج امام را نشناخته. بسیج از بدو تولد با معنویت و نماز متولد شده است و امتیاز و برتری او نیز همین معنویت و خلوص نیت و عمل به دستورات دین مبین اسلام است.

[صفحه ۷۲]

شعاع تشعشع این مردان خدا تا لبنان و بوسنی رسیده است. براستی که نماز و بسیج و استقامت او در نماز این آیه شریفه را در اذهان متبلور می کند که:

الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوٰۃ و اتوا الزکوٰۃ و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و الله عاقبه الامور.
آری جبهه برای بسیج یک مکتب خودساز نیست. بطوریکه هر گاه رزمنده پس از مدتی از جبهه باز می گشت؛ براستی تغییر کرده و به موجودی الهی مبدل شده بود. و برای دیگران مربی محسوب می شد.
اگر در سیر و سلوک الی الله و مکتب طلبگی ۲۰ یا ۳۰ سال وقت لازم است که آدم ساخته شود. مکتب جبهه در مدت زمان ۵ یا ۶ ماه آدم می سازد.

جبهه برای بسیج در حقیقت بهشت و عبادتگاه اوست و چشم ملکوتی جبهه را جنت الهی می بیند. این شعار نیست. بلکه حقیقت است که نور خدا در جبهه متجلی است. گوش ملکوتی و محرم راز نغمه های دلربای بهشت و زمزمه های عارفانه و عاشقانه او را می شنود.

چشم حقیقت بین زیباییهای بهشت را در جبهه مشاهده می کند. طولانی بودن رکوع و سجود نشاط و شادی خواندن نمازهای مستحبی، نمازهای قضا، آموختن احکام و مسائل اعتقادی و امر به معروف و نهی از منکر جزء دستورالعمل اولیه بسیج است. بسیجیانی که چون صدای اذان و یا موقع اذان را بر حسب شرایط جبهه در می یافتند؛ رنگ به رخسار نداشتند و هراسان به کنار منبعهای آب می شتافتند و صفهای طویل برای وضو به وجود می آمد که گاهی مورد هدف خمپاره قرار می گرفت. و در لحظات ملکوتی نماز و راز و نیاز عده ای به لقاء حق می شتافتند و بر بال فرشتگان تشییع می شدند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر دیدید کسی نمازش را اول وقت و به جماعت و با خضوع و خشوع می خواند؛ بدانید که با تقواست.

آنان به گونه ای نماز را می خواندند که گویی جمال جبروت حق را با چشم دل می بینند - آن همه صدای گلوله و خمپاره را نمی شنوند. آنگونه نماز می خواندند که مطمئن بودند و به درجه اطمینان رسیده بودند که خدا را می بینند. چون به وجه الله نظر داشتند چون فناء فی الله شده بودند. بقاء بالله را دریافته بودند.

مگر نه اینکه برای احیاء نماز و واجبات الهی قیام کرده بودند و به جبهه رفته بودند و اگر نماز را سبک می شماردند؛ جبهه معنی خود را از دست می داد. مگر نه اینکه پیرو آئین اسلام و پیرو مقتدایی چون حسین علیه السلام بودند. مگر نه اینکه می خواندند؛ اشهد انک قد اقامت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر مگر نه اینکه برای احیاء نماز شهید شدند و به مرحله شهود رسیدند. تشنگی ها کشیدند استخوانهایشان در سرمای کردستان یخ زد بدنشان بر روی شن های تف دیده جنوب بر جای ماند - آواره کوهها و بیابانها شدند. دست ها دادند و پاها تا قدم به ریسمان الهی گذاشته شد. چشم ها دادند تا بینا به جلال حق شود. جبهه هایی که به این حد از اوج کمال و معنویت حق رسیده بودند؛ از همین نمازها و دعاهای اینها بود.

پیروزی و سعادت جبهه و سرنوشت جنگ در گرو معنویت رزمندگان و دعاهای آنان بود و چه خوب حضرت امام رحمه الله علیه فرمود: تاریخ اسلام جز یک برهه از صدر اسلام، جوانانی مثل جوانان ایران ما سراغ ندارد و ملتی مثل ملت ایران. حضرت امام نیز به این امر مهم معنویت در سر لوحه آن نماز

توجه ویژه ای داشتند که می فرمودند: فرق است میان جوانانی که نماز را با مناجات و قرائت قرآن و راز و نیاز به سر می برند و جمله را با ذکر خدا و الله اکبر شروع می کنند. با آنان که شب را با معصیت خدا و روز را درجنگ با خدا آغاز می کنند.

آری هنوز ماه پر فروغ ماهشهر؛ ستاره های آسمان خرمشهر و دزفول و اسلام شهر، اهواز و آبادان گواهی می دهند.

آری هنوز شرق کارون، شمال و جنوب کرخه، و جزایر مجنون دلیلی بر این ادعاست. آری هنوز شرق کارون، آبادان گواهی می‌دهند که نصرمن‌الله وفتح قریب. آری رهایی شمال و جنوب کرخه، شهر بوستان، غرب سوسنگرد و تنگه چزابه که با رمز یا حسین علیه السلام انجام گرفت؛ همه و همه دلیل بر الطاف اباعبدالله و رزمندگان اسلام بود. آری هنوز ارتفاعات رادار و سایت های دزفول و دشت خون رنگ عباس و رقابیه مهر یا زهرا را بر پیشانی خود دارند. آری هنوز شهر هویزه، کرخه نو، خرمشهر پل نو، جاده اهواز خرمشهر گواه بر مناجات و دعا های یاران علی بن ابیطالب را دارند.

آری منطقه مهر پرور مهران، ارتفاعات قلاویزان، تپه های رحمانی به وسیله یاران ابوالفضل عباس علیه السلام آزاد شد. آری هنوز فاو قهرمان، جزیره ام الرساس، الوند رود، پیکر پاک فرزندان زهرا را به آغوش کشیده است. بسیجیانی که در جبهه در آن مکان مقدس حال دعا و راز و نیاز و رابطه با پروردگار را داشتند. و دعا در خانه های نور در سنگرها و درد و دل کردن با محبوب هیچگاه فراموش نشد. تا جایی که امام عزیز با آن همه عظمت و بزرگی

[صفحه ۷۵]

بر این حالت بسیجیان غبطه می‌خوردند. من از این چهره های نورانی و بشاش شما از این گریه های شوق شما حسرت می‌برم. من احساس حقارت می‌کنم و افتخار بر رزمندگانی که جبهه های نور را با مناجات خویش، با راز و نیاز با محبوب خود عطر آگین نمودند.

آری شبهای ابتلاء آزمایش و امتحان الهی که حساسترین روزهای دفاع مقدس به شمار می‌آمدند و بسیج اولین کسی بود که در این امتحان الهی سرافراز بیرون آمد.

ای خدای مهربان تو را به خاطر عظمت و بزرگیت تو را به خاطر نعمتهای فراوان و رحمت های بی‌پایانت که در حق بسیج نموده اید؛ تو را به خاطر مهربانیهای بی‌انتهایت در شبهای سخت حمله و جهاد که ما را در این راه ثابت قدم نمودی تو را به خاطر بخشش های بی‌پایانت و تو را به خاطر صبر بی‌کرانت بر لغزشها و گناهان ما تو را می‌پرستیم ای یکتای بی‌همتا، ای معبودم، دوست می‌دارم تو را آنگونه پرستم که رضای تو در آن نهفته باشد. ای خدای مهربان می‌پرستم تو را زیرا جز تو را شایسته پرستش نمی‌بینم.

ای مهربان خدای می پرستمت آنچنان که فرشتگان درگاهت انگشت حیرت به دهان گیرند و به اخلاص و خضوع من غبطه خورند. ای مهربان خدای، تو را می پرستیدم حتی زمانیکه دستهایم را از من گرفتند و پاهایم را قطع کردند و چشمانم را از من گرفتند، شکنجه ام دادند زبانه را بیرون کشیدند تا با تو سخن نگویم. پیشانیم را سوراخ کردند تا بر درگاه با عظمتت سر تعظیم فرود نیاورم. دستانم را بریدند تا قنوت تو را نگویم. پاهایم را قطع کردند تا نماز را به جا نیاورم کمرم را شکستند تا بر آستان مقدست تعظیم ننمایم. قلبم را شکافتند تا

[صفحه ۷۶]

مهر تو را از قلبم بیرون کنند. اما با این وجود و وضع هرگز نتوانستند. و من تو را خواهم پرستید. تا آخرین قطره خونی که در وجودم هست. تو را خواهم پرستید؛ حتی اگر مرا بکشند که در آن صورت هم خونم و اعضای بدنم همه یک صدا خواهند خواند.

الله اکبر - اشهد ان لا اله الا الله - اشهد ان محمداً رسول الله - اشهد ان علیاً ولی الله.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

[صفحه ۷۹]

آثار و برکات اجتماعی نماز

حجت الاسلام جناب آقای نوری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين - و صلى الله على خاتم الانبياء محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و على آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

بعد از آن که فراخوان مقاله به دستم رسید. برای این که آثار و برکات نماز جماعت در جامعه معلوم بشود؛ این موضوع را انتخاب کردم؛ تا مردم به نماز جماعت روی آورند.

ابواب الصلوة الجماعة، احكام المساجد، جهاد النفس، كتاب الشهادات و همچنین ابواب وضو در كتاب وسائل الشیعه مطالعه و احادیثی را انتخاب کردم.

در كتاب جامع احادیث الشیعه و مستدرک الوسائل را مطالعه کردم. احادیث فراوانی به آثار نماز جماعت اشاره دارد. اسناد این ها را بررسی کردم. اکثر روایات این اسناد صحیح و بعضی حسن، بعضی مرسل، و یا ضعیف است. اما در عین حال مضمون آنها با روایات صحیح مطابقت دارد. روایات تکراری را کنار گذاشتم. دیدم آثار فراوانی در احادیث به چشم می خورد. در این مقاله چهل فایده از فواید نماز جماعت را بطور مختصر نوشتم. لذا به دلیل کمی وقت هم این آثار و فواید را نمی خوانم و به متن و مأخذ احادیث سند هم اشاره نمی کنم.

[صفحه ۸۰]

این ها مسائلی است که فقها در رساله هایشان آورده اند و فرموده اند تا وقتی که انسان می تواند؛ بهتر است نمازش را به جماعت بخواند. یا نماز جماعت را از مهمترین مستحبات و شعائر بزرگ دانسته اند. نماز جماعت وسیله اظهار و رواج اسلام است.

نماز جماعت اسلام را رواج خواهد داد. سند این روایت حسن است. و از امام رضا (ع) روایت شده. همچنین در همین حدیث نماز جماعت وسیله اتمام حجت به مردم دنیا است. آنهایی که نسبت به نماز کاهلی می کنند و می دانند نماز جماعت برگزار است.

نماز جماعت وسیله ترک بسیاری از گناهان است. نماز جماعت وسیله تعاون و بر و تقواست که قرآن دستور داده «تعاونوا علی البر و التقوی»

نماز جماعت وسیله ایست که امام جماعت و جماعت آن را بشناسیم. چندین حدیث در کتاب الشهادت هست که گفته شده شهادت شخصی در دادگاه قبول است که او در نماز جماعت دیده شده باشد. و اگر کسی را که در نماز جماعت ندیدند و درباره او از شما سؤال کردند؛ بگوئید لم اعرف من او را نمی‌شناسم. نماز جماعت وسیله تشخیص اهل نماز از بی نماز است.

ما چگونه بدانیم که فلان شخص نماز می‌خواند یا نه؟ نماز جماعت و حضور در نماز جماعت موجب این می‌شود که انسان لیاقت پیدا کند تا دادگاه شهادت او را قبول کند. و غیبت از او بر مسلمان ها حرام باشد. و اما برکات و آثا اخروی نماز، کسی که در نماز جماعت شرکت می‌کند فرشتگان به امر پروردگار در قبر به عیادت او می‌روند.

نماز جماعت باعث می‌شود. که ملائکه در قبر به او بشارت بهشت بدهند. و ملائکه در قبر با او انس می‌گیرند. ملائکه برای اهل نماز جماعت تا قیامت

[صفحه ۸۱]

استغفار می‌کنند. (بنا بر روایت صحیح) در روایت دیگر آمده کسی که نماز جماعت بخواند و دعا کند؛ خداوند حیا می‌کند دعای او را رد کند. و نماز جماعت چندین برابر، در بعضی روایت ها ۲۵ برابر و در بعضی ۲۴ برابر و در بعضی هزارها برابر از نماز فرادی بهتر است. و نماز جماعت دیر وقت از نماز فرادی اول وقت بهتر است. و حتی در جای دیگر نماز جماعت از نماز فرادی در مسجد کوفه بهتر است. و روایاتی دلالت دارد که مداومت در نماز جماعت باعث می‌شود که اهل نماز جماعت از صراط مثل برق بگذرد. و مرحوم صاحب جواهر در جلد سیزدهم این همه فوائد را داده و فرموده اند: این همه فوائد آثار نماز جماعت صحیح است.

لذا اولاً نماز جماعت صحیح باشد. دیگر لباس نماز خوانها چگونه باید باشد؟ مسئله خمس و زکات و غیره هم همین طور. و نماز جماعت صحیح این فوائد را دارد نه هر نماز جماعتی؟ شخصی که نماز جماعت بخواند، صورتش در قیامت مانند ماه بدر می‌درخشد. در روایت آمده که کسی که نماز جماعت می‌خواند می‌تواند به ثواب شهیدان نائل شود یا به تعبیر تیمسار فرمودند که اکثر شهدا اهل نماز بودند یا اگر به اجل خود هم بمیرد به ثواب شهیدان

می‌رسد. نماز جماعت موجب می‌شود که انسان در قیامت از هول و هراس قیامت ایمن شود. نماز جماعت باعث می‌شود که انسان از آتش قیامت دور بشود. نماز جماعت باعث دوری از نفاق در دنیاست. یعنی اهل نماز جماعت صحیح نمی‌تواند در دنیا منافق باشد.

نماز جماعت موجب رسیدن به ثواب حج و عمره هست. و مخصوصاً نماز جماعت صبح و عشاء که در بیشتر روایات هست. و مقام معظم رهبری در پیام خود تأکید فرمودند که نماز صبح در مساجد به جماعت خوانده شود. در روایت هست که هر که نماز صبح و عشاء را به جماعت بخواند در پناه خدا قرار می‌گیرد

[صفحه ۸۲]

و اهل نماز جماعت را خدا و ملائکه دوست دارند. و اگر تعداد اهل نماز جماعت از ده نفر بیشتر باشد دیگر ثواب آن قابل مقایسه نیست.

احادیث بسیاری در مذمت کسانی که بدون عذر در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند آمده است. روایت است، که پیامبر دستور دادند افرادی که در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند خانه آنها را آتش بزنند و آمدند توبه کردند و دیگر آتش نزدند و حدیثی است که اگر به امام جماعت خبر برسد که افرادی در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند امام اول آنها را نصیحت کند و اگر گوش نکردند؛ دستور دهد خانه آنها را آتش بزنند. با توجه به این ها من دو پیشنهاد دارم یکی به صدا و سیما و دیگری هم به بازار.

کاری که جناب آقای دادبین در نیروی زمینی انجام دادند. خیلی خوب و قابل تشکر است چرا این کار در بازار عمل نشده و چرا افراد بازاری موقع اذان اصلاً به وقت نماز توجه ندارند؟ چرا موقع گفتن اذان مغازه را تعطیل نمی‌کنند و بهتر است صدا و سیما از شروع نماز و اذان تا پایان نماز برنامه نداشته باشد.

بعد در پایان این حدیث را که مرسل هست می‌خوانم. رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرمایند که روزی بعد از نماز ظهر جبرئیل با هفتاد هزار ملائک پیش من آمد و بعد از سلام فرمود: خداوند دو هدیه به تو ارسال فرموده این دو هدیه یکی سه رکعت نماز شفع و وتر و یکی پنج نوبت نماز با جماعت خواندن هست. این دو هدیه ای است از خداوند به شما. بعد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید.

گفتم، یا جبرئیل اگر امت من نماز جماعت بخوانند چقدر ثواب دارد؟ فرمود اگر دو نفر یک نفر امام و یکی هم مأموم باشند هر رکعت به اندازه ۱۵۰ رکعت نماز ثواب دارد. و اگر به ۹ نفر برسد هر رکعت آن ۳۸۴۰۰ رکعت نماز ثواب دارد.

و اگر از ۱۰ بگذرند دیگر قابل حساب نیست.

انشالله خداوند همه ما را اهل نماز جماعت قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ویژگیها و ابعاد شخصیتی نمازگزاران

جناب آقای دکتر افروز

بسم الله الرحمن الرحيم

غور و تفحص در مبانی روانشناختی ویژگیها و ابعاد شخصیتی نمازگزاران، زینتبخشان هر مسجد و محفل، صاحبان برترین فضیلت ها، هم صحبتان با خدا [۱]، ره یافتگان به سوی کمال و ترویج و تعمیم این ویژگیها و تلاش در جهت اتصاف به این صفت ها امری است واجب و ضروری.

حقیقت این است که هدف از خلقت آدمی و عبادت خالق هستی رسیدن به فلاح است و بس [۲] و بستر فلاح نردبان «صلوة» است و جز مصلین «نمازگزاران» رهروی را توان پیوستن به جرگه مصلحین نیست. [۳].

به دیگر سخن اشرف مخلوقات الهی انسان است [۴]، نهایت کمال انسان در هیات «نمازگزاران» مصور است و نماز راز و رمز هستی و جوهره کمال و سکوی معراج [۵] و حلقه توحید است.

[صفحه ۸۶]

بالاترین آمال و اهداف، تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی انتقال انسان موجود به انسان مطلوبی است که ابعاد وجودی اش به زیور «نماز» مزین گشته و شخصیت فردی و رفتار اجتماعی اش تبلوری است از نهایت عبودیت و رشدیافتگی، پس بررسی تحلیلی و تطبیقی ویژگیهای انسانهای رشد یافته و شخصیت های متعالی جامعه در سیمای نمازگزاران و زدودن آفات رشد و آثار شرک و دوگانگی نظر و عمل در بین قائمین به صلوة از جهات گوناگون می تواند موثر و مفید فایده واقع گردد، بخصوص در شناساندن فلسفه و هدفهای تربیتی نماز و مشی و سیره اخلاقی نمازگزاران به کودکان و نوجوانان و تلاش در انطباق رفتارهای موجود با اندیشه های متعالی و بایدهای مطلوب و ارزشهای والای قرآنی نهفته در فلسفه و حکمت و معنای نماز فوق العاده ارزشمند است.

در این نوشته ی محدود علی رغم بضاعت اندک، تلاش بر این است تا بازگویی و تبیین گوشه هایی از ابعاد و منش و اخلاق و رفتار مورد انتظار از منادیان توحید و سرایندگان سرود رهایی و آزادی و پیادارندگان «نماز» از نگاه قرآن، نهایت عظمت، جلال و شکوه «نماز» این برترین رمز کمال و حلقه یکتایی و توحید بیش از پیش آشکار گردد.

در اینجا برای سهولت بیشتر و درک محسوس و واقع بینانه تر از شخصیت و رفتار نمازگزاران در موقعیت ها و شرایط مختلف و عرصه های گوناگون زندگی و در مبانی نظری و عملی سعی می شود سیمای جامع نمازگزاران در آیینه قرآن در قالب رفتارهای متفاوت، تشریح گردد.

بدیهی است در قاموس روان شناسی منظور از «رفتار» مجموعه نگرشها، باورها، عادتها، کنش ها و واکنشها، عملها و عکس العملهایی است که از هر

[صفحه ۸۷]

انسانی سرزده و نسبتاً پایدار بوده و قابل مشاهده و ارزیابی و قابل پیش بینی می باشد. فی المثل، کسی را با صفت یا رفتار «تقدم در سلام» می شناسیم که این رفتار مطلوب در شخصیت او همواره پایدار و مستمر و در شرایط و موقعیت های گوناگون قابل مشاهده و ارزیابی بوده و بر همین اساس اطرافیان این فرد می توانند صفت و ویژگی «تقدم در سلام» را به عنوان یک رفتار مطلوب و قابل مشاهده پیش بینی نمایند. و در این جا سخن این است که معاشران و اطرافیان، همکاران و همشهریان، شاگردان، خانواده و فرزندان شخصی که به نمازخوان یا نمازگزار مشهور است چه رفتارهایی را می توانند یا می بایست از وی انتظار داشته و پیش بینی نمایند.

تصور و انتظار والاترین رفتارها، بهترین کنش ها و معقول ترین واکنش ها از فردی که در خانه و مسجد و مدرسه و اداره و بازار، سفر و حضر، صبح و ظهر و عصر و غروب و شب، نماز می خواند توسط اطرافیان و همراهان و همکاران و معاشران، بخصوص کودکان و نوجوانان امری است طبیعی و بیانگر محقق شدن معنا و مفهوم و فلسفه تربیتی نماز در رفتار فردی و زندگی اجتماعی است. به دیگر سخن در این شرایط همیشه برای همگان، به ویژه نوباوگان و نسل جوان شایسته ترین الگوهای رفتاری در موقعیت های مختلف برای همانند سازی وجود دارد. فقط در این وضعیت است که فرهنگ غالب جامعه، فرهنگ نماز، به مثابه برترین ارزشها و فرهنگ غالب برای همه عصرها و نسلها متبلور خواهد بود.

برای تشریح ویژگیهای رفتارهای مورد انتظار از نمازگزاران جامعه به ساده ترین زبان مجموعه ویژگیها را در قالب دو مقوله کلی رفتار فردی و رفتار

[صفحه ۸۸]

اجتماعی از دیدگاه مبانی روانشناختی مطرح می‌گردد. هر چند این تفکیک کاملاً صوری بوده و رفتارهای فردی و اجتماعی نمازگزاران به معنای دقیق کلمه وحدت و یکپارچگی خاص خود برخوردار است.

[۱] پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: اگر می‌خواهید خدا با شما صحبت کند قرآن بخوانید و اگر می‌خواهید شما با خدا صحبت کنید نماز بخوانید.

[۲] قولوا لا اله الا الله تفلحوا.

[۳] قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون (مؤمنون ۱-۲).

[۴] فتبارک الله احسن الخالقین (۱۴ مؤمنون).

[۵] الصلوة معراج المؤمنین.

ویژگیهای شخصیتی نمازگزاران در بعد رفتارهای فردی و اجتماعی (اخلاقی، ذهنی،

اجتماعی)

- نمازگزاران متواضع و خاک طبع اند، اهل خضوع و خشوع اند، بی‌تکبر و بی‌ریاء هستند، «الذین هم فی صلاتهم خاشعون» [۱] تواضع جاذبه وجود و زینت منش و برترین الگوی رفتار است و تکبر از اصلی‌ترین آسیب‌های شخصیت آدمی است و مغل بهداشت روانی و مانع شکوفایی وجود و خلاقیت ذهنی است [۲].

نمازگزاران بی‌تکلف و بی‌ریا [۳] هستند، زمینه رشد و شکوفایی شخصیت و خلاقیت و نوآوری با بی‌تکلفی و آرامش فکری انسان هموار می‌شود. تکلف و ریاء به عنوان نشانی از ضعف شخصیت، احساس حقارت، خود بزرگ بینی، با بهداشت روانی منافات داشته و آدمی را دچار دوگانگی احساس و تعارض روانی می‌نماید. تعارض و کشش‌های روانی، آرامش خاطر را از انسان سلب نموده و اضطراب و افسردگی را جانشین می‌سازد. لذا نمازگزاران بدور از شرک و ریاء و اجتناب از هر تظاهر و تکلف، با وحدت شخصیت و آرامش خاطر و اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی در زندگی فردی و اجتماعی ظاهر می‌شوند.

[صفحه ۸۹]

- نمازگزاران صادقانه سخن می‌گویند کلامی آرام و متین و استوار دارند، جز حق نمی‌گویند و جز به حقیقت شهادت نمی‌دهند. به دیگر سخن نمازگزاران هرگز دورغ نمی‌گویند و خلاف حق و حقیقت شهادت نمی‌دهند و در

اظهار کلام حق ثابت قدم می‌باشند[۴] نمازگزاران از آفات زبان، دروغ و غیبت، تهمت، نیش کلام و استهزاء دیگران و سخن لغو مصون هستند[۵] هیچ یک از وابستگی‌های حیات مادی، زر و زیور و مشغله‌های حرفه‌ای و شغل و مقام نمازگزار را لحظه‌ای از اندیشه خداجویی و حق‌گویی غافل نمی‌کند[۶].

- نمازگزاران همواره چهره‌ای گشاده و مصمم آرام و آرامش بخش دارند. و این از بزرگترین موهبت‌های الهی است که خداوند به نمازگزاران عطا کرده است. «ان صلوتک سکن لهم»[۷] نماز نهایت تسلیم انسان به درگاه خالق هستی، پرچم عبادات، قیام به آزادگی و صلح و آرامش است و شخصیت نمازگزار منبع آرامش روان است و سکینه قلب. رفتار نمازگزار تقویت اعتماد به نفس، احساس خود ارزشمندی کمال جویی و زدودن تشویش و نگرانی و اضطراب از چهره دیگران است. نمازگزار درمانگر اضطراب‌ها و افسردگی‌هاست.

- نمازگزار همیشه پاکیزه و نظیف، طاهر و مطهر است. روزی چندین بار وضو، پالایش جسم و جان، گندزدایی وجود از هر ناپاکی و نادرستی، تبری از هر آلودگی و کج‌اندیشی، شستشوی صورت و زدودن هر غبار و نقاب و ناصواب از وجه و نمای اجتماعی، تطهیر دستها و نمادین قدرت از ناسپاسی‌ها،

[صفحه ۹۰]

مسح سر و صافی اندیشه و تفکر از هر انگیزه و تخیل غیر حق، و مسح پا و صیقل و هموار کردن مسیر هدفمند و جهت دار زندگی و نشان کردن گامها در پیمودن طریق یکتایی و یگانگی و اخلاص، و... همه و همه وجود ارزشمند نمازگزار را از هر آلائش و ناپاکی مبرا گردانیده و همواره صفای درون و پاکی برونش را در هر مجلس و محفلی نمایان می‌سازد.

- نمازگزار همیشه با خالق است و اندیشه متعالی و خلاق دارد.

- نمازگزار همیشه در اندیشه پیمودن صراط مستقیم[۸] و طریق حق و در آرزوی همانندسازی با انبیاء و اولیاء و رشد یافتگان مکتب توحید است[۹].

- نمازگزار همیشه شهادتگر حق است و سراینده سرود آزادی و آزادگی، وحدت و خداجویی[۱۰].

- نمازگزار همیشه منظم و منضبط و وقت شناس و خوش قول و راسخ قدم در عهد و پیمان است.

اقامه نماز به هنگامه هر اذان، از سپیده صبح تا شام نمازگزار راستین را سحرخیز، وقت شناس، متعهد و مسئولیت پذیر می‌سازد.

- نمازگزار هیأت خویش را با جامه طاهر و حلال آراسته از هر لقمه حرام و تملک عصبی مبرا بوده جز روزی پاک و طیب و حلال چیزی نمی‌جوید.
- نمازگزار رفتاری ساده و بی‌آلایش دارد همیشه متواضع و فروتن است. از منیت‌ها و خودکامگی بدور است [۱۱].
- نمازگزار با یاران و خویشان و همشهریان خود پرخاشگرانه صحبت

[صفحه ۹۱]

- نمی‌کند [۱۲] ، نمازگزار همیشه شاکر خداوند، قانع و رهنما و آرام است، با حرص و ولع، جاه‌طلبی، و مال‌اندوزی و زیاده‌طلبی بیگانه است [۱۳].
- نمازگزار صبور و شکور و خویشتن‌دار است و در برابر ناملایمات و تجارب ناخوشایند زندگی شکیبیا و استوار [۱۴].
- نمازگزار با بالاترین عزت نفس، کریم و سخاوتمند و اهل احسان است، و هرگز خودخواه و خودمدار و بخیل و اعضار طلب نیست.
- و مما رزقناهم ینفقون (شورا ۳۸) - نمازگزار همیشه پشتیبان یتیمان، دادرس مسکینان، حامی تهی‌دستان و یاور محرومان است. [۱۵].
- نمازگزار برای تقویت بنیه اقتصادی جامعه اسلامی زکوة مال خویش را تقدیم اهلش می‌کند. [۱۶].
- نمازگزار در زندگی خود مقتصد و معتدل است، از اسراف و تبذیر به دور بوده با اعتماد به رویه اعتدال، همیشه شخصیتی متعادل و متعالی داشته و در طریق کمال گام برمی‌دارد [۱۷].

[صفحه ۹۲]

- نمازگزار خود مزین به ارزشهای الهی و فضیلت‌های اخلاقی است و همواره آمر به معروف و ناهی از منکر است.
- نمازگزار همیشه در اندیشه زدودن آفت‌های اجتماع و تحکیم ارزشهای والای قرآنی است، در حقیقت فلسفه نماز و آثار فردی و اجتماعی آن در جامعه بدون ایفای رسالت نظارت عمومی و هدایت یکدیگر به نیکی‌ها و مطلوب‌ها و بازداری خطاکاران و کژروان از انحرافات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی نمی‌تواند تحقق یابد. [۱۸].

- نمازگزاران اهل شور و مشورت هستند [۱۹]، نمازگزاران هرگز یک دنده و خودکامه و خود رأی نیستند.
- نمازگزار همواره عقیف و پاک دامن است و از پرده عصمت و عفت گامی فراتر نمی‌نهد. [۲۰] نمازگزار با قدرت نماز به عالی‌ترین درجه خویشتن داری نایل آمده و در برابر همه کشش‌های غریزی و محرک‌های جنسی مقاوم بوده و با مصونیت معنوی همیشه حریم و حرمت‌های الهی را پاس می‌دارد. [۲۱].
- نمازگزار همیشه با حفظ مفهوم و معنای نماز، لحظه‌ای از یاد و راه خدا غافل نبوده و همواره پاسدار ارزش‌ها و مبلغ برترین فضیلت‌هاست [۲۲].

[صفحه ۹۳]

- نمازگزار همه فکر و نیت و عمل و حرکتش هدفمند و جهت دارد و برای خداوند و براه خداست و بس [۲۳].
- رفتار نمازگزار همیشه آینه خداپرستی و جلوه توحید و معنای آزادی و وارستگی [۲۴] است او شرک ستیز است [۲۵].
- نمازگزاران سرداران جبهه‌های معنویت و خداجویی، آرامشگران چهره‌های نگران، درمانگران دل‌های خسته و لرزان و هدایتگران جامعه به سوی کمال و آرامش‌اند. آنگاه که نمازگزاران خود را به زیور و زینت‌ها و ارزش‌ها و فضیلت‌های رفتاری نماز متصف می‌نمایند و در این ره پایدار و استوار می‌مانند، برترین الگوهای کمال برای کودکان و نوجوانان و پویندگان طریق حق بوده سلامت و سعادت و رستگاری جامعه را در برابر همه ناملازمات، همه تهاجمات فرهنگی بیگانگان لجام گسیختگی غریبان، مصون می‌نماید.
- آن‌گاه که فرهنگ پویا و متعالی «نماز» با همت نمازگزاران وارسته از هر وابستگی، در خانه و اداره و کوچه و خیابان و در هر شهر و دیار سایه افکن گردیده و معنا و مفهوم نماز به نیکی محقق می‌گردد، نهایت افتخار و آرزوی همه آزادگان، کودکان و نوجوانان، بزرگسالان و اندیشمندان جامعه در پیوستن به جرگه نمازگزاران خواهد بود.
- در صفحه پیوست سعی شده است خلاصه‌ای از این مقاله ارائه گردد.

[صفحه ۹۴]

[۱] سوره مؤمنون آیه ۲.

[۲] فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون، الذین هم یرآون - سوره ماعون ۵ - ۶.

- [۳] فويل للمصلين الذين هم عن صلاتهم ساهون، الذين هم يرآون - سورة ماعون ۵ - ۶.
- [۴] والذين هم يشهاداتهم راعون (مؤمنون ۲۳).
- [۵] الذين هم عن اللغو معرضون (مؤمنون ۳).
- [۶] رجال لاتلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة و ايتاء الزكوة (نور ۳۷).
- [۷] خذ من اموالهم صدقه، تطهرهم و تزكهم بها و صل عليهم ان صلواتك سكن لهم والله سميع عليم (توبه ۹).
- [۸] اهدنا الصراط المستقيم (سوره حمد ۶).
- [۹] صراط الذين انعمت عليهم... (حمد ۷).
- [۱۰] اشهد ان لا اله الا الله ۴.
- [۱۱] و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما (فرقان ۶۳).
- [۱۲] و اغضض من صوتك (لقمان ۱۹).
- [۱۳] خلق الانسان هلوغاً... الا المصلين (معارج ۲۲).
- [۱۴] ان الانسان خلق هلوغاً اذا مسه الشر جزوعاً و اذا مسه الخير منوعاً الا المصلين (معارج ۲۲).
- [۱۵] والذين فى اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم (معارج ۲۴ - ۲۵).
- [۱۶] قالوا لم نك من المصلين و لكم نك نطعم المسكين (مدثر ۴۳ - ۴۲)؛ و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة (نور ۳۷).
- [۱۷] انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم راعون - والذين هم للزكوة فاعلون (مؤمنون ۵)
- يا بنى اقم الصلوة و امر بالمعروف و انه عن المنكر و اصبر على ما اصابك ان ذلك من عزم الامور و لا تصعر خدك للناس و لاتمش فى الارض مرحاً ان الله لا يحب كل مختال فخور واقصد فى مشيك و اغضض من صوتك (لقمان ۱۸ - ۱۹).
- [۱۸] يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر.
- [۱۹] ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنكر (عنكبوت ۴۵)؛ و امرهم شورا بينهم (شورا ۴۲).
- [۲۰] يا بنى اقم الصلوة و امر بالمعروف و انه عن المنكر (لقمان ۱۹)؛ والذين هم لفروجهم حافظون (مؤمنون ۵).
- [۲۱] والذين هم على صلاتهم دائمون (معارج ۲۳).
- [۲۲] والذين هم على صلاتهم يحافظون (معارج ۲۴)
- قالوا يا شعيب اصلوتك تأمرك ان نترك ما يعبد آباءنا... (هود ۸۷).
- [۲۳] قل ان صلاتى و نسكى و محياى و مماتى لله رب العالمين (انعام ۱۶۲).
- [۲۴] والذين يصدقون بيوم الدين (معارج ۲۶).
- [۲۵] لا اله الا الله.

نگرشى بر ابعاد شخصيتى نماز گزاران

که بر اساس موارد زیر می باشد.

۱- اخلاقى:

گشاده رو

مهربان

متواضع

خاک طبع

رشد یافته

صادق

حقگو

امین

وفادار

ساده

بی تکلف

قانع

صبور

عفیف

باوقار

متین

معتدل

آرام

منظم

جدی

طاهر

مخلص

موحد

آزاده

۲- ذهنی:

خدا محور

معاذ اندیش

آینده نگر

مطلوب گرا

هدفمند

تعالی جو

هشیار

فکور

بصیر

خلاق

خیر اندیش

مدبر

۳- اجتماعی:

سخا و تمند

بخشنده

انفاق گر

مقتصد

منصف

آرامش بخش

حامی تهیدستان

باور محرومان

پشتیبان یتیمان

پاسدار ارزشها

حافظ حرمتها

حق طلب

آمر به معروف

ناهی از منکر

متعهد و مسئولیت پذیر

امانتدار

وظیفه شناس

خوش قول

تلاشگر

ایثارگر

شرک ستیز

لغوگریز

نماز و راه‌حلهای نجات از تهاجم بحران آفرین فرهنگی

جناب آقای مهندس حسن بنیانیان؛ قائم مقام وزیر در امور نوسازی مدارس

بسم الله الرحمن الرحيم

اولین و مهمترین قدم در راه نجات از تهاجم بحران آفرین فرهنگی، بوجود آمدن تفاهم بر اصل وجود بحران فرهنگی در جامعه کنونی بین منتقدین و نخبگان فکری جامعه، سیاستمداران، مدیران و کارشناسان ارشد نظام اجرایی است. چرا که غالب افراد هر دو دسته یعنی موافق و مخالف وجود بحران فرهنگی، بر اساس تعهد و دلسوزی که برای اسلام دارند شک و تردیدی بر اصل ضرورت حاکمیت ارزشهای اسلامی در روابط اجتماعی و ساز و کارهای اداره کشور ندارند. اما اختلاف از آنجا ناشی می‌گردد که گروه اول بر اساس دریافتهای موردی از گوشه و کنار جامعه بر این باورند که علی‌رغم هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری در رابطه با وجود تهاجم فرهنگی و عکس العمل علمای دین و اقدامات و برنامه ریزی‌های دستگاههای ارتباط جمعی، نهادهای مسئول، وزارتخانه‌های فرهنگی، آموزشی و حرکت‌های گروه‌های مختلف مردمی، همچنان مفاسد و ناهنجاریهای مختلف اعتقادی، فکری، فرهنگی، اخلاقی و رفتاری رو به رشد و افزایش می‌باشد. بدیهی است وجود چنین باوری، به مفهوم عدم کارآیی مجموعه این اقدامات در مقابل اثر عوامل مخربی است که در زمینه‌های اعتقادی، فرهنگی از داخل و خارج کشور زمینه ساز و بوجود آورنده این مفاسد و ناهنجاریها هستند.

[صفحه ۹۸]

اما گروه دوم که در عمل درگیر برنامه ریزی و اجرای اقدامات پیش گیرنده و سازنده هستند با مشاهده نتایج و آثار اولیه این اقدامات، در فضایی از ارزیابی و قضاوت قرار می‌گیرند که باور و اعتقادشان این است که مجموعه این اقدامات، روند رشد مفاسد و ناهنجاریهای فرهنگی را مهار کرده و با ظاهر شدن آثار آن در آینده نزدیک، جایی برای نگرانی نیست.

در حقیقت مجریان در ابتدای ورودی آب شیرین چشمه به بستر رودخانه تحت تأثیر زلال آب چشمه، امیدوار به زلالی آب رودخانه اند و منتقدین با نمونه برداری از جای جای رودخانه، نگران تداوم و رشد آلودگی در رودخانه.

عامل دیگری که اجازه نمی‌دهد اختلاف بین منتقدین و مجریان امور فرهنگی حل شود خصوصیات ذاتی این دو گروه است. بدین نحو که چون مجریان صادق بوده و با همه توان وارد صحنه می‌شوند معمولاً برای دفاع از زحمات خود وضع موجود جامعه را با جامعه قبل از انقلاب یا با جوامع فاسد غربی مقایسه می‌کنند تا هم خود را قانع سازند و هم نتیجه بخش بودن اقدامات را زمینه سازی نمایند و از آن طرف منتقدین - که البته آنان نیز صادق و دلسوز انقلابند - با برداشتی که از جامعه مطلوب اسلامی دارند، وضع موجود را با ایده آل های خود مقایسه می‌نمایند. چون برای ایجاد حرکت‌های جدید و انجام اصلاحات بنیادی حل این اختلاف ضروریست باید بپذیریم؛ آنچه اهمیت اساسی دارد؛ روند تغییرات ناهنجاریهای فرهنگی در جامعه است نه میزان آن، چرا که اگر رشد یابنده باشد باید پذیرفت که بحران فرهنگی وجود دارد و اگر کاهنده باشد می‌توان امیدوار بود که به تدریج مسائل حل خواهد شد و راه‌های اتخاذ شده پاسخ داده است

[صفحه ۹۹]

لذا برای بر طرف شدن اختلافات حاصل از این برداشتها و دلایل سه گانه زیر ضرورت دارد نهاد تحقیقاتی بی طرف و مستقلی مسئول سازماندهی یک نظام اطلاعاتی و تحقیقاتی گردد تا در تناوبهای زمانی مناسب روند تحولات فرهنگی را روی شاخصای از پیش تعریف شده ای اندازه گیری و به مسئولین نظام و مردم اعلام نماید. دلیل اول اینکه: هدف اصلی نظام جمهوری اصلاح فرهنگ جامعه است و تمامی تحولات اقتصادی، اجتماعی پیش نیاز تحقق اهداف فرهنگی است و حرف تازه تفکر اسلامی در قرن بیستم اعلام این معناست تفکر دینی می‌تواند ضمن توسعه اقتصادی و مادی جامعه بستر رشد فرهنگی انسانها را فراهم سازد. دلیل دوم اینکه: تحقق اصلی ترین هدف هر سیستمی باید همواره مدنظر تصمیم گیران سیستم باشد تا به موقع تغییرات لازم را در عناصر و عوامل و سازماندهی تحت مدیریت خود بدهند. دلیل سوم اینکه: روشن شدن پاسخ این سؤال بسیاری از تنشها و عصبیتهای موجود بین یاران انقلاب را آرامش می‌بخشد و مشخص می‌سازد مشکل چیست و چه باید کرد؟

قضاوت در اینکه در حال حاضر باور کدام دسته صحیح تر است کار ساده ای نیست. ابراز نگرانی پی در پی از سوی مقام معظم رهبری، دریافت نمونه هایی از ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی از درون برخی از بافتهای توسعه

یافته شهری، یعنی از جاهایی که انتظار می‌رود به تدریج نحوه زندگی و رفتارهایشان به دیگر نقاط کشور سرایت کند، مروری بر فهرست مراکز و عوامل مفسده آفرین فرهنگی برون و درون جامعه از یک طرف و مطالعه اقدامات و

[صفحه ۱۰۰]

برنامه های اجرایی مراکز مبارزه کننده با مفسد فرهنگی و تفکر در پاسخ سؤالات زیر:

- آیا باور نسل جدید به مبانی دینی مثل خداشناسی، قیامت، ضرورت حاکمیت دین، حاکمیت ولایت فقیه در حال رشد است؟

- آیا ضمن ایجاد روحیه تلاش و کار در نسل جدید برای توسعه مادی روحیه معنوی و کاهش علائق آنها به مادیات و دوری از محرّمات و آلودگیهای اخلاقی برای تحقق اهداف فرهنگ اسلامی زمینه سازی می‌شود؟

- آیا احترام به بزرگترها، علاقه به پدر و مادر، حساسیت نسبت به تربیت دینی فرزندان و استحکام خانواده ها در حال افزایش است؟

- آیا حساسیت و علاقه نسبت به رفع مشکلات دیگران و پیگیری عوامل سعادت آفرین جمعی به جای حل مشکلات فردی و رشد خودخواهیها در حال افزایش است.

و سؤالات دیگری از این دست؛ متأسفانه کفه قضاوت را به نفع منتقدین نگران از وجود بحران فرهنگی سنگین تر می‌سازد.

لذا با فرض وجود چنین پدیده ای در شرایط موجود جامعه ابتدا عوامل عمده بحران ساز مطرح و در پایان پیشنهاداتی به عنوان راه حل ارائه می‌گردد.

عوامل بحران ساز فرهنگی

این عوامل را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم نمود:

۱- عوامل مخرب فرهنگی برون زا

۲- عوامل مخرب فرهنگی بازمانده از دوران گذشته

۳- عوامل بستر آفرین برای رشد مفسد و ناهنجاریهای فرهنگی درونی

گر چه این سه دسته عوامل در داد و ستد گسترده با یکدیگر عمل می‌کنند و کار تفکیک و طبقه بندی را مشکل می‌سازند اما چاره ای نیست و باید برای روشن شدن بحث نوعی طبقه بندی را انتخاب نمود.

عوامل مخرب برون زا

عوامل مخرب بیرونی جامعه را به دلیل پیوستگی با یکدیگر و تنوع آنها نمی‌توان در قالب یک مرزبندی مشخص طبقه بندی نمود. بلکه باید بپذیریم این عوامل مانند یک طیف به هم پیوسته، جامعه و تفکر اسلامی را در محاصره گرفته اند. یک طرف طیف آثار طبیعی و ذاتی عملکرد نظام مادی است که خود به خود در برخورد و ارتباط با جامعه ی ما منشأ بروز ناهنجاریهای فرهنگی است و طرف دیگر طیف، اقدامات آگاهانه و از پیش طراحی شده دشمنان اسلام برای تخریب پایه های نظام جمهوری اسلامی است که می‌توان آن را در قالب نموداری ترسیم کرد. بدون شک برای از بین بردن آثار مخرب بیرونی، شناخت تمامی این طیف ضرورت دارد بویژه اینکه صحنه های هجوم فرهنگی هم می‌تواند گاهی مثل جریان هجوم نظامی شامل تحرکات فرعی دشمن برای ایجاد انحراف در ذهن فرماندهان از هجوم اصلی باشد.

برای شناخت آثار مخرب ذاتی نظامهای مادی و نحوه تأثیر آن بر فرهنگ جامعه خودی باید تجزیه و تحلیلی از تمدن غرب و نحوه عملکرد آن داشته باشیم و به این منظور باید تحلیلی از آثار متقابل نظامهای درونی جامعه غربی و انسانهای آن جوامع ارائه دهیم و از رهگذر تجزیه و تحلیل آن، آثار در حال انتقال به جامعه خود را ارزیابی نماییم. برای این منظور لازم است ابتدا به این

نکته توجه شود که در بحث تأثیرات متقابل انسان و نظام اجتماعی، انسانها نوعاً مقهور نظام اجتماعی هستند و در مقابل تأثیرات گسترده نظام اجتماعی، تأثیرات بسیار محدودتری بر عملکرد سیستم اجتماعی حاکم بر خود دارند و تنها افراد نخبه و معدودی می‌توانند تغییرات وسیعی در نظام اجتماعی حاکم بر محیط خود بوجود آورند.

با این نکته مقدماتی، وقتی تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی را در طول قرنهای متمادی مرور نماییم بطور بسیار فشرده می‌توان گفت: پیشرفت علوم بعد از رنسانس همانطور که در تسلط بر طبیعت قدمهای بلندی برداشت و با حضور در تکنولوژی ابزار تولید، شکل زندگی را متحول ساخت، در زمینه علوم انسانی نیز دست به سازماندهی علمی نظامهای اجتماعی زد و توانست نظامهای سیاسی، اقتصادی، قضائی، اداری، تبلیغی، آموزشی و... را که لازمه اداره جامعه است سازماندهی مجدد نماید. اما چون در ساماندهی و علمی سازی نظامهای اجتماعی دستیابی به پاسخ برای سؤالات متعدد فلسفی از اهداف اساسی انسانها لازم بود، باید ابتدا پاسخی برای اصلی‌ترین سؤال پیدا می‌کردند و آن اینکه جامعه مطلوب چیست؟ و در آن جامعه، انسان چگونه نقشی دارد؟

عدم حضور دانشمندانی که تفکرشان بر اساس وحی شکل گرفته باشد و از رهگذر ادیان اصیل الهی جامعه مطلوب را تعریف کنند، موجب گردید که جامعه مطلوب از تفکر مادی گرایانه دانشمندان و نظریه پردازان موجود جامعه منحن قرون گذشته غرب تعریف گردد و این بزرگترین ضربه ای بود که علم و عالم در غیاب وحی بر بشریت وارد ساخت و جامعه ای «خوشبخت و مطلوب» تعریف

[صفحه ۱۰۳]

گردید که در آن حداکثر نیازهای انسانها پاسخ داده شود و در ادامه این جریان، با رشد تفکر لیبرالیسم سیر تحولات این گونه جهت یافت که از انسانهای انحراف یافته همان جامعه سؤال گردد چه نیازی داری؟ و با چه شیوه ای علاقمند به ارضای آن هستی؟ این سؤال و پاسخ را دانشمندان علوم انسانی در یک روند طولانی مدت سازماندهی کردند و به تدریج نظامهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری و... جامعه را بازسازی نمودند.

چون در طبیعت انسان بدون ایمان، ارضاء نیازهای مادی و شهوانی نقش غالب پیدا می‌کند در جریان شکل گیری نظامهای اجتماعی در جامعه غربی و داده و ستاده بین انسان و نظام اجتماعی یک تعادل درونی بوجود آمد و چون در شکل گیری نظامها، علم حاکم بود مجموعه نظامهای اجتماعی توانست در ارضاء نیازهای مادی انسانهای جامعه خود، قدمهای بلندی را بردارد و این موفقیت متأثر از چند خصلت عمده است که بواسطه اهمیت آن ذیلاً طرح می‌گردد.

۱- هماهنگ سازی درونی نظام های مختلف با نظام اقتصادی

ملاحظه می‌گردد هر نظامی برای خود هدفی را دنبال می‌کند و از تحقق مجموعه اهداف نظامها، باید هدف اصلی نظام اجتماعی محقق گردد. چون در جامعه غربی هدف غائی سعادت انسانها از رهگذر تأمین نیازهای مادی و حیوانی تعریف گردید بین هدف غائی و هدف اقتصادی که تأمین و توزیع کالا و خدمات است یک به هم پیوستگی عمیق تری شکل گرفت و در تحولات تدریجی جامعه تمامی نظامهای فرعی کارکردهای درونی خود را برای تحقق هر چه بهتر اهداف نظام اقتصادی جرح و تعدیل نمودند. برای مثال:

- در نظام ارزشها، داشتن لباس گرانقیمت، ماشین آخرین مدل، خانه مجلل و... عامل احترام بیشتر اجتماعی می‌شود تا انسانها برای دست یابی به آن حداکثر کارآیی اقتصادی را پیدا کنند.
- در نظام قضائی، داشتن پول وسیله ای است که با آن می‌توان از وکلای قوی‌تری کمک گرفت و بر حسب توان مالی از حاکمیت قانون فرار نمود.
- در نظام سیاسی، حاکمیت اصلی با نمایندگانی است که یا خود دارای سرمایه هستند یا بهتر می‌توانند منافع سرمایه داران جامعه را محافظت کنند.
- یکی از وظایف عمده نظام تبلیغاتی جامعه، خلق نیازهای جدید و تحریک نیازهای مادی و شهوانی افراد جامعه است تا تقاضای ایجاد شده پویایی نظام اقتصاد را حفظ کند.
- عمده رسالت نظام آموزشی، آماده سازی فرد برای حضور مؤثر در چرخه اقتصاد است و لذا استعدادهای او را متناسب با رفتارهای اقتصادی رشد می‌دهند.

- در نظام مدیریتی، ساز و کار اصلی تحریک سلسله مراتبی از نیازهای مادی، جسمی و روحی افراد است تا با ایجاد انگیزه حداکثر کارآیی را برای نظام اقتصادی بوجود آورد.
- ۲- رشد نا متعادل ابعاد وجودی انسان

حاکمیت چنین ساختار عملی در عیاب ایمانی متأثر از وحی نظام اجتماعی را بوجود آورد که در درون خود بعد علمی انسان را رشد داد اما شناخت حاصل از این علم در خدمت تسلط بر طبیعت و تسلط بر دیگر جوامع به اصطلاح جهان

[صفحه ۱۰۶]

سوم قرار گرفت و در طول قرن‌ها مکشی را به درون جوامع توسعه یافته بوجود آورد و از رهگذر مکیدن منابع طبیعی و استعدادهای برجسته نیروی انسانی جهان سوم توسعه اقتصادی خود را قوام بخشید و ظاهری زیبا و آراسته برای جامعه خود بوجود آورد اما در کنار آن انسان درون جامعه خود را نیز از خود بیگانه نمود و بعد حیوانی او را توسعه داد و بعد معنوی و اخلاقی را که مشخصه رشد ابعاد انسانیت انسان است به نابودی و انحطاط کشید. بطوری که انسان غربی امروز که ظاهری آراسته، مؤدب و چهره‌ای عالمانه دارد اگر پای منافع مادی به میان کشیده شود به راحتی رابطه خود را با پدر و مادر، همسر و فرزند، دوستان و آشنایان قطع خواهد نمود و اگر ضرورت ایجاب کند از هیچ جنایتی در هیچ نقطه‌ای از جهان فروگذار نخواهد کرد. در این رابطه کافی است مروری بر تاریخ جنگهای آزادی بخش در کشورهای تحت سلطه این متمدنین داشته باشیم که آخرین آنها، فلسطین و بوسنی است.

۳- اتفاق دیگری که در جریان سازماندهی نظام غرب حادث شد تخصصی کردن علوم مختلف و شکستن شناخت ابعاد وجودی انسان در علوم مختلف انسانی است که تحت عنوان جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، مدیریت و غیره طبقه بندی شد و چون هدف اصلی نظام مبتنی بر تأمین نیازهای مادی بود در جریان توزیع استعدادهای انسانی عدم تعادلی بوجود آمد و استعدادهای اصلی عمدتاً در رشته‌هایی گرایش پیدا کردند که زمینه ساز کسب درآمد و رشد اقتصادی و مادی باشد و از این رهگذر در طول تاریخ چند قرن اخیر زمینه رشد علوم مربوط به مسائل اصلی حیات انسانها یعنی مباحث اخلاقی و معنوی به کساد و اضمحلال کشیده شد.

[صفحه ۱۰۷]

حال ببینیم از رهگذر ماهیت نظام اجتماعی غرب چه تحولاتی بر جامعه اسلامی ما تحمیل گردید.

تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم نظام غرب بر رشد ناهنجاریهای فرهنگی جامعه

در مطالبی که گذشت برای خواننده محترم موضوع ماهیت زیر نظامهای نظام اجتماعی غرب روشن گردید و مشخص شد که در شکل گیری تمامی نظامهای فرعی، فلسفه خاص مادی‌گری نهفته است و این نظامها در چارچوب یک مجموعه نظام به هم پیوسته در جهت تحقق اهداف غائی جامعه غرب بهترین عملکرد را خواهد داشت و با انتقال هر یک از نظامهای اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، نظامی و... از این مجموعه نظامهای به هم پیوسته به درون جوامع دیگر، مجموعه فساد فرهنگی متأثر از فلسفه حاکم بر این نظامها به جامعه جدید منتقل می‌گردد و منشأ یک سلسله ناهماهنگی و ایجاد یک مجموعه ناهنجاریهای فرهنگی خواهد بود. حال باید دید چگونه این نظامها وارد جامعه ما گردید و چه تأثیری در تحولات اجتماعی ما داشت.

زمینه سازی حضور این نظامها با سفرهای پادشاهان فاسد قاجار شروع گردید. و در این سفرها با دیدن مظاهر پیشرفت مادی و آوردن نمودهایی از آن، به تدریج زمینه برای اعزام دانشجو و بازرگانان و رفت و آمدهای سفرا آماده شد و با تحمیل رضاخان بر سرنوشت کشور، عملاً نظام مالیه، نظام آموزشی، قوای انتظامی و نظام اداری با سبک غربی وارد جامعه شد. معدود عالمان دینی با درک فاجعه آن هم تنها با دریافت بخشی از آثار آن به مقابله برخاستند اما تنها مقابله کافی نبود. و در جریان تحول جامعه، باید نظامهای جایگزین متأثر از

[صفحه ۱۰۸]

اهداف اسلامی معرفی می‌شد و نظامهای سنتی گذشته در تمامی زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به سرعت بازسازی می‌گردید. اما نه پایگاه علمی توانمندی داشتیم و نه علمای ما از عمق آثار تهاجم این نظامها آگاهی داشتند. اولین آثار حضور این نظامها در درون جامعه ایرانی ایجاد شکاف در انسجام جامعه بود. در حالیکه در بین عوام، برخاستن گرد و خاک از یقه مرد، نشان از زحمت کش بودن او داشت، داشتن یقه سفید و کارمند دولت رضاخانی بودن، منشأ قدرت و اقتدار در حوزه های مختلف اجتماعی گردید. مردم عادی، یقه سفیدها را از دست رفته و بی‌دین می‌دیدند و نسل جدید در آرزوی خواندن درس و رسیدن به این منصبها.

رسیدن به این منصبها یعنی کار نکردن و پول مفت بدست آوردن. از حضور همین نظامها بود که در فرهنگ ما هنوز هم خطاب به فرزندانمان می‌گوییم «اگر درس نخوانی باید مثل ما زحمت بکشی و کار کنی» و اولین آموزشها و

تربیت‌های ما، تنظیم رابطه منفی بین کارکردن و درس خواندن است. در اثر حضور همین نظامها بود که وقتی فردی کارمند دولت و یا مأمور نظمیه می‌شد، اولین نمود آن در طلبکاری از مردم ظاهر می‌گردید. تا احساس مسئولیتی برای خدمتگزاری.

حضور نظام آموزشی غربی بود که علم آموزی را وسیله کسب دنیا کرد و درست بر خلاف نظام علمی قدیم که هر چه علم فرد بیشتر می‌شد روحیه بدهکاری به مردم و خدمتگزاری به جامعه را افزایش می‌داد، در نظام آموزش غربی هر چقدر بهره‌گیری از امکانات جامعه برای کسب مدارج بالاتر بیشتر می‌شود، بر خلاف اصول اولیه انسانیت، میزان طلبکاری فرد از مردم و جامعه بیشتر می‌گردد.

[صفحه ۱۰۹]

اما نکته دردناک تر اینکه با حضور بخشی از این نظامها، جامعه ایرانی تنها شاهد حضور آثار فساد انگیز آن بود و آثار مثبت همین مجموعه نظامها در جامعه غربی به ایران انتقال نیافت. یعنی نظام آموزشی غرب آمد، اما نظام مالیاتی آن نتوانست در جامعه ایرانی منبع کسب درآمد دولت باشد زیرا وابستگی صاحبان درآمد به دربار، اجازه حرکت به نظام مالیاتی را ندارد. نظام مصرفی غرب به بخشهایی از جامعه شهری تحمیل گردید اما وجود منابع نفتی منشأ رشد واردات شد و اجازه نداد رشد مصرف، توسعه واحدهای تولیدی و صنعتی شدن اقتصاد را در پی داشته باشد.

توقعات و انتظارات مردم و الگوی مصرف تغییر کرد اما وجود پادشاه و تحمیل این نکته که هر چه در جامعه می‌بینید از دست پر قدرت دولت وابسته به این پادشاه است، این توقعات را به دولت منتقل نمود و فرهنگ جامعه ما را با همه توقعات و انتظاراتش متوجه دولت متکی بر درآمدهای نفتی ساخت.

در حضور این مجموعه نظامهای ناقص و مخرب فرهنگی، اتفاقات دردناک دیگری هم افتاد و آن اینکه، نظام دانشگاهی غرب با همه معایبش وارد شد و چون پول نفت وجود داشت با سرعت بیشتری از خود غرب دست به تخریب استعدادهای جامعه زد بطوری که اکثریت استعدادهای برجسته جامعه را به سمت دروس مهندسی و پزشکی کشاند و اجازه نداد استعدادهای برجسته‌ای متناسب با نیازهای طبیعی یک جامعه‌ی متعادل به سمت علوم انسانی که برای نجات جوامع جهان سوم به مراتب از رشته‌های مهندسی و پزشکی واجب‌تر است هدایت شود و از

رهگذر این ضربه سنگین، برای مدتهای طولانی جامعه ما را تشنه نظریه‌پردازیهای خود در علوم انسانی از جمله علوم اقتصادی، مدیریتی،

[صفحه ۱۱۰]

سیاسی و روان‌شناسی نمود. درد غم انگیزی که هنوز با گذشت ۱۸ سال از عمر انقلاب مقدس اسلامی تداوم دارد. در تداوم استقرار نظام های غربی در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ نهادهای برنامه ریزی مثل سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری شکل گرفت. تخصیص منابع مالی به عهده برنامه و بودجه و برنامه ریزی توسعه امور اداری و بخصوص منابع انسانی به سازمان امور اداری واگذار شد. این نهادها به لحاظ حساسیتشان مستقیماً با حضور کارشناسان امریکایی هدایت می‌شد و از رهگذر تئوری های توسعه و رشد در این نهادها فلسفه حاکم بر نظام مادی غرب در درون نهادهای اجتماعی و اداری تزریق می‌گردید. در نهاد برنامه ریزی حرف اول و آخر را کارشناسان حوزه های اقتصاد می‌زدند و تحولات فرهنگی جامعه صرفاً در راستای تحقق طرحهای اقتصادی دنبال می‌شد. در راستای تدوین برنامه های توسعه اقتصادی ضرورت وجود مرکز آمار شکل گرفت تا صرفاً جهت تداوم رشد اقتصادی، طرحهای آماری لازم سازماندهی شود و تنها تحولات مادی جامعه اندازه گیری گردد و کسی متوجه نشود که در کنار رشد اقتصاد، رشد مفاسد اجتماعی و تحولات اخلاقی چه سرنوشتی دارد. از طریق سازمان امور اداری آخرین تئوری های مدیریت غربی به مدیران جوان ایرانی آموزش داده می‌شد و به آنها در قالب مفاهیم علمی تفهیم می‌گردید که در طول جریان مدیریت یک حرف اصل است: «برای ارتقاء به مقامات بالاتر و کسب امتیازات مادی آن، اهداف توسعه غرب را باید تعقیب نمایي.»

[صفحه ۱۱۱]

جایگاه استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و وجود منابع نفتی، سرعت رشد نظامهای غربی را بسیار بالاتر برد. اما وجود تفکر شیعه و مبارزه جویی تاریخی شیعیان با حکومتهای ظلم و جور همواره زمینه حضور بخشی از استعدادهای برجسته را در حوزه های علمیه فراهم ساخته است و به موازات رشد دستگاههای مبتنی بر فلسفه غرب در جامعه، علمای بزرگی از حوزه های علمیه علم مبارزه را بر دوش گرفتند و در راس آنها امام بزرگ با تربیت

شاگردانی خاص چون استاد مطهری، دکتر بهشتی و صدها طلبه مبارز بستر را برای بیداری توده های وسیع مردمی آماده نمودند.

تا قبل از حرکت امام و شاگردانش، عمده حملات متوجه دست پروردگان نظامهای غربی بود اما دید عمیق امام و شاگردان خاصش بخصوص استاد مطهری و شهید دکتر بهشتی، جریان حمله را به اصل نظام و عملکردهای نظامهای فرعی آن جهت داد و آنها را متوجه این معنا نمود. که در کنار مبارزات سیاسی باید نظامهای مدون اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و نظامی مبتنی بر فلسفه ناب اسلامی را تدوین نمود.

انقلاب پیروز شد و امام با تیزبینی پیامبرگونه خود دستور تدوین قانون اساسی را دادند و با سرعت نظام سیاسی را حاکمیت بخشیدند. عزیزانی چون دکتر بهشتی با درک عملکردهای درونی نظامها در کنار نظامهای سنتی، سازماندهی جدیدی برای خلق نظامهای انقلابی را پایه ریزی کردند و جهاد سازندگی، سپاه، بسیج و کمیته های انقلاب اسلامی بوجود آمد اما روند حرکت نظام سازی به دلایل عمده زیر تا اندازه زیادی دستخوش فراموشی قرار گرفت.

۱- وجود نظامهای بازمانده از قبل، در عمل اجازه نداد تشنگی وجود نظامهای

[صفحه ۱۱۲]

متناسب با آرمانها و ارزشهای اسلامی احساس شود.

۲- عدم شناخت لازم از عملکردهای نظام ها (سیستمها) از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره های گذشته و مدیران ارشد و خلاصه کردن اقدامات اصلاحی در تعویض مسئولین نظامها و اصلاح ظاهری بعضی از قوانین جاری.

۳- نارسائیه و ناتوانیهای تاریخی حوزه های علمیه برای پاسخ گویی به این نیازهای اجتماعی.

۴- ناکافی بودن نظریه پردازان آرمان گرایی اسلامی در دانشگاهها.

۵- دوری نهادی و فکری حوزه و دانشگاه از یکدیگر.

۶- ایجاد بحرانهای سیاسی و نظامی از طریف گروهکهای وابسته در آغاز انقلاب.

۷- تحمیل جنگ هشت ساله و تخریب وسیع منابع انسانی و اقتصادی و نظامی جامعه.

۸- همزمانی انفجار جمعیت [۱] با تحولات آغاز انقلاب که موجب گردید جامعه با یک جمعیت جوان و به تبع آن با انواع نیازها و توقعات فراوان روبرو شود.

در چنین فضایی جنگ خاتمه یافت و با پذیرش قطعنامه در حالیکه چند مسأله مهم رو در روی مسئولین اجرایی بود، فصل تازه ای از تحولات جامعه

[صفحه ۱۱۳]

انقلابی ما آغاز گردید.

- منابع وسیع اقتصادی در اثر جنگ از بین رفته بود.
 - رشد جمعیت با هرم بسیار جوانی تداوم می یافت و هر روز و هر لحظه نیاز جدیدی خلق می شد و با این رشد جمعیت پیوند می خورد.
 - توقعات و انتظارات مردم متأثر از فرهنگ تاریخ گذشته ایران تماماً متوجه اقدامات دولت بود.
 - دشمن مترصد بوجود آمدن بحرانهای سیاسی، فرهنگی برای شکستن ابهت انقلاب و جلوگیری از بیداری ملتها از هیچ ضربه ای فروگذار نمی کرد.
- در چنین شرایطی باید برای برنامه ریزی دوران سازندگی ابتدا استراتژیهای اصلی انتخاب می شد. محور برنامه ها گر چه تحت عنوان برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی متمرکز بود، اما حرف اصلی آن فهرست کردن مجموعه اقداماتی بود که بتواند با سرعت پاسخگوی نیازهای مادی مردم باشد.
- در این مرحله از سازندگی برای دولت مردان و مجریان یک راه حل عملی بیشتر وجود نداشت و آن هم بازسازی روبنایی و ظاهری نظامهای به جا مانده از رژیم گذشته. برای حل مشکلات اقتصادی جامعه، نهادهای ستادی و کارشناسی نظام اجرایی از جمله سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور اداری، کارشناسان دستگاههای اجرایی صادقانه آنچه در توان داشتند برای ساماندهی وضع موجود به کار بردند، اما در این مرحله باید در بیرون از نظام اجرایی یک جریان فکری متشکل از نخبگان حوزه های علمیه، دانشگاهها و مسئولین اجرایی سازماندهی می شد و بازسازی ریشه ای نظامهای اجتماعی را متناسب با اهداف غائی جامعه اسلامی پی گیری می کرد و با تدوین نهایی آن به تدریج

جایگزین نظامهای موجود می‌شد.

با عدم تشکیل چنین جریانی دشمن به یکی از اهداف شوم خود دست یافت. یعنی با تحمیل جنگ و نابودی اقتصاد، رشد جمعیت و بهره‌گیری از نابسامانیهای فرهنگی قبل از انقلاب ما را به نقطه‌ای رسانید که جز ساماندهی نظامهای قبل از انقلاب کار دیگری نتوانیم انجام دهیم و از رهگذر عادت دادن مدیریت انقلاب اسلامی با نظامهای اصلاح شده قبلی، خلاء وجود نظامهای مناسب جامعه اسلامی پر گردید.

در این هشت سال بعد از جنگ عملکرد نظامهای عاریتی در درون روابط اجتماعی آثار تلخ فرهنگی خود را منتشر نمود که به عنوان نمونه می‌توان به نمودهایی از آن اشاره کرد و جریان آرام‌تغییر و تحول فکری، گفتاری و رفتاری نیروهای مخلص انقلاب را از درون هر یک از نظامهای درونی جامعه ارزیابی نمود. عزیزانی به بانکها رفتند و بعد از مدتی برای آنها پول به عنوان خون جامعه و محور تمامی مسائل جامعه تعریف شد، برای جمع‌آوری پول سرگردان جامعه طرح تبلیغ ریختند و در پیرینده‌ترین اوقات تلویزیون با نشان دادن ماشین پر از اسکناس و کلید طلایی منزل، مشغول تحریک روحیه پول‌پرستی امت اسلامی، ایجاد اختلاف در خانواده‌ها و جلوه دادن «زیادی پول به عنوان یک ارزش» در رفتارهای اجتماعی شدند. بدون آنکه لحظه‌ای تأمل کنند و بیندیشند و رابطه این تبلیغات را با هدف اصلی نظام اسلامی بسنجند.

برادرانی به نهادهای اقتصادی رفتند و متأثر از ساز و کارهای حاکم بر نظام اقتصادی اصلاح نشده، اقتصاد برایشان زیر بنا گردید و در همه نوشته‌ها، کنفرانسها و مقاله‌ها در صدد اثبات این معنا برآمدند که ریشه مشکلات

اقتصادی در ناهماهنگی‌های فرهنگ گذشته با رشد و توسعه اقتصادی است و لذا تنها ابزارهایشان سیاستهای پولی و مالی بود و از رهگذر این سیاستها نرخ بهره ابزار هدایت اقتصاد جامعه گردید و بازار بورس وسیله جذب سرمایه‌ها در تولید و پیش‌نیاز آن، حساس کردن ذهن مردم نسبت به قدرت خرید پول و پی‌گیری روزانه نرخ بهره، و هیچ‌یک از این عزیزان از خود سؤال نکردند، با توجه به آرمانهای انقلاب تا کجا می‌توان ذهن انسانهای مسلمان را متوجه این عمل کرد و چقدر باید کسب پول و مال را تبلیغ نمود؟ و دیدیم که چگونه نظام آماری تک بعدی وقتی

می‌خواهد آمار مربوط به تحولات جامعه را به شخصیت‌های بزرگوار انقلاب بدهد تا در خطبه های نماز جمعه ارائه دهند تنها توان تحلیل تغییرات مادی را دارند و تحولات فرهنگی در کلیات و در حاشیه باقی می‌ماند.

و دیگرانی از نیروهای انقلاب که به صنعت، تولید و تجارت رفتند، به تدریج نمازشان بی‌روح و حضورشان در مراسم دعا و سوگواری برای فرار از عذاب وجدان شد. چرا که خوب احساس می‌کنند دست یابی به این موقعیتها به واسطه نثار خون صدها هزار شهید به خون خفته میسر گردیده است و متأثر از روح حاکم بر نظامهای غربی که در صفحات قبل بدان اشاره شد و یکی از نموده‌های آن جداسازی علوم مختلف مربوط به زندگی انسانها از یکدیگر است، نیروهای متدین و انقلابی را به دانشگاه فرستادیم و حالا بعضاً فارغ التحصیل شده و هر یک در نظامی از نظامهای فرعی مشغول کار و جدا از هم در سمینارها، نشستها و محافل خصوصی علیه هم مقاله می‌نویسند و یکدیگر را متهم می‌سازند.

گروهی در سمینارهای اقتصادی ریشه تورم را در معضلات فرهنگی

[صفحه ۱۱۶]

می‌بینند و آرزو می‌کنند کارشناسان فرهنگی، معضلات اقتصاد را بفهمند و مشابه نظام غربی، فرهنگ را به نفع حل بحرانهای اقتصادی اصلاح کنند. غافل از اینکه زندگی مصرفی را نظامات باقی مانده از رژیم گذشته به همراه رشد نفسانیات خودمان توسعه می‌دهد و توقع می‌آفریند و این توقع با معضل فرهنگی قبل از انقلاب گره می‌خورد و بر دولت تحمیل می‌شود و دولت مردان که نگران تبدیل آن به معضل سیاسی هستند، مشغول رفتارهای انفعالی برای حل بحرانهای روزمره اند و نمی‌توانند در عمل، تحقق آرمانها را تعقیب نمایند.

گروهی نیز در سمینارهای فرهنگی، برادران دیروز و امروز خودشان را در بخش اقتصاد متهم به فراموشی آرمانها نموده و ریشه مشکلات فرهنگی را در حاکمیت لیبرالها در حوزه های اقتصاد می‌بینند.

و گروهی در محافل سیاسی بدون درک ریشه های عمیق مشکلات، همزمان و همخطان دیروز و امروز خود را با انواع اتهامات و برچسبها از صحنه های کار و سازندگی دور می‌سازند غافل از آنکه همه قربانی مسأله ای به نام «عدم درک نقش نظامهای بر جا مانده از قبل بر رفتارهای انسانهای مؤمن امروز هستیم» و لذا ملاحظه می‌کنید در همان روزهای اول انقلاب برای ساختن حمام و مدرسه در روستاها نیروهای حزب‌الله را اعزام کردیم اما بعد از هفده سال متوجه شدیم که سازمان برنامه نظام جمهوری اسلامی باید معاون فرهنگی داشته باشد و شاید چند سالی

بگذرد که قدم بعدی شناخته شود و بدانیم کارشناسان این حوزه باید قوی‌ترین اسلام‌شناسان باشند تا متأثر از تغییرات قیمت روزانه ارز، سکه و نرخ عمده فروشی و خرده فروشی، ابزار دست کارشناسان حوزه های اقتصاد نشوند و راه‌حلهایی را برای بحرانهای اقتصادی

[صفحه ۱۱۷]

ارائه دهند که در جریان به کارگیری آن، فرهنگ انسانی قربانی نشود و کارشناسان حوزه معاونت فرهنگی پل ارتباطی حوزه های اسلامی با نهاد برنامه ریزی کشور باشند. و اسفا که هر روز روزنامه و مجله ای درآمد و دلسوزانی در آنجا قلم به دست گرفتند و خدمتگزارانی را که جرأت پیدا کرده و در درون این نظامها مسئولیتی را پیدا کردند و به باد انتقاد گرفتند که شمائید عوامل به وجود آورنده ی تورم، شمائید عوامل پدیده بحران فرهنگی، شمائید عوامل... بدون آنکه توجه کنند مخاطب آنها قربانی نظام دانشگاهی به جا مانده از رژیم گذشته اند و حالا نیز مسئول اداره تشکیلاتی از نظامات تثبیت شده از زمان قبل و میزان اتهام او تنها، نداشتن شک به ساز و کار نظام تحت سرپرستی و عدم اراده برای ایفای نقش در اصلاح ریشه ای نظام تحت مسئولیت اوست و حالا اگر این شک را داشت و این اراده را پیدا می‌کرد و به عنوان یک مدیر متعهد به آرمانهای انقلاب در جستجوی سؤالات بی‌شمار خود سراغ نهادهای فکری جامعه می‌رفت و برای اصلاح شیوه مدیریت خود و اصلاح نظام تحت مسئولیتش در چارچوب ارزشهای اسلامی کمک می‌خواست، کدام حوزه، کدام دانشگاه، کدام نظریه پرداز اسلام و کدام اندیشمند مسلمان به او کمک می‌نمود؟!]

[۱] انفجار جمعیت مرحله ایست که در طول تحولات توسعه کشورهای جهان سوم اجتناب ناپذیر است. چرا که در یک مرحله در زمانی نسبتاً کوتاه با استفاده از مراکز بهداشتی، واکسیناسیون و مصرف آنتی‌بیوتیک ها می‌توان مرگ و میر کودکان را با سرعت پایین آورد اما چون کنترل جمعیت یک حرکت فرهنگی است و زمان بر می‌باشد در این فاصله رشد جمعیت سرعت خواهد گرفت که این مرحله درست مقارن با آغاز انقلاب اسلامی تحقق یافت.

نتیجه گیری

حال که با مروری به عملکرد نظامهای غربی و پیوند آن معضلات فرهنگی قبل از انقلاب و اشتباهات و نارسائیهای بعد از انقلاب آشنا شدیم و مشخص گردید چه عوامل پیچیده ای در جریان روند شکل گیری بحرانهای فرهنگی

مؤثرند و تا اندازه ای زمینه برای کشف راه حلها برای مواجهه با تهاجم فرهنگی آماده شد، برای خلاصه شدن مقاله بصورت فشرده راه حل هایی ارائه می گردد:

قدم اول:

عنایت عمیق و توجه همه جانبه به رهنمودهای مقام معظم رهبری از طرف سیاستمداران، مدیران عالیرتبه، کارشناسان ارشد و نظریه پردازان اجتماعی.

این توصیه یک توصیه اخلاقی و دینی نیست. واقعیت این است که اقدامات، رهنمودها و تذکرات معظم له نشان می دهد که حضرت ایشان، بر تمامی دردها و معضلات بر شمرده اشراف کامل دارند و بسیاری از ناشناخته های ما را می شناسند. برای مثال:

- در زمانی که همه نگران بحرانهای اقتصادی بودند، ایشان از حضور تهاجم فرهنگی خبر می دهند و آنگاه که احساس می کنند بسیاری از خواص مطلب را در نیافتند، از وجود شبیخون فرهنگی سخن می گویند.

- روزی به صحنه می آیند و برای اصلاح استراتژی حاکم بر برنامه دوم توسعه رهنمودهای ارزشمند خود را برای ایجاد توجهی متعادل به تمامی ابعاد وجودی یک جامعه اسلامی اعلام می کنند.

- زمانی به قم مشرف می شوند و با هشدارهای حکیمانه خود حوزه های علمیه را به حضور در صحنه های اداره فکری حکومت دعوت می نمایند.

- در ملاقات وزیر آموزش عالی به ایشان صریح و بی پرده اعلام می دارند دانشگاهها علی رغم تغییرات زیاد، هنوز اسلامی نشده است.

- در ملاقات رییس سازمان برنامه و بودجه آغاز ضرورت تدوین نظام

برنامه ریزی خاص جامعه اسلامی سخن می‌گویند و با بیانی عمیق هشدار می‌دهند که نباید تحت تأثیر فرضیه و نظریه های به ظاهر علمی کارشناسان غربی باشیم و لذا باید از این ظرفیت وجودی و این مخزن علم و فضیلت در برداشتن قدمهای بعدی کمک گرفت.

قدم دوم:

سازماندهی حرکتی است که توسط آن بتوان به تدریج گسیختگی حاصل از حضور نظامهای بیگانه را در دهه های اخیر جبران ساخت. برای روشن شدن مطلب دو مثال ذکر می‌گردد:

۱- در جامعه گذشته ما، نظام آموزشی ارزشمندی وجود داشته که منطقاً می‌بایست از طریق متولیان آن تحولات لازم را برای پاسخگویی به نیاز زمان پیدا می‌کرد. اما حضور نظام آموزشی بیگانه و سرعت جایگزینی آن و عدم احساس نیاز جدی جامعه به نظام قدیمی، تحولات آنرا کند ساخته است.

۲- در گذشته ایران مراجع محترم روحانی نظام مالیه خاصی را سازمان داده و با بهترین وجهی مسائل اجتماعی زمان خود را حل و فصل می‌کرده اند. این نظام نیز می‌بایست تحولات لازم را برای شرایط امروز پیدا می‌کرد اما حضور نظام مالیه به سبک غرب و عدم نیاز جامعه به ادامه نظام سنتی موجبات فراموشی و اضمحلال آن نظام را فراهم ساخته است و لذا باید با هدف بازسازی مجموعه نظامها و تنظیم رابطه آنها با یکدیگر به نحوی که هدف غایی جامعه را مشخص سازد، در چارچوب یک نگرش نظام گرا کلیه عناصر و روابط و راه کارهای اجرایی بازسازی شوند.

[صفحه ۱۲۰]

ساختار کلی نظام اسلامی

بر اساس این الگو تمامی راه حلهای درونی نظامها طوری باید انتخاب شود که علاوه بر تحقق هدف اولیه هر نظام انجام امور به شکلی طراحی گردد که زمینه برای تحقق هدف غائی نظام فراهم شود و در تنظیم رابطه بین نظامها بر خلاف نظام غربی که حرکتهاى اصلاحی یکطرفه بود و همه نظامها به نفع تحقق اهداف نظام اقتصادی اصلاح می‌گردید، اصلاحات دو طرفه بوده و تماماً در راستای تحقق آرمان نهایی یعنی فراهم کردن شرایط رشد و تکامل مادی و معنوی انسانها جرح و تعدیل می‌شود بدین ترتیب که:

- نظام اقتصادی باید به ترتیبی جریان جذب سرمایه و رشد اقتصادی را دنبال کند که زمینه روحیه مادی‌گرایی و خودبینی را در جامعه گسترش ندهد. زیرا

[صفحه ۱۲۱]

این مطلب با هدف نهائی جامعه در تضاد است.

- نظام آموزشی جامعه باید جهت چنین نظام اقتصادی، نیروی انسانی را تربیت کند که کار را امری صواب و مشارکت در گسترش تولید را وظیفه شرعی تلقی نماید.

- نظام تبلیغات جامعه به جای توسعه مصرف برای گسترش تقاضا و ایجاد رونق اقتصادی باید احیاء کننده مفاهیمی چون قناعت، دوری از تبذیر و اسراف، توصیه کننده به امر خیر، احیاگر وقف و نذر، تلاش برای رفع مشکلات مادی و معنوی مسلمانان باشد و برای آنکه از طریق این مفاهیم روحیه کم‌کاری، بی‌نظمی و زهدگرایی انحرافی تقویت نشود، زندگی پرتلاش بزرگان دین را الگوسازی نماید.

- نظام سیاسی جامعه در جریان شکل‌گیری هرم حاکمیت، از یک سو تأثیرات خود را در احیاء مجموعه نظامهای اجتماعی اسلام باید ارزیابی نماید و از سوی دیگر احیاءگر ارزشهای راستین در شکل‌گیری هرم مدیریت ارزشی اسلام باشد و یا به عبارتی ساز و کارهای انتخاباتی به نحوی عمل کند که درجه صلاحیت‌های دینی و اخلاقی و تقوایی سلسله مراتب حاکمیت به سمت بالا افزایش یابد و علاوه بر آن مدیرانی، در راس نظامهای مختلف قرار گیرند که توان اصلاح زیربنایی نظامهای موجود در راستای اهداف اسلامی را داشته باشند.

پیش‌نیاز تحقق چنین نظامی بازگشت جدی و همه‌جانبه به مفاهیم و متون اسلامی است. چرا که تنها عمل به دستورات دینی است که توان همزمان سازی تحقق اهداف چندگانه را در بر دارد. برای مثال: در روش پرداخت وجوه شرعی

[صفحه ۱۲۲]

همزمان علاوه بر تأمین منابع برای حکومت اسلامی نوعی خودسازی فردی برای پرداخت کننده به همراه دارد و شکل عمل به آن نحوی است که انسان پرداخت کننده را به تجدید نظر در جریان جمع‌آوری سالم مال دعوت

می‌کند و یا مدیریت ارزشی اسلام است که در مدیر این روحیه را بوجود می‌آورد که همزمان با افزایش کارایی نیروی انسانی تحت مدیریت خود برای افزایش تولید کالا و یا خدمات مؤسسه مربوطه رسالت سالم سازی اخلاقی و دینی آنها را به عهده می‌گیرد.

برای سازماندهی چنین حرکتی باید جمعی از نخبگان حوزه های علمیه، دانشگاهها و دستگاههای اجرایی در قالب سازمان مشخصی گرد هم جمع شوند و انجام امور را مرحله به مرحله تعقیب نمایند.
قدم سوم:

انتشار دست آوردهای جامعه نخبگان به درون حوزه های علمیه دانشگاهها و دستگاههای اجرایی برای آموزش، فرهنگ سازی، تکامل ایده ها و آماده سازی جامعه برای مراحل بعدی.
قدم چهارم:

تا این مرحله از اقدامات جریان یک حرکت فکری و علمی فرهنگی است و بعد از این مرحله نوبت به ورود نتایج مباحث به درون دستگاههای اجرایی می‌رسد که در این رابطه برای اصلاحات قوانین و ساختارهای تشکیلاتی و اجرایی کشور، نمایندگان مجلس، وزرا، مدیران ارشد دستگاهها باید با موضوع درگیر شوند. در این مرحله مشکل عمده ظاهر خواهد شد و آن اینکه نظام

[صفحه ۱۲۳]

سیاسی انتخاب شده به نحوی است که هر دو سال یکبار به واسطه انتخاب رئیس جمهوری و یا نمایندگان مجلس دچار فضای اجتماعی خاصی خواهد شد که در عمل هم مجریان و هم نمایندگان مجلس را دائماً به حل بحرانهای روزمره و آرام سازی جامعه دعوت می‌کنند و مشخص نیست چگونه با چنین نظام مدیریتی کوتاه مدت می‌توان هدفهای دراز مدت را تعقیب نمود. گر چه ممکن است اکثریت بالایی از نمایندگان و مجریان به لحاظ دلسوزی فردی نگران اهداف دراز مدت و آرمانی باشند اما وقتی اهداف دراز مدت تحقق می‌یابند که نظامهای اجرایی در عمل و بطور سیستماتیک آنها را تعقیب نمایند. به هرحال این خود مشکلی است که باید جامعه نخبگان برای آن راه حل یابی نمایند.

قدم مهم و نهایی اینکه: وقتی می‌توان نظامهای اصلاح شده بر اساس آرمانهای اسلام را اجرا نمود که توده های وسیع مردمی آمادگی پذیرش آنها پیدا نمایند. در این مرحله باز خود اسلام است که باید یاری دهد. خوشبختانه هم

متون نظری اسلام و هم تجربه عملی آن در صدر اسلام نشان داده است که اگر «اقامه نماز» به مفهوم معنی عمیق آن صورت پذیرد و مطابق تأکیدات خاص قرآن و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار جایگاه واقعی خود را پیدا کند و متأثر از اقامه نماز، مساجد احیاء شوند و در پی آن امر به معروف و نهی از منکر در متن روابط اجتماعی باز گردد و از حوزه مسائل شرعی فردی به مسائل شرعی اجتماعی و حکومتی سرایت پیدا کند، جامعه به طور فزاینده برای پذیرش نظامهای مبتنی بر آرمانهای اسلامی آماده می‌شود. بدیهی است که با این نگرش

[صفحه ۱۲۴]

قدر و منزلت اقدامات سازمان یافته سالهای اخیر برای احیای نماز ارزشی بسیار فراتر از آنچه امروز به نظر می‌رسد خواهد داشت چرا که روشن می‌گردد چگونه نماز داروی هر درد کهنه و عمیق فردی و اجتماعی است. البته لازم به توضیح نیست که اقامه نماز موج آفرین، نمازیست به مراتب عمیق تر از نمازی که نوعاً بر پا می‌شود، اما راه رسیدن به عمق نمازی کارساز و موج آفرین از همین مسیری است که آغاز شده و امید است تداوم یابد.

حسن بنیانیان

تابستان ۱۳۷۵

[صفحه ۱۲۸]

نماز و بسیج

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای فقیهی

بسیجی کیست؟

در کویر خشک و سوزان جاهلیت قرن بیستم، در شب سیاه ظلم نوین جهانی، در سینه امواج و طوفان جنایات بشری، و در برابر زوزه های گرگان و گردباد عصیان، خورشیدی درخشید و اشعه ی پر فروغش همه جا تابید و معنویت دیگر بار حیات مجدد یافت و مزده فتح انسانیت سر داده شد.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل
کجا دانند حال ما سبکبالان ساحلها

آری خورشید ایمان امام، نور آسمانها را بر زمین تاباند و پرتو این خورشید انسانهایی بودند با مشخصه های بارز ایمان و عشق به خداوند، اراده و تصمیم آگاهانه، و ایثار و شهادت، از هر قطره خونشان مشعلی برافروختند فرا راه بشریت گمراه قرن حاضر، اینها را بسیجی لقب دادند.

در هر زمان جلوه خاصی داشته اند روزگاری شعاع وجود رسول الله بودند و خداوند توجه حبیب خود را به سوی آنها معطوف می فرماید و آنها را در ردیف امدادهای خود قلمداد می کند. «هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین» [۱].
«ای رسول ما) خداوند کسی است که تو را با امدادهای خود و با مؤمنین یاری کرد» و در چند آیه بعد با تأکید بیشتر و قاطعیت اعلام می کند:

«یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین» [۲].

(ای پیامبر بس است برای تو خدا و مؤمنینی که از تو پیروی می کنند.)

برای دفاع از حق و حقیقت و نجات بشریت فقط دو پشتیبان داری و بس، اول خداوند دوم انسانهای خداپاور و پیرو رسول فقط اینها هستند که نقش وجودی مثبت در تاریخ انسانیت داشته و دارند اینها که در صحنه های خطر و خون و شهادت برای دفاع از ارزشها ایستادند و آماده فداکاری اند.

عمار بسیج که خود را یک بسیجی می دانست و به آن می بالید آنها را چنین معرفی می نماید:
.... حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق تعالی و اسلام را ارائه بدهیم چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود....

بسیج میقات پا برهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند، بسیج لشکر مخلص خداست...

[۱] سوره انفال آیات ۶۲ و ۶۴.

[۲] سوره انفال آیات ۶۲ و ۶۴.

رابطه بسیجی با نماز

با این معرفی ها رابطه بسیجی با نماز روشن می شود هر رابطه ای بین ایمان و نماز هست بین بسیجی و نماز هم هست چون ملاک و مشخصه بسیجی ایمان است پس می توان گفت مرز بین بسیجی و غیر بسیجی نماز ایثارگرانه و شهادت طلب است چون رسول گرامی اسلام می فرماید.

«بین الایمان و الکفر ترک الصلوة»

مرز بین ایمان و کفر ترک نماز است

امام صادق (ع) می فرمایند: «لکل شیء وجه و وجه دینکم الصلوة»

[صفحه ۱۳۰]

هر چیزی چهره ای دارد و چهره دین شما نماز است.

بنابراین بسیجی یعنی انسان نمازی فداکار، همان نمازی که علامت ایمان است و ایمان مشخصه بسیجی و بدون ایمان بسیج مفهومی ندارد.

مساجد خانه اصلی بسیجیان است و محراب «محل جنگ» را در مساجد قرار دادند تا اعلام کنند که مسجد و نماز با بسیج و جهاد و مبارزه همواره همراه بوده و هست و از آن بالاتر فقط بسیجیان هستند که مساجد را حفظ می‌کنند و تعمیر و تولیت مساجد را خداوند فقط از این گروه سزاوار می‌بیند و می‌پذیرد در این رابطه به آیات سوره مبارکه حج توجه کنیم:

فقط بسیجیان مساجد را حفظ می‌کنند

قرآن کریم در سوره مبارکه حج آیات (۳۹ - ۴۱) می‌فرماید:

«اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير»

«به کسانی که مورد تهاجم قرار گرفته اند اجازه جهاد و دفاع داده شد چون مورد ظلم قرار گرفته اند و خداوند بر یاری آنها تواناست»

«الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز»

«کسانی که از شهرهای خود به ناحق رانده شده اند و «هیچ جرمی ندارند» مگر آنکه می‌گویند پروردگار ما الله است و اگر نبود که خدا بعضی از مردم را به واسطه بعضی دیگر دفع می‌کرد هر آینه صومعه ها و معابد یهود و نصاری و مساجد خراب می‌شد مساجدی که در آنها نام خدا بسیار یاد می‌شود و خداوند

[صفحه ۱۳۱]

حتماً یاری می‌کند کسانی را که او را یاری کنند خداوند قوی و عزیز است»

این آیه در دنباله آیه قبل، کسانی را که اذن جهاد و مبارزه یافته اند معرفی می‌فرماید و مورد ظلم را بیان می‌کنند و سپس یک حقیقت مهم را یادآوری می‌شود که اگر این دفاع و مدافعین و رزمندگان نبودند مساجد ویران و خراب می‌شد یعنی مراکز ذکر خداوند در پرتو دفاع و حضور آنها محفوظ مانده است و در پایان آیه به امدادهای الهی و قدرت و عزت خداوندی در حمایت رزمندگان اشاره شده است بنابراین همه ذاکرین خداوند و اهل مساجد و مراکز الهی و معنوی و روحانی و عرفانی و.... باید بدانند که وام دار مؤمنین خدا باوری هستند که در صف جهاد و دفاع ایستاده اند این حقیقتی است که از کلام خداوند به خوبی استفاده می‌شود.

از سوی دیگر بسیجیان رزمنده باید بدانند مهمترین هدف آنها دفاع و حفاظت از پایگاه‌های خدائی یعنی مساجد است که به تبع آنها یاد خداوند همواره زنده می‌ماند و سعادت انسانها تأمین می‌گردد و این افتخار مربوط به کسانی است که در دل هوای یاری خدا را دارند خدائی که خود قوی و عزیز است و نیاز به یاری ندارد ولی آنها دین خدا و مکتب حیاتبخش الهی را یاری می‌کنند به امید جلب رضای معشوق و رسیدن به لقای او تلاش می‌نمایند نکته دیگر آیه این است که این حضور در صحنه دفاع و حفظ مراکز الهی فقط در این زمان نیست بلکه در ادیان گذشته نیز صومعه‌های پیروان حضرت عیسی روح الله و معابد صائین و صلوات یهود همه در پرتو این دلاوریها و جهادها محفوظ مانده است.

دنباله آیات به این صورت زیبا اقامه نماز و ایتاء زکوّه و امر به معروف و نهی

[صفحه ۱۳۲]

از منکر همه را جزو صفات این بسیجیان ذکر می‌شود.

«الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوٰۃ و اتوا الزکوٰۃ و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و الله عاقبہ الامور»
(این کسانی که اذن جهاد یافته اند و مظلوم واقع شده اند و از خانه های خود رانده شده اند و مورد نصرت خداوند قوی و عزیز قرار گرفته چون در اندیشه یاری دین خدا هستند) اینها کسانی هستند که اگر پیروز شوند و قدرت و مکتب پیدا کنند برای اقامه نماز و ایتاء زکوّه و امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌کنند و پایان همه کارها برای خداوند است.

خلاصه مطالب آیات فوق

- ۱- حفظ مساجد و کلیه اماکن مقدسه که پایگاههای فضائل هستند به وسیله دفاع و مبارزه یک گروه از انسانهای مؤمن می‌باشد که اگر اینها نبودند آن مراکز به وسیله دشمنان انسانیت و اسلام منهدم می‌شد.
- ۲- این انسانهای مؤمن همان مردان قتال و مبارزه در راه خدا هستند که نیت آنها یاری دین است البته عالمان و متقین و صاحبان فضائل هر کدام امتیاز و ویژگی و جایگاه خاصی دارند ولی رزمندگان بسیجی افتخار حفظ مساجد را دارند.

۳- این بسیجیان خدا جو هر گاه قدرت پیدا کنند دچار غرور و دنیا طلبی و غنیمت خواهی نمی‌شوند به فکر استفاده های شخصی و جاه طلبی نیستند بلکه همان اهداف مقدسی که در دفاع داشتند در سطح جامعه در زمان صلح هم دنبال می‌کنند هدف آنها اقامه نماز به عنوان رابطه انسان با خدا و برای خدا و ایتاء زکوة به عنوان رابطه انسان با انسانهای دیگر برای رضای خدا و امر به معروف و

[صفحه ۱۳۳]

نهی از منکر به عنوان حاکمیت همیشگی دین و فضائل الهی و مبارزه دائمی و همیشگی با ضد ارزشها و منکرات می‌باشد.

و الله عاقبة الامور - فرجام همه کارها از آن خداوند است

کوتاه سخن آنکه: آیه کریمه «الذین ان مکنا» هم تا آخر مطلق نیست و شامل عموم مسلمین و مؤمنین نیست بلکه مخصوص کسانی است که اهل نبردند و آماده دفاع.

تعمیر مساجد مخصوص بسیجیان است

قرآن کریم می‌فرماید: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد» [۸].

ای فرزندان آدم در هر مسجدی زینت های خود را بردارید

در روایات متعدد تأکید شده که هر کس به مسجد می‌رود با وضع مرتب و منظم آراسته باشد و مساجد نیز زیبا و تمیز باشند بدیهی است که این مطلب با تجملات و تشریفات زائد که از آنها نهی شده فرق دارد.

مسجد و مسجدیان باید تمیز و آراسته باشند بنابراین دست اندرکاران مساجد باید توجه خاص و ویژه ای به تعمیر و نظافت آنها بکنند در عین سادگی و بی تجملی، این وظیفه عموم مؤمنین هم هست لکن خداوند از اینکه عده ای با مقاصد غیر خدائی بخواهند در این کار وارد شوند نهی می‌فرماید و تعمیر مساجد را منحصرأً وظیفه و افتخار بسیجیان معرفی می‌کنند.

«ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک

[صفحه ۱۳۴]

حبطت اعمالهم و فی النارهم خالدون» [۲] .

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را تعمیر نمایند در حالیکه به کفر خود آگاه هستند آنها اعمالشان باطل و در آتش جهنم همیشگی خواهند بود.

«انما يعمر مساجدالله من آمن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلوة و اتى الزکوة و لم یخس الاالله فعسی اولئک ان یکونوا من المتهدین» [۳] .

مساجد خدا را فقط کسانی آباد می‌کنند که ایمان به خدا و روز جزا داشته و نماز را اقامه و زکوة می‌دهند و جز از خدا از کسی نمی‌ترسند این گروه امید است از هدایت یافتگان باشند.

ویژه گیهای مذکور در آیه تمام خصوصیات بسیجی است.

آیه اول از اینکه مشرکان به تعمیر خانه خداوند بپردازند شدیداً نهی شده آیه دوم عمران مساجد را مخصوص انسانهای پاک و با ایمان قرارداده و برای آنها پنج شرط تعیین کرده:

۱- ایمان به خداوند

۲- ایمان به روز قیامت

۳- اقامه نماز

۴- اداء زکوة

۵- نترسیدن جز از خدا

افرادی هستند که مسجد می‌سازند یا تعمیر می‌کنند لکن برای مطرح کردن خود و یا حب جاه و شهرت و.... اینها شرک است و باید دامن مساجد از این

[صفحه ۱۳۵]

چنین متولیان پاک شود. عمران مسجد باید در دست کسی باشد که عقیده به خدا و قیامت داشته باشد و عملاً اقامه نماز اداء زکوة و نترسیدن از غیر خدا را نشان بدهد.

راستی چه کسانی در صحنه انقلاب اسلامی این خصوصیات را داشتند و بدون ادعا در میدان عمل نشان دادند، چه کسانی بودند که جز از خدا نمی‌ترسیدند؟ آتروزهای سخت که همه جا آتش و خون و شهادت بود و بسیاری در

پناهگاه های امن آسوده خاطر و بی خیال و راحت نظاره گر بودند چه کسی نشان داد که «لم یخس الا الله» همان کس باید امروز مسئول و متولی عمران مسجد باشد. آیه سوم در ادامه می فرماید:

«اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستوون عندالله»
آیا آب دادن به حجاج و تعمیر مسجد الحرام را همانند کسی که با ایمان به خدا و روز قیامت در راه خدا جهاد کرده قرار دادید اینها در نزد خدا مساوی نیستند. افرادی خیال نکنند با انجام خدمات اجتماعی و عام المنفعه موقعیت خاصی دارند که همدریف و همسنگ جهادگران بسیجی هستند نه خداوند با عبارات گوناگون عدم تساوی اینها و امتیاز مهم رزمندگان راه خداوند را بیان می کند کوتاه سخن آنکه باید جان برکفان راه خدا و رزمندگان مؤمن بسیجی در بین مسلمانها جایگاه ویژه داشته باشند نه از لحاظ مادی و امکانات رفاهی بلکه از نظر اداره و تعمیر مساجد و تولیت آنها که امری مهم و قابل توجه است.

[صفحه ۱۳۶]

[۱] اعراف آیه ۳۱.

[۲] توبه آیات ۱۹ - ۱۷.

[۳] توبه آیات ۱۹ - ۱۷.

نقش بسیج در جذب جوانها به نماز و مسجد

هر قشر سنی از انسانها دارای روحیات و حالات خاصی هستند که امروزه بسیار مورد توجه دانشمندان می باشد، و هر روحیه ای شیوه تربیتی خاصی دارد، روحیات مختلف از نظر تربیتی یکسان نیستند مثلاً کودکان حالات خاصی دارند و برای تربیت آنها زبان خاصی لازم است.

«من کان له صبی فلیتصاب»

چونکه با کودک سرو کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

بر اساس این مطلب مسلم، موفق‌ترین گروهی که می‌توانند نسل نو و جوان را با مسجد و نماز آشنا کنند بسیجیان هستند که بیشتر آنها جوانان با ایمان و اعتقاد می‌باشند.

پدران و مادران و افراد مسن با توجه به گرفتاریها و خصوصیت‌های خاص سنی طرفین، در جذب جوانها کمتر موفق می‌شوند و نمی‌توانند آن تاثیر مطلوب را داشته باشند ولی بسیج این توان و جاذبه را دارد مشروط به آنکه بزرگترها و ریش سفیدها و امام جماعت، میدان کار را برای آنها باز بگذارند و این مطلب با تجربه نیز ثابت شده خانواده هایی که اصلاً مذهبی نبوده و وضع مناسبی نداشته اند فرزندان آنها مجذوب بسیج و مسجد و نماز شده اند، بنابراین مسئولین دلسوز باید از این توان و قدرت مردمی برای اصلاح وضع جوانان بهره برداری لازم را بنمایند که مع الاسف کمترین استفاده می‌شود.

[صفحه ۱۳۷]

بسیج و اذان عمومی

حضور گسترده بسیج در همه جای مملکت اسلامی هر گونه اقدام همه جانبه و گسترده را برای آنها آسان می‌سازد به عنوان مثال برای پخش اذان در سراسر کشور بسیجیان می‌توانند با یک هماهنگی و اقدام تمام مملکت را در موقع اذان با صدای تکبیر خداوند به حرکت درآورند. در تمامی ادارات و وزارتخانه ها، دانشگاهها و مدارس، محلات و مساجد، کارخانجات و... و این حرکت عمومی و فراگیر نقش عظیمی در گسترش فرهنگ نماز و ایجاد جو معنوی در جامعه و مایوس نمودن دشمنان اسلامی دارد.

طبیعی است که پیرو اذان عمومی اقامه نماز عمومی نیز می‌تواند در دستور کار عمومی بسیجیان قرار گیرد.

تفکر بسیجی چیست؟

خلاصه کلام: اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید والا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم. (امام خمینی ره)

اصول و مبانی تفکر بسیجی

اصول و مبانی تفکر بسیجی که منشاء اعمال و رفتار او می شود به صورت زیر فهرست بندی می شود:

۱- ایمان و عشق به خداوند متعال:

[صفحه ۱۳۸]

الف) داشتن هدف در زندگی

ب) شناخت و عشق خداوند و ارزشهای متعالی

ج) تبعیت و پیروی آگاهانه و عاشقانه از اولیاء خدا (خط ولایت)

۲- خلوص و اراده الهی:

الف) ایثار در راه خداوند و (شهادت طلبی)

ب) کار عاشقانه و شجاعت

ج) تلاش بیش از حد وظیفه (فداکاری)

د) بی توقعی و بدون انتظار و چشم داشت اجر و سپاس

ه) خسته نشدن و صبر و استقامت

۳- سادگی و پرهیز از تجملات و تشریفات

۴- کار انقلابی و تهاجمی و جهت دار

[صفحه ۱۴۱]

نقش الگوها در تربیت دینی فرزندان

جناب آقای ایرج تبریزی

مسئول انتشارات مرکز تحقیقات ایران و پاکستان

مطلع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنای رفیع خانواده مبتنی بر تقدیر و تدبیر، احسان و اکرام، حلم و تحلم، عفو و صفح، تعاطف و تفاهم، مواظبت و محافظت استوار شده است.

خانواده در اسلام، نهادی مقدس و حیاتی، جایگاه مهر و محبت، پایگاه انس و مودت و کانون تکوین شخصیت انسان است.

در فرهنگ غنی اسلام، خانواده وسیله ای برای اقناع و ارضای مشروع ذائقه های جنسی، تولید و تربیت نسل، ایجاد صمیمیت و تفاهم، یکرنگی و همرنگی و تعاون و تعاضد است.

از این رو ازدواج پیوندی مقدس و میثاقی محکم [۱] بنایی محبوب نزد خداوند [۲] و عاملی مطلوب و مؤثر در حفظ دین [۳] است.

[صفحه ۱۴۲]

در واقع خانواده شالوده و مبنای اجتماع و ازدواج دروازه زیبای این باغ آفرینش است. مکتب متعالی اسلام تشکیل خانواده را وسیله ای برای رشد و کمال، تکمیل دین و تکامل اخلاق، تأمین سلامت جامعه و دوام و بقای نسل می داند و پیروان خود را به ترک عزوبت [۴] دعوت می کند و آن را گامی مثبت در تحقق مسؤولیت عبودی و اجتماعی انسان می شمارد.

و خلاصه آنکه، خانواده در اسلام، وسیله تکمیل و تکامل و آرامش روحی و روانی انسان است و نیز کانون اصلی و بنیادی اجتماعات بشری و ضامن سعادت فردی و اجتماعی بشر است و نقشی بس عظیم در تکمیل فرهنگ انسانی، اشاعه موارث فرهنگی و توسعه تمدن بشری دارد. به این لحاظ ازدواج، آرامش بخش روحهای سرگشته و

سرگردان، حیات بخش دلهای افسرده و نگران و هدایتگر افکار گسسته و پریشان است و به تعبیر رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم): همسر صالح و شایسته اسباب سعادت انسان است، [۵] چرا که همسران شایسته بال یکدیگر در پرواز ملکوت، غمخوار یکدیگر در سفر زندگی و یاور هم در طاعت پروردگارند. زن و مرد استوانه های کیان خانواده و ستونهای خیمه زندگی اند و رفتار و حسن سلوک ایشان، الگو و سرمشق زندگی فرزندان است و در نهایت ازدواج و تشکیل خانواده، تکوین مودت و رحمت [۶]، پاسداری از حریم عفت [۷]، خانواده در قدیم، زادگاه مردم، شیرخوارگاه

[صفحه ۱۴۳]

آنان، پرورشگاه، آموزشگاه، محل بازی و شادی دوران کودکی، کارگاه، عبادتگاه، کانون زناشویی، پناهگاه و آسایشگاه روزگار کهنسالی به شمار می رفت. در روشن نگاه داشتن آتش مقدس خانواده، تمام قبایل و ملتها همت می گماشتند. چرا که خانواده انسانی همچون خانواده حیوانی، عهده دار تولید مثل و پرورش و پرستاری از نو باوه به لحاظ بقای نوع نبوده و نیست، بلکه همچنان موظف به پرورش شخصیت اجتماعی و دینی کودکان خویشان است.

هر آن علمی که کسب اندر صغر شد
چنان نقشی بود کاندر حجر شد

مدلول این بیت، واقعیتی تربیتی است که صحت آن را تجربه تضمین و روان شناسی جدید نیز قاطعانه تأیید می کند. سالهای اولیه دوران کودکی از لحاظ پایه ریزی اخلاقی و دینی و رشد عاطفی و شخصیت، در حقیقت مهمترین سالهای زندگی انسان به شمار می رود.

از این رو به نظر این جانب موضوع: «نقش الگوها در تربیت دینی فرزندان» و به تبع آن مقاله انتخابی حقیر زیر عنوان: «الگوی تربیتی خانواده - والدین» مهمترین مبحثی است که در ششمین اجلاس سراسری نماز در شهر یور ماه ۷۵ مطرح می شود.

امید آن دارم که مقاله این ناچیز که علاوه بر حدیث و روایات، بر پایه های جامعه شناسی و روان شناسی استوار است، بتواند بایی در این اجلاس بگشاید و مورد التفات گردانندگان اجلاس قرار گیرد.

۲۹ تیرماه ۷۵ - تهران - ایرج تبریزی

[صفحه ۱۴۴]

[۱] نساء آیه ۲.

[۲] حدیث نبوی، وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۰.

[۳] حدیث نبوی، من لایحضره الفقیه ج ۳.

[۴] حدیث نبوی، جامع الاخبار ص ۲۱۹.

[۵] حدیث نبوی، الکافی ج ۵ ص ۳۲۷.

[۶] سوره روم آیه ۲۱.

[۷] رسول اکرم، مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۵۰.

الگوی تربیتی خانواده - والدین

ویژگیهای خانواده و اهمیت آن را از دیدگاه شرع انور اسلام در عبارات و جمله هایی موجز یادآور شدیم و در پایان «مطلع» اشاره کردیم که «زن و مرد استوانه های کیان خانواده و ستونهای خیمه زندگی اند و رفتار و حسن سلوک ایشان، الگو و سرمشق زندگی فرزندان است.»

والدین همه روز باور شکفتن به ذهن جوانه ها می بخشند و با دستان صمیمی خود آشفته گی کودکان را سامان می بخشند، گل های نوشکفته را می پروراند و فردا را به شاخه قلبهای کوچک آنان پیوند می زنند.

شک نیست که تربیت دینی چهار منشاء مهم دارد که عبارتند از:

۱- خانواده ۲- مدرسه ۳- جامعه ۴- رسانه های همگانی

که ما در خصوص سه مورد آن که خارج از بحث ماست سخنی نداریم، همین قدر اشاره کنیم که کودکان ما با چهار منشأ یادشده برخورد یکسانی ندارند، شمار کمی از کودکان هستند که از هر چهار منشأ تربیت دینی، تأثیر می پذیرند.

باورهای خانوادگی، فرهنگ عمومی جامعه، یعنی فرهنگ طبقه اجتماعی ویژه ای که کودک متعلق به آن است، محیط جغرافیایی و نظایر آن، از جمله عواملی هستند که امکان تأثیرپذیری کودک را زیاد و یا کم می‌کنند. لکن مسئله

[صفحه ۱۴۵]

مورد بحث ما در تربیت دینی منشأ خانواده است.

خانواده نخستین و مهمترین منشأ تربیت دینی است که حتی پیش از تولد کودک بر وی تأثیر دارد. این عوامل عبارتند از:

۱- وراثت، که قبل از انعقاد نطفه است.

۲- محیط، که از دوران حاملگی مادر آغاز می‌شود؛ که هر یک به نوبه خود مبحثی مفصل است؛ زیرا اسلام تربیت کودک را قبل از تولد و حتی شروع تربیت را قبل از ازدواج، یعنی هنگام انتخاب همسر می‌داند. از این مقولات که بگذریم، می‌رسیم به خانواده و تأثیر آن در تربیت دینی فرزندان، خانواده های ایرانی به لحاظ تأثیر و اهمیت، بر سه دسته اند:

خانواده هایی که فاقد مذهب هستند:

افراد چنین خانواده هایی ستیز با مذهب را وظیفه خویش می‌دانند، طبیعی است کودکی که در چنین خانواده ای رشد کند، تحت تأثیر حرفها و حرکات و اعمال اولیای خود، نه تنها تربیت دینی نمی‌بیند، بلکه رفته رفته نظریه های ضد دین پیدا می‌کند. چرا که کودک در چنین خانواده هایی دچار تعارض روحی می‌شود. در جامعه ما که مذهب در حکومت و ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش عمده ای دارد، همچنین نهادها و منشأهای دیگر موافق شرع عمل می‌کنند، کودک دچار تعارض و تضاد روحی می‌شود. برای یک کودک مادر و معلم هر دو عزیز و مقدس اند، به همین دلیل کودک یا نوجوان پس از کشاکشی شکننده به سوی ریاکاری متمایل و کشیده می‌شود. بخصوص که دوران نوجوانی دوران ویژه ای برای نوجوانان است. نوجوان زلال و شفاف است کژیها را

[صفحه ۱۴۶]

بر نمی‌تابد، چنانچه بنیادهای فکری و روانی و دینی نوجوان خوب «پی» ریخته نشود، سلامت او در آینده دچار مخاطره می‌شود، چنانچه این فرصت ناب و گرانبها به سبب بی‌دینی والدین به غفلت بگذرد، امکان بازسازی و بازپروری او در آینده طاقت سوز خواهد بود، بخصوص که نوجوانی بیشتر به یک بحران شبیه است، در مقابل اگر بذر روشنی در قلب حاصلخیز نوجوان افشانده شود زودتر به ثمر می‌نشیند. نوجوانی رنگین کمانی است از قهر و آشتی، سرکشی و تسلیم، پذیرش و انکار و سکوت و فریاد.

خوشبختانه به نسبت دسته های دیگر، شمار این خانواده ها، یعنی خانواده های فاقد مذهب در جامعه ما اندک است، اما همین شمار اندک نیز تا آن حد برای فرزندان شان مشکل آفرین شده اند که مریبان پرورشی مدارس، ناگزیر تضاد آموزش بین خانواده و مدرسه را به لحاظ دینی، به عنوان مشکلی عمده گزارش کرده و همواره در پی حل آن بوده اند.

خانواده هایی که معمولی هستند:

این دسته در جامعه اسلامی ما شامل خانواده های بی شماری می‌شود، از جمله اغلب، خانواده هایی هستند که دغدغه آموزش و تربیت دینی فرزندان خود را ندارند، البته لامذهب هم نیستند، لکن بیشتر گرفتار تأمین نان و دنیای فرزندان خویش اند تا تأمین دین و پرداختن به آخرت، اینان با آنچه پیرامونشان می‌گذرد، موافق اند، یعنی فرهنگ انتخاب ندارند. همچنین به برنامه های تربیتی و منشأهای دیگر بی‌توجه اند. حرکت عمومی جامعه به هر سو باشد، رو به آن سوی دارند. در چنین خانواده هایی هر چند کودک یا نوجوان، ضد دین پرورش

[صفحه ۱۴۷]

نمی‌یابند، اما تربیت دینی هم نمی‌بینند و مهمترین منشأ تأثیرگذاری یعنی خانواده را از کف می‌دهند.

خانواده هایی که مذهبی هستند:

خانواده های مذهبی خانواده هایی هستند که می‌خواهند کودکان و نوجوانانشان مذهبی باریابند. فرزندان در چنین خانواده هایی معمولاً زیر تأثیر فضای عمومی و جو خانواده دین باور بار می‌آیند. چنین کودکانی دیرتر از سایرین از فطرت الهی دور می‌شوند، اما تفاوت سنتها و فرهنگها سبب شده است که همه فرزندان این قبیل خانواده ها، دین

باور بار نیابند، نوع خانواده های مذهبی، شناخت مشخص و حساب شده ای درباره «کودک و ویژگیها و نیازهای او»، ندارند، لذا برنامه ریزیهای مشخص و مؤثری برای تربیت دینی فرزندان خود نمی‌کنند، گاه به تشویق دست می‌زنند، گاه با تنبیه پیش می‌روند. روشن است که این گونه برخوردهای افراطی و تفریطی نادرست است، با نوجوان و کودک باید با اصل اعتدال رفتار کرد، گاه نیز امکانات و تسهیلاتی را والدین فراهم می‌کنند تا فرزندان با منشأهای دیگر تربیت دینی ارتباط برقرار کنند و از آنها تأثیر بپذیرند، این دسته نوعاً خواسته ها و باورهای خویش را مستقیم و بدون جاذبه مطرح می‌کنند و انتظار پیروی از فرزندان را دارند، محدودیت ایجاد می‌کنند و زنجیر می‌کشند تا آنجا که گاه فرزندان چنین خانواده هایی برای گریز و رهایی از محدودیتها، زودتر از سایرین به لامذهبی کشیده می‌شوند. بعضی از این خانواده ها که صاحب سرمایه هستند، تربیت دینی فرزندان را به مدرسی که بر پایه تعلیمات دینی راه افتاده اند، وا می‌گذارند، لذا مدرسی به

[صفحه ۱۴۸]

وجود می‌آورند که تافته ای جدا بافته هستند، البته بحث درباره لزوم یا عدم لزوم و تأثیر مثبت یا منفی چنین مدرسی در اینجا مورد نظر نیست. تنها شمار اندکی از خانواده ها هستند که فرزندان خود را درک می‌کنند و ویژگیهای آنان را به رسمیت می‌شناسند و برای تربیت دینی آنان برنامه های حساب شده ای در خانواده دارند. حاصل سخن اینکه تربیت دینی در اکثر خانواده های ایرانی ره به جایی نمی‌برد و خانواده که عمده ترین منشأ و پایگاه تربیت دینی است، نمی‌تواند منشأ اساسی و مؤثری برای تربیت دینی فرزندان محسوب شود.

چند پیشنهاد به منظور کاشتن بذر دین باوری در فرزندان

ایجاد ارتباط کلامی و عاطفی با فرزندان

هر چه ارتباط کلامی و عاطفی در خانواده بیشتر باشد، فرزندان بیشتر به دعوت والدین به امر دین پاسخ می‌دهند. در هر فرصتی باید با فرزندان صحبت کرد، محرمانه و صمیمانه با او ارتباط کلامی و عاطفی برقرار ساخت. هنگام خواب، هنوز زمانی که کودک و نوجوان به خواب نرفته باید در کنار بستر او نشست و در حالی که او را نوازش می‌کنیم، آرام آرام در خلوت با او حرف بزنیم و از او بخواهیم که با ما راز و نیاز کند. باید دقیقاً و صمیمانه به حرفهای او گوش کرد و واکنشهای مناسب نشان داد. ابتدا باید به نوجوان آزادی کامل داد تا از هر جا که دلش می‌خواهد با شما صحبت کند. باید از او خواست که رفتارهای

[صفحه ۱۴۹]

روزانه خود را ارزشیابی کند.

ایجاد امنیت روانی برای فرزندان

تمام تلاش والدین برای دین باوری و تربیت دینی باید این باشد که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. هر یک از اعضا خانواده باید در منزل احساس امنیت روانی کند، نوجوان و کودک باید کانون خانواده را امن ترین محل و پناهگاه بداند تا راز دل خود را با ما در میان نهد و از ما چاره جویی نماید. اگر کودک یا نوجوانی کار نادرستی انجام داد، نباید به او گفت: «دوستت ندارم» یا: «تو دیگر دختر یا پسر من نیستی» یا: «من مادر تو نیستم» نباید او را سرزنش یا تحقیر کرد. این گونه برخوردها هیچ کمکی به اصلاح نوجوان و کودک نمی‌کند بلکه موجب سرخوردگی و مختل شدن امنیت روانی او می‌شود. باید توضیح داد که من این قبیل رفتارها را دوست ندارم، یعنی با جهل مبارزه کرد نه جاهل، معصومین علیهم السلام هم با جهل مبارزه می‌کردند نه جاهل، در چنین فضایی است که می‌توان نوجوان و کودک را تربیت دینی کرد و به او فهماند که اسلام در تمام این زمینه ها الگو دارد.

دیدگان مثبت نگر

هنگام روبرو شدن با نوجوانان و کودک باید سعی کرد با او برخورد مثبت داشت. مفهوم آن این است که قبل از هر چیز تواناییهای او را دید و رفتارهای مثبت او را مورد توجه قرارداد. از سرزنش کردن و عیب جویی باید پرهیز کرد. اجازه دهیم دیدار ما برای نوجوان و کودک، یک خاطره خوشایند را تداعی کند.

[صفحه ۱۵۰]

نوجوان و جوان و کودک نیاز به تأیید شدن دارند، باید این نیازها برآورده شود. دیدار ما نباید اضطراب آفرین باشد، گاه نیز ممکن است که موضوعی یا خلاقی با دیده چشم پوشی و اغماض نگریسته شود و والدین خود را به غفلت بزنند و اشتباه کودک یا نوجوان را به روی او نیاورند.

عدم مقایسه نوجوان با دیگران

هرگز تواناییها و ناتوانی های نوجوان را با دیگران مقایسه نکنیم، زیرا مجموعه عواملی که موجب شکل گیری رفتار یک فرد می شود، با فرد دیگر، متفاوت است. یعنی از بدو انعقاد نطفه در شکم مادر تا زمان حیات کودک و نوجوان، بفرایند رشد او عوامل بسیاری تأثیر می گذارد. حتی فرزند را نباید با خواهر و برادرش مقایسه کرد، جوان از غرور خاصی برخوردار است و نزد همسالان آبرو و احترام دارد. هنگامی که والدین او را با دیگری مقایسه می کنند در واقع به او بی احترامی روا می دارند و غرور وی را می شکنند، تواناییهای او را نادیده می گیرند در مقابل ناتوانایی هایش را به رخ می کشند، لذا باید به اصل تفاوت های فردی در روان شناسی که اصلی مهم است، توجه کافی و وافی داشت.

در این صورت است که او تمام نصایح ما را که مطمئن است از روی خیرخواهی است می پذیرد و الگوهای تربیتی ما را سرمشق خود قرار می دهد، اعم از اینکه این الگوها و معیارها اخلاقی باشد یا دینی، که البته تربیت دینی همان تربیت اخلاقی هم هست، چونکه صد آمد نود هم پیش ماست. به هر حال فراموش نکنیم که قهر و غلبه راه صحیح تربیت دینی نیست، به زور و قدرت و هیبت می توان بشر را مقهور کرد، ولی نمی توان انسان ساخت، قهر و غضب ممکن است

ظاهر نوجوان را منظم کند، لکن باطن وی را تهذیب نمی‌کند و نور معنا نمی‌بخشد. در خاتمه چند نکته مهم را یادآور شویم و آن اینکه با تأسف فراوان باید گفت: بسیاری از والدین بیش از دانش آموزان نیازمند کلاس تربیتی هستند، بیشترین مشکلات مدرسه هم از دانش آموز نیست.

پدر و مادر باید بدانند که قلب نوجوان یا کودک تحقیر شده، بمبی است که فردا منفجر می‌شود. اگر بخواهیم کودکانمان، فرزندانمان به باور دینی برسند باید خود را اصلاح کنیم؛ باید ابتدا خود را باور کنیم. اگر پدر و مادری باغبان بذر افشان مزرعه قلبهای فرزندان و سرپناه سرگردانی نسل امروز باشند، این سالکان ساده و بی‌ریا و این ره پویان بی‌ادعا نیز عاشقانه می‌کوشند و صادقانه در بارگاه نماز می‌ایستند و عارفانه دین را باور می‌کنند.

فراموش نکنیم که پیچیده ترین و آخرین یافته های پزشکی در قلمرو «جسم» انسان است، شناخت جهان بی‌کران و بی‌مرز «مغز» و «روح» انسان، دشوارتر و خطرتر است و تنها کسی می‌تواند متخصص «مغز و روح» باشد که مدرک فارغ التحصیلی‌اش را خدا امضاء کرده باشد.

گو اینکه بار تربیت و برنامه پرورش دینی برای زندگی در این عصر به مراتب سنگین تر و جان فرساتر از گذشته است. غرب باوران شاه بیت انقلاب انسان سازی را در این می‌دانند که حداکثر آزادی به فرد داده می‌شود و در پرتو

آن توفیقات علمی و صنعتی و اقتصادی نصیب بشر شود. این همه تحقیقاتی که در رشته های گوناگون علوم تربیتی شده و می‌شود و این همه کوششی که برای شناخت معجزات وجود آدمی کرده و می‌کنند برای این است که انسان را که به خود لقب اشرف مخلوقات داده است، به بهترین وجهی بار بیاورند. دانش انسان شناسی که باب اول از کتاب انسان سازی است یکی از پیشرفته ترین و موفقترین دانشهای این روزگار است، اما آیا در تربیت اخلاقی این نسل هم موفق بوده است؟

آیا گرداندن جهانی به این عظمت و برقراری ارتباطی روشن میان مردم این عصر جز در سایه «تربیت دینی» که برنامه اش را خدای متعال مقرر فرموده است، مقدور است؟

آری وجود نظامی که برای بهره برداری از وسایل زندگی وضع شده و باید آنها را نوعی آموزش شناخت با تربیت انسان، به ویژه تربیت دینی، در خدمت انسان به انسان که امری معنوی است، فرق بسیار دارد.

کسی منکر نیست و نمی‌تواند باشد که اگر نظم و قرار و ترتیبی در گرداندن کارها نبود یا نباشد، جهانی به شلوغی این عصر اداره نمی‌شود، لکن این نظم‌ها و قرارها و ترتیب‌ها با آن تربیت معنوی و به زعم ما «تربیت دینی» که به حق باید در یک جامعه وجود داشته باشد، تفاوت زیادی دارد.

حقیقت این است که دستگاههای پرورشی در پنجه‌ی اقتصاد و تکنیک بی‌اخلاق این عصر گرفتارند، به همین لحاظ انسان این عصر آن چنان ساخته می‌شود که به درد خدمت به اقتصاد و یا خدمتگزاری به تکنولوژی این قرن بخورد، و در رکاب سرمایه و مادیات بدود.

[صفحه ۱۵۳]

البته انسان است، اما نه انسان دیروز، او را انسان امروزی بارآورده‌اند. برای اینکه باب امروز باشد و بار امروز را به دوش بکشد، و چون جهان امروز مستعمره تکنولوژی، زرخیز سرمایه، تحت الحمايه اقتصاد و اسیر محاسبه و این ردیف چیزهاست، ناگزیر انسان را آنچنان معنوی بار نمی‌آورد که در گذشته بار می‌آورد. جهان امروز سربازخانه‌ای شده که وجود انضباط اساس و پایه‌ی تحرک آن است، در سربازخانه هم هر کاری تابع قاعده و نظم است که اطاعت از آن الزامی است، اما این امر به معنای کامل کلمه «تربیت» نیست. قبول داریم که بسیاری از سربازها به اخلاقیات و رحمانیات پای‌بندند، عده‌ای نماز می‌خوانند، به دنبال کار خیر می‌روند و یا نوعی عشق و اشراق هم در جانشان می‌چرخد، اما حقیقت این است که سربازخانه مسجد نیست و هدف از ایجاد آن نماز خواندن یا عارف شدن و یا عاشق شدن نیست. کار اصلی‌اش سربازی و سلحشوری است.

جهان امروز هم همین حال را دارد، یعنی کار اصلی‌اش خدمت به معنویات و پرورش انسان معنوی نیست. اگر نظامی دارد برای اداره امور و رسیدن به مقصود دیگری است.

«تربیت دینی» باید تربیت قرآنی باشد

نتیجه آن می‌شود که انسان باید به چیزی فراتر از این قاعده و قانونها توجه کند و بداند که تکنیک بدون معنویات و علم بدون اخلاق و درست کردن جهانی مسحور علم و فارغ از معنا، افراد بشر را اقتناع و رضایت خاطر و آرامش درون آنان را ضمانت نخواهد کرد.

«تربیت» در جهان امروز به مردم می‌آموزد که هر کس تا سر حد مرگ باید

[صفحه ۱۵۴]

روی پای خود بایستد و هیچ گاه به کسی تکیه نکند و به دیگران دل و امید نبندد، که این چنین زندگی، شبیه شنا در دریاست، هر لحظه دست از شنا برداری غرق می‌شوی و چون هر کس به فکر نجات خویش است، به داد دیگری هم نمی‌رسد و به فرض که هزاران هزار مردم، اطرافش شنا کنند، باز خود را تنها و بی‌کس می‌یابد و سرانجام هم غرق می‌شود.

چنین بشری مثل گذشته، جان بر سر عقیده نمی‌بازد، یا گناهکاری را که پشیمان شده، نمی‌بخشد و بی‌حساب و کتاب کسی را بر سر سفره خویش میهمان نمی‌کند و برای اصولی همچون مروت، صفا و گذشت و ایثار، ارزش علمی و اجرایی قائل نیست و رابطه بین خود و سایر افراد را به حکم قوانین و قواعدی حفظ می‌کند که عقل جزوی حسابگر و یکسونگر بر او تحمیل کرده، نه عقلی موهوبی و احساس و عاطفه انسانی که مردان راه خدا از آن تبعیت می‌کنند.

اما انسان قرآن و تربیت شده دینی انسانی است که:

- وجود دیگران را درک می‌کند - به عهد خویش وفا می‌کند و به قول و قرار خویش پای بند است. - نه کسی را تحقیر می‌کند و نه تن به حقارت می‌سپارد. - آنی از نعمتهای خدا غافل نمی‌ماند. - گمان بد نمی‌برد و تحقیق نکرده قضاوت نمی‌کند. - سخن به اندازه می‌گوید و از گفتار بیهوده می‌پرهیزد. - از تمام ظرفیت وجودی خویش در راه اعتلای دین حق استفاده می‌کند.

چنین انسانی است که رفتار و گفتارش اعضای خانواده را به یاد خدا و اولیای حق می‌اندازد و فرزندان نیز از وی تبعیت می‌کنند. اما به راستی چه روشی پیش گیریم که فرزندان ما تربیت قرآنی پیدا کنند. شک نیست که باید

روشهای ایجاد شناخت و گرایشهای مذهبی کودک و نوجوان را دانست، که ما در پایان این مقاله به طریقه ای علمی و جامعه شناسانه به رؤس روشها اشاره می‌کنیم:

روشهای ایجاد شناخت و گرایشهای مذهبی در کودک و نوجوان (تربیت دینی)

- بهره گیری از روش الگویی (بر اساس قرآن و سنت و سیره اهل بیت (ع))
- ایجاد جو مذهبی مناسب در خانواده به منظور تقویت حس پرستش و دینداری کودک و نوجوان.
- پرهیز از طرح ماهیت خداوند (بلکه تأکید بر روی صفات حضرت باری تعالی)
- پرهیز از اقامه برهان در اثبات خداوند (تکیه بر شناخت عظمت جهان آفرینش و زیباییهای طبیعت)
- ایجاد انگیزه در کودک و نوجوان برای عشق و دوستی نسبت به خداوند و پرورش احساس همزمانی و تکلم با خدا به کمک دعا و نیایش
- پرهیز از تأکید بر مسائل مربوط به گناه و عذاب دوزخ و مصادیق آنها
- ارتقای قدرت تعقل و تشخیص کودکان و نوجوانان در مسئله عبودیت و رابطه بین خالق و مخلوق
- ایجاد عادت منظم و مستمر در ادای فرایض روزانه، متناسب با سن کودک (ایجاد زمینه اشتیاق به عبادت)
- مراعات اصل سعه صدر و اتساع ظرفیت در برخورد های مذهبی با کودک و نوجوان (صبر و تحمل)
- بهره گیری از روشهای تربیتی در قرآن، اعم از قصه، پند، تبشیر و انذار

سخن پایانی اینکه کودکی و نوجوانی، دوران تأثیرپذیری است و این حالت با سن کودک و نوجوان رابطه ای معکوس دارد، هر چه سن بیشتر شود میزان تربیت پذیری کمتر می‌شود، در دوره کودکی میزان تأثیر پذیری از والدین و مربیان بسیار زیاد و عمیق و پابرجاست. به ویژه کودک در آغاز حیات همان گونه که تکیه گاه و پناهی جز والدین خویش ندارد، جز آنها الگو و سرمشقی نیز نمی‌شناسد، چه، به مقتضای فطرت و نیاز طبیعی و شرایط جسمی، بیشترین ارتباط را کودک با والدین خویش دارد.

تصور کودک این است که تمام آنچه از والدین سر می‌زند نیکوست. بر اثر اعتماد و اطمینان وافر هر چه از آنها مشاهده می‌کند، مورد تقلید قرار می‌دهد و خود را تا آنجا که بتواند بر اساس رفتارها و آموزشهای غیر مستقیم آنان می‌سازد. به این ترتیب نقش‌پذیری و تربیت‌پذیری کودک به الگوپذیری از والدین و اطرافیان تبدیل می‌شود.

بمنه و کرمه

۱۳۷۵ / ۴ / ۲۹

ایرج تبریزی

[صفحه ۱۵۷]

شعر از شعار اهل بیت

جناب آقای حسان

مدح خیرالانام باید کرد

ذکر او صبح و شام باید کرد

در اذان واقامه نامش را

فیض بخش کلام باید کرد

واجب اندر نماز شد صلوات

نام احمد مدام باید کرد

در عبادت ز نام احمد و آل

نور اخلاص وام باید کرد

بهر اتمام پنجگانه نماز

بر محمد سلام باید کرد

فُلك ایمان را به طوفانها بود سنگر نماز

در دل شبهای تاریک است روشنگر نماز

[صفحه ۱۵۸]

آن رهایی بخش ما از کام دریای بلا

کشتی دل را امان از موج هول آور نماز

نغمه الله اکبر خوش سرودی مذهبی است

لحظه آماده باش ماست قبل از هر نماز

گوش جان بسپار بر حی علی خیر العمل

هست در افعال نیکو از همه بهتر نماز

با قیام و با قعود و با رکوع و با سجود

دارد الحق در جماعت خوش ترین منظر نماز

صبح و ظهر و عصر و شب در پیچ و تاب زندگی

چرخ عمر هر مسلمان را بود محور نماز

روح پاک و جسم پاک و جامه پاک و آب پاک
مسح سر با مسح پا یعنی که پاتا سر نماز

در جهاد و حج و روزه استطاعت لازم است
لیک هرگز یک چنین شرطی نباشد در نماز

گر شود بر پا نمازی با یقین و با خلوص
می کند خود نهی از فحشا و از منکر نماز

تا بیاساید در آغوش سعادت ملتی
باید اول سایه اندازد ورا در سر نماز

[صفحه ۱۵۹]

جنگ با فرهنگ شیطانی است در محرابها
می زند بر قلب دشمن روز و شب خنجر نماز

هر بنای بی ستونی عاقبت ویران شود
گردد ایمان بی ستون بر پا نباشد گر نماز

بی نمازان را به قرب حق تعالی راه نیست
چونکه در معراج هر مؤمن بود شهر نماز

ای که می جویی پناهی استعینوا بالصلوة
هست ما را در حوادث بهترین سنگر نماز

قول ویل للمصلین را مخاطب می شود
هر کسی دارد مقدم کار خود را بر نماز

باب رحمت روز و شب در پیش روی سائل است
هست ما را حلقه کوییدن آن در نماز

مؤمنان را روز و شب چون پله های نردبان
می برد هر رکعتش یک پله بالاتر نماز

شور عشق و حال تسلیم و خضوع است و خشوع
نور چشم احمد است و آل پیغمبر نماز

زان بود اجر علی وقت شهادت بی شمار
کشته در محراب شد می خواند چون حیدر نماز

[صفحه ۱۶۰]

با ملالت عمر زهرا چون به پایان می رسید
خواند قبل از رحلتش آن بانوی اطهر نماز

رنگ رویش می‌پرید و لرزه بر اندام داشت
مجتبی می‌خواند چون در محضر داور نماز

نیست زیباتر ز عاشورای خونین حسین
لیک ثارالله را آن روز شد زیور نماز

والسلام